

کارگران امروز

لشريه انترناشيونالistikي کارگري

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

علت تاخیر در
 منتشر کارگر امروز
صفحه ۶

Vol 5, No 47&48, May/July 1994

سال پنجم، شماره ۴۷ و ۴۸، اردیبهشت - مرداد ۱۳۷۳

با تصویب یک قطعنامه در کنگره کار کانادا،

کارگران کانادا سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را محکوم کردند



Guldgruvan Serra Pelada, Brasilien, 1986.

شایط قرون وسطایی در معدن طلای "سارا پلادا" در برزیل - ۱۹۸۶

دولت جدید آفریقای جنوبی در مقابل اولین اعتضابات کارگری

آنها بدمکار است و اکنون زمان وصول طلب ها فرا رسیده است. اتحادیه کارگران دولت جدید آفریقای جنوبی با اولین موج اعتضابات کارگری پس از انتخابات روبرو شده. دارد اعلام کرد که کمپانی ها را تحت فشار خواهد گذاشت. در صدر لیست اتحادیه، "معدن طلای آفریقای جنوبی"، یکی از بزرگترین استخراج کنندگان طلای های محلی آغاز شد و کارگران آمبولانس در "پرتوریا" علیه برنامه خصوصی کردن خدمات اورژانس شهر دست از کار کشیدند. یکی از مراکز اعتضابات کارگری صنایع معدن است. روز ۱۶ مه، کارگران معدن طلای "کلوف" پس از ۶ روز اعتضاب به سر کار بازگشتد. به گفته یکی از تحلیل گران صنعتی، اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی که در مبارزه برای آزادی نقش فعال داشتند اخسas می کنند که دولت جدید به

مرکز خبری کارگر امروز: بدبانی فعالیت های کمیته همبستگی کارگران

ایران و کانادا، اتحادیه سراسری کارگران کانادا (سی.ال.سی) در کنگره اخیر خود با صدور

قطععنامه ای سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را محکوم کرد.

برای محکوم ساختن سیاستهای ضد کارگری

جمهوری اسلامی، شورای کارگری کانگاری و

اتحادیه کارگران پست هر یک قطعنامه جداگانه

ای را برای تصویب به کنگره ارائه داده بودند

که با پیشنهاد کمیته امور بین المللی، قطعنامه

پیشنهادی اتحادیه کارگران پست که مفاد

قطععنامه پیشنهادی شورای کارگری کانگاری را

نیز در بر می گرفت به تصویب رسید. صفحه ۲

بصیری دبیر سندیکای صاحبان صنایع نساجی:

حدود ۲۵ قا ۳۰ درصد از کارگران

در صنایع نساجی ایران (بیش از

صد هزار کارگر) مازاد هستند"

بصیری در گفتگو با روزنامه کار و کارگر ناشر افکار شوراهای اسلامی همچنین گفت: "سندیکای نساجی ایران ۲۵ کارخانه و ۴۰ هزار کارگر را تحت پوشش دارد" وی افزود: "از ۴۰ هزار دستگاه ماشین موجود در صنعت نساجی تزیک به ۴۰ درصد آنها ساله است مستهلك شده و بازده اقتصادی ندارند و بقیه ماشین آلات نیز به خوبی استفاده نمیشوند". سخنان بصیری حاکی از خطر اخراج بیش از صدهزار کارگر در صنایع نساجی ایران است. *

خاموشی قائم مقام سازمان گسترش و نوسازی صنایع:

اصلاح ساختار نیروی انسانی (اخراج) در ایران ساده تر از کشورهای غربی است که دارای اتحادیه کارگری هستند

کشتار فعالین اتحادیه

بنای گزارش غیر ماهر روپرتوسین بین الفعل اتحادیه های کارگری آزاد، در سال گذشته ۹۲ فعال اتحادیه ای در ۱۴ کشوار به قتل رسیدند. این گزارش حاکی است که مجروحها در ۲۲ کشوار ۱۰۰۰ مورد حمله به فعالین اتحادیه ای گزارش شده است. در اول ماه می ۹۴ اتحادیه سراسری آلمان (دی جی بی) و سازمان کمک به زندانیان، سازمان غفو بین الملل، وضعیت خطرناک بسیاری از فعالین اتحادیه ای در آلمان را گزارش کردند.

دیبر اول دی جی بی در این روز گفت: در زمانی که راسیسم دویاره زنده شده و ناسیونالیسم و منذهب بی طرف نشستند و ستم بر زنان به وضوح عمل می کنند، مقابله با آن بستگی به همبستگی بین المللی اتحادیه ها دارد. *

جمله به موضوع نیروی انسانی مازاد بر نیازدار واحدهای تولیدی بعنوان عاملی در

مشعدی که با سرمایه گذاران بالقوه پرور

میکنند و میگویند: "موضوع نیروی کار

خصوصی جزء مکمل اجرای این سیاست

اضافی از موضوعات مشترکی است که

اکثریت قریب به اتفاق سرمایه گذاران برویه

خارجیها به آن اشاره میکنند. نباید

مشکلات و موانع بسیاری روبرو بوده است.

از جمله مساله اصلی در این میان مقرن

بصرفه نبودن خرید این کارخانجات برای

بخش خصوصی است. تأمین این مساله

تنها از طرق کاهش هزینه تولید و سودآور

شدن تولید ممکن است و لذا بسیار سازی

وسعی کارگران در بخش دولتی در جریان

است. در رابطه با فروش کارخانجات دولتی

را دو صورتیکه ترجیهای اقتصادی و فنی

و موانع آن، ابوالحسن خاموشی قائم مقام

رئیس هیات اعمال سازمان گسترش و

شاید در مواردی اصلاح ساختار نیروی

جام مطالibi را اظهار داشته است، وی از

انسانی در ایران حتی ساده تر از کشورهای

نمایش فیلم "در اعماق" در آلمان

* طی مراسمی مناسب اول ماه مه صدها نفر فیلم

"در اعماق" ساخته گونتر والراف را که درباره وضع کارگران

ایرانی در ژاپن ساخته شده است، تماشا کردند

صفحه ۲

"بسیار کثیف
و زنده کننده روح فاشیسم است

اعتراض موقت آمیز ۱۴ روزه کارگران ۲ کوره پزخانه در ارومیه

انداختند. کارگران خواهان افزایش دستمزد برابر هر هزار آجر از ۱۱۹ تومان به ۱۶۰ تومان بودند. صاحبان کوره ها به بهانه های اعتراض وسیع کارگران ناگزیر به عقب نشینی و افزایش دستمزد کارگران شدند و این اعتراض پس از ۱۴ روز مقاومت و مبارزه در روز ۱۶ فروردین ماه با موقتیت پایان یافت.

به نقل از نشریه: دنیای کارگران

اوایل امسال کارگران کوره پزخانه های منطقه ارومیه، خواهان افزایش دستمزد شدند، اما صاحبان کوره ها به بهانه های مختلف از بالا بردن دستمزد کارگران خودداری کردند. در ادامه این کشمکش ها، کارگران در کوره های مختلف منطقه در تجمعات متعدد دور هم گرد آمدند و در آخرین مجامع عمومی خود بر سر اعتراض به توفاق رسیدند.

روز دوم فروردین کارگران چونکش در ۴۲ کوره پزخانه این منطقه اعتراض ویژع راه

اعتراض کارگران آجر ماشینی گردستان

استقبال خودداران آجر در استانهای همدان و زنجان و کرمانشاه قرار گرفته است. کارگران کارخانه آجر ماشینی گردستان به تأخیر پرداخت دستمزدهایشان اعتراض کردند و تهدید کردند که اگر حقوق معوقه شان پرداخت نشود سرکار حاضر میشوند اما کار نمیکنند. بدینال این اعتراض، کارفرما مجبور به پرداخت دستمزد به تعویق افتاده کارگران شد.

به نقل از نشریه: دنیای کارگران

کارخانه آجر ماشینی گردستان تولید آجر ماشینی خود را در سال ۶۹ آغاز کرد و دولت آن را توجه عنایت مقام معظم رهبری و سایر مستولان جمهوری اسلامی به پرداخت دستمزدهایشان نماید. در این کارخانه حقوق مردم کردستان نماید. در این کارخانه حقوق شان ۱۲۰ کارگر کار میکند و معمولاً پرداخت حقوق شاهانه شان دو ماه به تاخیر میاندد. بیش از نیمی از کارگران هنوز بیمه نشده اند و این در حالی است که طبق گزارش روزنامه اطلاعات تولیدات این کارخانه بخش بهترین کیفیت به بازار عرضه شده و مورد

قطعنامه کنگره کار کانادا علیه سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی

از آنجاییکه:

رؤیم ایران صدها فعال کارگری را اعدام و زندانی کرده است،

حق مناکره دسته جمعی واقعی را بررسیت نمی شناسد و تبعیض قانونی و اجباری علیه زنان اعمال می کند،

کار کودکان را قانونی کرده است، شرایط سختی بر دو میلیون کارگر مهاجر افغانستانی تحمل کرده است،

فعالیت های کارگری را سرکوب کرده است که شامل منوعیت تظاهرات و اعتراض در بخش دولتی است،

تصویب می کیم:

که کنگره کارگری کانادا (سی.ال.سی) سیاستهای ضد کارگری رئیم ایران را

محکوم کند،

از چهار دیوار خانه خود گسترشده تر پیندیشیم، وی در بخشی از سخنرانی به ایرانی دو زبان پا یک دوربین مخفی فیلمی از شرایط کارگران مهاجر تا یکبار دیگر به جهانی فراز از دنیای روزمره پر از مشکلات خودمان فکر کنیم و باز در نقش علی علوی کارگر مهاجر پیندیشیم، وی در بخشی از سخنرانی به ایرانی در اعماق اشارة کرد کفت: فیلم حاضر هم موقعت مناسبی است برای پرداختن به کارگرانی که جای دیگری از جهان با مشکلات دست و پنجه نرم می کنند. کارگران ایرانی در زبان از موقعيت بسیار نامساعدی نسبت به سایر مهاجرین ایران داشت که در شماره ۲۸ و ۲۹، تیر و شهریور ۲۲ چاپ شد. گونتر والراف فیلم خود را در اختیار کارگر امروز گذاشت تا در مجامع کارگری و ایرانیان به نمایش گذاشته شود و عواید آن صرف امر کارگران و مهاجرین شود.

* کاسل، در ۲۹ آوریل فیلم "در اعماق" در موسیمی که بوزیله شورای پناهندگان کاسل، کیته همیستگی کارگری - کاسل، روسیه مهاجرت می کردند، بعدها این پدیده تنها در سطح محدودی در مناطق جنوبی ایران وجود داشت که عده ای برای کار به شیخ نشینهای عربی مهاجرت می کردند. حاکیت ۱۵ ساله ایران و وضع بیمار اقتصاد ایران در چهارچوب یک اقتصاد بین المللی متمکی بر قانون چنگل آتشنان سطح معیشت کارگران و اکثریت زحمتشکشان در ایران را تزلزل داده است که جمع کشید را به مهاجرت برای کار واداشته است. اکنون بخش عظیمی از مهاجرین ایرانی در خارج را کسانی تشکیل می دهند که به امید حفظ زندگی خود، خانه و کاشانه خود را رها کرده اند.

ایرانی داشت که گزارشات آن در شماره ۹۰ نفر شرکت کردند.

نمایش فیلم "در اعماق" در آلمان

* طی مراسمی بمناسبت اول ماه مه صدها نفر فیلم

"در اعماق" ساخته گونتر والراف را که دریاره وضع کارگران ایرانی در زبان ساخته شده است، تماسا کردند

مرکز خبری کارگر امروز: در موسیمی که بمناسبت اول ماه مه در چندین شهر آلمان برگزار شد صدها نفر خواند. بدبلا تفاصیل کسانی که موفق به فیلم "در اعماق" که توسط گونتر والراف دیدار این فیلم نشده، این فیلم مجددا در کارگران ایرانی در زبان ساخته شده است را تماسا کردند.

گونتر والراف قبلا کتابی به همین نام (در اعماق) دریاره اوضاع کارگران ترک در آلمان نوشته است که در واقع سرتوشت زندگی دو ساله خود او در نقش علی کارگر ترک بود. گونتر والراف این

از چهار دیوار خانه خود گسترشده تر پیندیشیم، وی در بخشی از سخنرانی به ایرانی در اعماق اشارة کرد کفت: فیلم حاضر هم موقعت مناسبی است برای پرداختن به کارگرانی که جای دیگری از جهان با مشکلات دست و پنجه نرم می کنند. کارگران ایرانی در زبان از موقعيت بسیار نامساعدی نسبت به سایر مهاجرین ایران داشت که در شماره ۲۸ و ۲۹، تیر و شهریور ۲۲ چاپ شد. گونتر والراف فیلم خود را در اختیار کارگر امروز گذاشت تا در مجامع کارگری و ایرانیان به نمایش گذاشته شود و عواید آن صرف امر کارگران و مهاجرین شود.

* کاسل، در ۲۹ آوریل فیلم "در اعماق" در موسیمی که بوزیله شورای پناهندگان کاسل، کیته همیستگی کارگری - کاسل، روسیه مهاجرت می کردند، بعدها این پدیده تنها در سطح محدودی در مناطق جنوبی ایران وجود داشت که عده ای برای کار به شیخ نشینهای عربی مهاجرت می کردند. حاکیت ۱۵ ساله ایران و وضع بیمار توضیحاتی داد. بعد از آن نفعی از این فیلم در چهارچوب یک اقتصاد بین المللی مطلوب شد. این برنامه با استقبال شرکت کنندگان مهاجر شد. در آمد حاصل از این برنامه در اختیار نشریه کارگر امروز گذاشته شد. در

ایران موسیمی شیش از ۹۰ نفر شرکت کردند.

* فرانکفورت، روز ۲۹ آوریل این فیلم در موسیمی که به مناسبت اول ماه مه و توسط کیته همیستگی کارگری - آلمان و شورای پناهندگان فرانکفورت ترتیب داده شده بود به نمایش در آمد. ناصر یادگار از فعالین کیته همیستگی کارگری - آلمان از طرف همde ما از والراف نشکر می کنم

آن شرکت کرد پرداختند، دریاره تاریخچه اول ماه مه، مشقات پیشریت در جهان سرتاسری داری، لزوم همیستگی کارگری ایرانی در زبان مطالیو را بیان کرد. بدینال آن فیلم در اعماق به نمایش گذاشته شد. این برنامه با استقبال شرکت کنندگان مهاجر شد. در آمد حاصل از این برنامه در

حفظ زندگی خود، خانه و کاشانه خود را رها کرده اند.

فیلم حاضر فرست می کند که نویب در موسیمی که به مناسبت اول ماه مه و توسط کیته همیستگی کارگری - آلمان و شورای پناهندگان فرانکفورت ترتیب داده شده بود به نمایش در آمد. ناصر یادگار از

نشایخ این فیلم می کند که نمایش گذاشته شد. در ابتدای موسیمی که نزدیک به ۱۵ نفر در

آن شرکت کردند، دریاره تاریخچه اول ماه مه، مشقات پیشریت در جهان سرتاسری داری، لزوم همیستگی کارگری ایرانی در زبان مطالیو را بیان کرد. بدینال آن فیلم در اعماق به نمایش گذاشته شد. این برنامه با استقبال شرکت کنندگان مهاجر شد. در آمد حاصل از این برنامه در

حفظ زندگی خود، خانه و کاشانه خود را رها کرده اند.

فیلم حاضر فرست می کند که نویب در موسیمی که نزدیک به ۱۵ نفر در

آن شرکت کردند، دریاره تاریخچه اول ماه مه، مشقات پیشریت در جهان سرتاسری داری، لزوم همیستگی کارگری ایرانی در زبان مطالیو را بیان کرد. بدینال آن فیلم در اعماق به نمایش گذاشته شد. این برنامه با استقبال شرکت کنندگان مهاجر شد. در آمد حاصل از این برنامه در

حفظ زندگی خود، خانه و کاشانه خود را رها کرده اند.

* کلن، در ۲۹ آوریل این فیلم در موسیمی که توسط شورای پناهندگان و

مهاجرین ایرانی در کلن و خونه، و کیته همیستگی کارگری - آلمان در کلن، تدارک

کیته های همیستگی کارگری ایرانی و واحدی های فرداشیون شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی به نمایش در می آید.

* ششمين شماره "همیستگی کارگری" نوشته کیته همیستگی کارگری کارگران ایران - انگلستان منتشر شد.

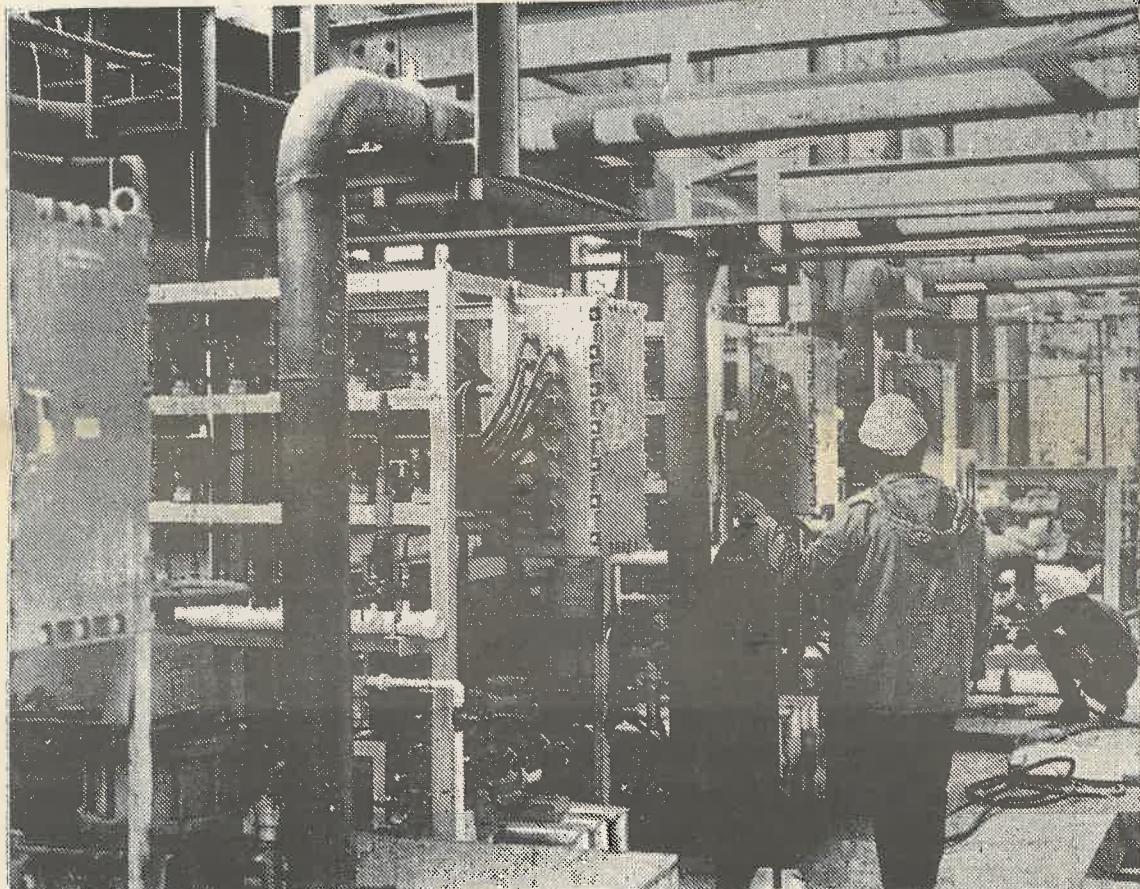
مرکز خبری کارگر امروز: ششمين شماره "همیستگی کارگری" نوشته کیته همیستگی کارگری ایران و اتریش

در زبان آلمانی منتشر شد.

- موج بیکارسازیها در ایران ادامه دارد.

- ضرورت کاهش ساعات کار هفتگی،

نمایش مهدی آردی *



اجاره خانه بخش عده دستمزد کارگران را می بلعد

کرایه کند. آنها با شرط و شروط صاحب خانه، اوابت این زیر زمین ۴۰۰ هزار تومان پول پیش داده و ماهی ۱۰ هزار تومان نیز کرایه میدهد. زیر زمینی که تابستانها مركز سوک و انواع و اقسام حشرات است و در زمستانها تا نیمه های دیوار آن نم و رطوبت دارد.

همیستگی کارگری، نشریه کمپین همیستگی کارگری ایران - انگلستان منتشر شد.

مرکز خبری کارگر امروز: دهین شماره مطالیه های بین زمین کارگری، نشریه کمپین همیستگی کارگری، ایران - انگلستان منتشر شد. در این شماره مطالیه زیر آمده است: تلاش رئیم برای تغییر قانون کار، بازاری سرمایه داری ایران - اخراج کارگران در اوین گام، *

با زن صاحب خانه بر سر مساله ای جزیی و بهانه های بی: اساس در حال نیزاع و ناسازگاری است. چرا اینقدر آمد و رفت میکنید؟ چرا فلان مهمان براپایان آمد؟ چرا بلند صحبت میکند؟ چرا برق زیادی روشن است؟ چرا شهبا تا این وقت بیدار میمایند و بهانه ها و ایراداتی از این دست. خود قضاوی کنید آیا این محیط که از آنجا که و منزل بر آن گذشته شده، جای آسایش و آرامش است؟ یا مکان محل آسایش و محلی برای نیزاع و جنجال.

محمودی کارگر مبل سازی که ۳۵ سال دارد و دارای همسر و دو فرزند است: مشکل مسکن و سرینه است. هر زنده سنتی کارگران دارای شکل مشکل مسکن خود و بالا بودن اجاره آن گلایه و شکایت نداشته باشد.

دیگر چون افزایش میکند که از آنجا که اوضاع اقتصادی کشور افزایش بیشتر دستمزدها را مشکل نباخته است، دولت باید کمود دستمزدها را برای تأمین های خانه کارگران غنیمت کنند. شدن کارگران عنوان میکنند که از این دست خود کارگران را دو کارگر گفتگویی دارد که در آن به گوش های این زیر زمین مخصوص نیست و شده. قستهایی از این گفتگو ها را من میکنم.

وی عقوبی کارگر ساخته ای از طرف کارگران خارجی افزایش یافته است. در این شرکت مطالیه ای از این زیر زمین نمایش داده شده است و در شرکت مطالیه ای از این زیر زمین نمایش داده شد. در این شرکت مطالیه ای از این زیر زمین نمایش داده شد.

نمایش مهدی آردی *

- بیکارسازیها وسیع در ایران و سرکوب

ضد اتحادیه ای، نوشته: کنفرانسین اتحادیه های آزاد

- بالاخره خانه کارگر از شرکت مطالیه

شدن کارگران خارجی را پنیرفت، نوشته: میشانیل کولمار، رئیس فراکسینون سوسیال

- اخبار اعترافات علیه تعویق دستمزدها در برخی کارخانجات ایران

- موج بیکارسازیها در ایران ادامه دارد.

- ضرورت کاهش ساعات کار هفتگی،

نمایش مهدی آردی *

کارگران صنایع فولاد در معرض اخراجهای وسیع

حال فرض میکنیم که فولادسازی میباشد این ماه ۱۸۰ هزار تن تولید میکرد و سه ناحیه نورد گرم، نوردسرد و احیاء مستقیم نیز به ترتیب ۱۲۰، ۱۱۰، ۱۴۰ هزار تن تولید میکردد.

به افراد اعلام شده است که اگر ۶۵ درصد ظرفیت مذکور را در این ماه تولید کنند مشمول پاداش میشوند و به هر اندازه که از ۷۰ درصد فراتر روند ضریب پاداش آنها نیز افزایش میپاید. ضمناً به هر میزان که قراضه یا محصول بدنون گفته تولید شود ضریب پاداش آنها پایین می آید. این اعداد روی یک منحنی قرار دارد که ما را به ظرفیت اسمی خواهد رساند. از طرف دیگر در ماه بعد میزان ۶۵ درصد به ۷۰ درصد تبدیل میشود همینطور ماه به ماه شرط ورود به مرحله پاداش نیز بالا میرود. هر کدام از واحدها که عدد موردنظر را کسب کنند پاداش معینی را دریافت خواهند کرد که بودجه ای را مجتمع بابت این عدد اختصاص داده است و متوسط پاداش هر واحد مثلاً حدود ۲۰ میلیون تومان است. این رقم به کل کارخانه تقسیم میشود و این طور نیست که چون مثلاً واحد (ایجاده مستقیم) به این ظرفیت رسیده پس فقط او پاداش را دریافت میکند. وی می افزاید: "نظام مورد استفاده در مجتمع معتقد است که رسیدن به این هدف نتیجه یک کار جمعی بوده که از ابتدایی ترین مستویت تا مدیریت کارخانه را شامل میشود. چنانچه واحدهای دیگر نیز بتوانند به رقم مورد نظر دست پیدا کنند پاداش آنها نیز به همین رقم افزوده خواهد شد. هر پرستل مجتمع عددی دارد. این اعداد از ۱۰۰ تا ۵۰۰ هستند. این اعداد معروف شفاهاست. زیرا در مجتمع مدرک محور نیست بلکه شغل محور است."

عنی ممکن است یک دیلمه در جایگاه یک فوق دیلمه و یا حتی لیسانس قرار گیرد و بر عکس. این یکی از جوهر تسايی نظام اداری و حقوقی مجتمع با سایر واحدها و نظامهای دیگر است. او میگويد: "اگر همه کارگاهها بتوانند به عدد مورد نظر دست پیدا کنند، حقوق ها دو برابر میشود. لذا هیچگونه هرج و مرجو در کار نیست. البته مدیران مجتمع میتوانند هر فردی را که فعالیت قابل توجهی نداشته از پاداش محروم کنند. جمع پاداش افرادی که جرمیه میشوند در اختیار مدیر آنها قرار میگیرد و او میتواند به دیگران پاداش بیشتری بپردازد و یا در صندوق خود نگهداری کند تا در ماههای بعد به افراد بپردازد.

←
کمیته همبستگی کارگران ایران و فنلاند تلاش برای جلب اعضای جدید

مرکز خبری کارگر امروز: کمیته همبستگی کارگران ایران و فنلاند طی جلسه ای با شرکت فعالیت آن، فعالیت های تاکنون خود را بررسی کرد. در این جلسه از جمله بر جلب اعضای جدید، ثبت آن به عنوان یک شکل رسمی و شرکت فعالتر در کمیته همبستگی کارگران میباشد. مثلاً در ناحیه فولادسازی معهور ما ذوب است و یا در ناحیه گمود اولیه محور ما ایجاده مستقیم است.

و مدیریت هر ساله با قرار دادن رقم بالاتری از تولید بعنوان مبنای پرداخت پاداش و حق بهره بری به شدت کار می افزاید. این سیاست همچنین به رقابت و تفرقه در میان کارگران دامن زده بگونه ای که در چند ساله اخیر همواره یکی از موضوعات مورد اختیار انتراض کارگران چگونگی پرداخت حق بهره وری و میزان آن بوده است. یکی دیگر از مسائل مورد اختراض کارگران نعروه استخدام و طبقه بندی مشاغل در است. مبنای طبقه بندی مشاغل در این کارخانه کشیدن کار بیشتر از گرد هیات از یکسو بررسی قراردادها و پرروزه ها و از سوی دیگر بررسی واحدهای تولیدی و نیروی انسانی و بار این کارخانه آن خواهد بود. این تحقیق مقدمه کارگران نوشته شده که "فقط و فقط کشور است. در زیر گزارشی از شرایط مجتمع بابت این عدد اختصاص داده است و متوجه پاداش هر واحد مثلاً حدود ۲۰ میلیون تومان است. این رقم به کل کارخانه تقسیم میشود و این طور نیست که چون مثلاً واحد (ایجاده مستقیم) به این ظرفیت رسیده پس فقط او پاداش را دریافت میکند. وی می افزاید: "نظام مورد استفاده در مجتمع معتقد است که رسیدن به این هدف نتیجه یک کار جمعی بوده که از ابتدایی ترین مستویت تا مدیریت کارخانه را شامل میشود. چنانچه واحدهای دیگر نیز بتوانند به رقم مورد نظر دست پیدا کنند پاداش آنها نیز به همین رقم افزوده خواهد شد. هر پرستل مجتمع عددی دارد. این اعداد از ۱۰۰ تا ۵۰۰ هستند. این اعداد معروف شفاهاست. زیرا در مجتمع مدرک



کارگران لوله سازی اهواز

کار مجتمع فولاد مبارکه اصفهان را کننده درجه کار و امتیاز کارگر به لحاظ حجم تولید و میزان کار او در طول یکروز است. با این روش کارگرانی که توان جسمی کفتری دارند همواره از دستمزد و دریافتی کمتری برخوردارند و کارگری که ۱۲ ساعتی کار دارد و زیر فشار کار فرسوده شده است که مشخص می خوانید. این تنها کارخانه ایران است که نحوه پرداخت پاداش در آن بطور ساختاری بر ایجاد رقابت و شدت کار فرایندی استوار است.

مجتمع فولاد مبارکه در ۶۵ کیلومتری غرب اصفهان و ۹۰۰ کیلومتری شهر کرد واقع شده و از شهرهای مبارکه و زین شهر حدود ۱۸ کیلومتر فاصله دارد. این مجتمع از طرف شرکت ایتالیاپیونتی به دولت ایران فروخته شد و مبلغ کل قرارداد آن ۵ میلیارد دلار برآورده شده است. تولید این مجتمع ورق آهن است و واپسیه به وزارت معادن و فلزات است. نظارت کارگرها گفتگوهایی داشته که در آن گوشی هایی از شیوه های برده دارانه مدیریت ایتالیاپیونتی به دولت ایران فروخته شد.

این روزنامه رسالت با مسئولین این مجتمع و تعدادی از کارگران آن گفتگوهایی داشته که در آن مللی هایی از شیوه های برده دارانه مدیریت ایتالیاپیونتی به دولت ایران فروخته شد. شرایط بد اقتصادی از پیش و فدان تشکل کارگری باعث شده است که کارگران تسلیم شوند. و در معرض پیکاری قرار گیرند. تاکنون خط ۲۰ تولید تلویزیون سیاه و سفید بسیاری از کارگران به کارگری فراخوانده شده اند. به آنها گفته شده است که برای شما دیگر کاری نیست، یا استفاده بدید و یا منتظر باشید تا تکلیفات روش شود. شرایط بد اقتصادی از پیش و فدان تشکل کارگری باعث شده است که کارگران تسلیم شوند. و در معرض پیکاری قرار گیرند. تاکنون خط ۲۰ تولید تلویزیون سیاه و سفید کاملاً متوقف شده است و تمام کارگران آن استفاده داده اند. طبق پیشنهاد کارفرمای آن ۲۵۰ نفر کارگر

این کارخانه فقط ۷۰ الی ۱۰۰ نفر در شغل خود باقی خواهد ماند. قریانیان این های عده ای در مورد نیروی انسانی و رابطه بین مدیریت و کارگران پس از خصوصی سازی احسان میشود. تا زمانی که اینداد مهم و زیر بنایی سیاست خصوصی سازی به یک قانون صوب پرستی آن بازخورد شده اند و به احتمال مجلس شورای اسلامی تبدیل شده است. زیاد در آینده نزدیک هم شیرخوارگاه و هم مهد کودک کارخانه را تعطیل خواهد بود. در حال حاضر کارگران پاچمنانه در کارخانه در شرایط بد روحی و اضطراب از اینکه نوبت آنها هم خواهد رسید پس میبرند.

ایجاد رقابت برای افزایش شدت کار در این کارخانه بسیار بالاست. سیما آتش افروز

حوادث ناشی از کار

همچنان از کارگران قربانی میگیرد

* در سال ۷۲ بیش از ۱۲ هزار تن بر اثر حوادث ناشی از کار مجرح شدند

* حوادث ناشی از کار و صدمات ناشی از آن در سال ۷۲ در مقایسه با سال ۶۰ معادل ۹۰ درصد افزایش یافته است

مرکز خبری کارگر امروز: طی سال ۷۲ تعداد ۱۳ هزار و ۱۱۶ تن خسارات و زیانهای جانی و مالی زیادی به شدند. از این تعداد که در درجه اول کارگر و کارغزما و در مرحله بعد صنعت و اقتصاد کشته شده اند، ۲/۴ درصد سلامتی خود را از دست داده اند و ۲/۴ درصد بین

دیگر حادث شده اند. حوادث ناشی از کار میان خسارات و زیانهای جانی و مالی زیادی به شدند. از این تعداد ۱/۸ درصد جان

سپردند، که در اینجا اول کارگر و کارغزما و کارگران این گروه صنعتی خود را از آن متضرر نمیشود. وی با اشاره به آمار حوادث ناشی از کار

در ایران گفت: "مقایسه بین هزینه حوادث

ناشی از کار طی سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۷۲ درصد قدرت کار خود را از دست داده اند.

مهدی کرباسیان مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی روز ۲۷ فروردین در مراسم آغاز

بکار نخستین دوره بازآموزی طب کار با مستمری از کارگران این ۲۸۸۸ فقره در سال ۱۳۶۰ به حدود ۱۴۹۹ فقره در سال ۱۳۷۲ رسیده است (افزایش معادل ۹۰ درصد).

در سال ۷۳

دولت به کارگران چنگ و دندان نشان می دهد

پیامهای خود بمناسبت اول ماه مه قرار دادند. کمالی در گردهمایی شوراهای اسلامی کار تهران در ۱۰ اردیبهشت، کارگران را به برخورد منطقی در محیط کار فراخواند و آنها دستمزد کارگران در سال ۷۳ فقط ۲۲/۸ درصد افزایش یافت. لذا در واقع دستمزد کارگران در سال ۷۳ نه تنها افزایش پیدا نکرد، بلکه کاهش بی نظم در محیط کار دفعه کرد. وی

اصفهان: "دفعه از حقوق با بی نظمی متفاوت است. جامعه کارگران بر سر اعلام جنگ دیگری به کارگران بر سر مبارزه برای افزایش دستمزدهاست. زمزمه های این اعترافات و نگرانی رژیم از گسترش آن از قبل از اعلام رسمی این تصمیم از سوی شورای عالی کار، شنیده میشد. اعتصاب کارگران شرکت واحد شیراز و انعکاس وسیع خبر آن نمونه ای از شروع این اعترافات است. از همین روزت که سال ۷۳، سال نظم و اضباط در

جامعه خوانده شده و برای افراد خاطی این افزایش شدند. شرایط ایجاده میشود.

خانمه ای سال ۷۳ درصد دستمزد در سال ۷۳

اعترافات بسیاری از کارگران بر سر در میتوانند از حقوق خود دفاع کنند و در هیچ زمان نباید از افراد خاطی

بی نظم در محیط کار دفعه کرد. وی

اصفهان خود را از شروع این اعترافات و نگرانی رژیم ایجاده میشود.

خانمه ای سال ۷۳ را سال وجود در

کار و اضباط در جامعه خواند. کمالی و زیر کار و نیز خانه کارگر و شوراهای اسلامی این گفته او را ترجیح بند

از آغاز سال جدید تغییراتی در برنامه

کارخانه پارس الکتریک بوجود آمد است.

با متوقف شدن یکی از خط تولید تلویزیون

سیاه و سفید بسیاری از کارگران به کارگری فراخوانده شده اند. به آنها گفته

شده است که برای شما دیگر کاری نیست، یا استفاده بدید و یا منتظر باشید تا

تکلیفات روش شود. شرایط بد اقتصادی از

پیش و فدان تشکل کارگری باعث شده است که کارگران تسلیم شوند. و در معرض

اصلاح ساختار نیروی انسانی (خارج)

- بقیه از صفحه اول

های عده ای در مورد نیروی انسانی و رابطه بین مدیریت و کارگران پس از

خصوصی سازی احسان میشود. تا زمانی که اینداد مهم و زیر بنایی سیاست

کارخانه سازی به یک قانون صوب پرستی آن بازخورد شده اند و به احتمال

مجلس شورای اسلامی تبدیل شده است

مخالفتهای صریح و یا ضمنی با این سیاست به صور مختلف قابل انتظار خواهد

بود. لازم به یاد آوری است که حسین کمالی

چندی پیش اعلام کرد، وزارت کار به پرونده هزار کارگر اخراجی رسیدگی و با اخراج ۹۰ هزار کارگر موافق کرده است. *

کارگران صنایع فولاد در معرض اخراجهای وسیع

لر کی از تاریخ

رجبر روی زمین اتحاد!

بیانیه به رفای کارگران

رفقاً حالیه کارگر ۱۶ ساعت در روز کار می‌کند. ولی حقوقی که دریافت می‌کند فقط فقط برای خود و نزد کارگران کافیست می‌کند. اما اینها در نتیجه عرق جیبین ما کارگران پارک می‌سازند. قایل ذرعی ششصد تومن بdest می‌آورند و شبانه روز با تمام عائله خود در عیش و نوش و راحتند.

مرگ و زندگانی ما برای اربابان خونخوار یکسان است. عدیله و ادارات دولتی و اساس امروزه همه اش نوک و جیره خوار و دست نشانده اربابها هستند و با دستور آنها قیمت خون طفل شهید فوق را بیست و پنج تومان معین کرده‌اند.

رفقاً عزیزاً ما باید بیدار باشیم برای اینکه دشمن خونی ما یعنی اربابها در کینین بود و تدارکاتی برای خفه کردن ما مهیا می‌کنند. ما تمام کارگران خسas را برای عملی کردن شعارهای ذیل دعوت می‌کنیم.

۱ - بایستی خون این طفل و هزاران اطفال معصوم دیگر را با محظوظ طبقه اربابها انتقام کشید.

۲ - بایستی اطفال تا سن ۱۵ سالگی در مدرسه تحصیل کنند.

۳ - در مقابل زحمت باید حقوق کافی دریافت کرد.

۴ - باید هشت ساعت کار در روز را مطالبه کنیم.

رفقاً اتحاد کارگران محکم تر از کوه است. هیچکس جز اتحاد و بازوی خود مهاها حقوق ما را با نخواهد داد. بنابراین ما باید با اتحاد خود حقوق خود را طلب کرده و با قوه خود آن را بچنگ آوریم.

زنده باد اتحاد آهنین کارگران! محظوظ باد ظلم و غارت اربابان.

ماه صفر ۱۳۴۹

عده ای از کارگران حسائی

از نشریه: ستاره سرخ، ارگان مرکزی فرقه کمونیست ایران، به نقل از کتاب، "ستاره سرخ" که به کوشش حمید احمدی جمع آوری شده است.

بیانیه ذیل بواسطه وقوع قتل یک نفر طفل کارگر که بوسیله یکی از ارباب های کارخانه قایل بافی در خراسان واقع گردیده، در مشهد است که کلیه پرسنل را که از مرض اشاعه یافته و یک نسخه هم برای درج در "ستاره سرخ" ارسال داشته

رفای عزیزاً در تاریخ ۱۳۴۹ شاگرد قایل باف موسوم به اصغر در کارخانه عباس از ضربت دست خلیفه بی رحم شهید شد. این قسم رفتار جladانه کارفرمایان از یکطرف و از طرف دیگر کار بی بعد و طاقت فرسا و غارت حاصل رنج ما کارگران از طرف کارفرمایان در مقابل حقوق بسیار جزئی بخوبی و نیز باشیست بیش از پیش چشم و گوش ما را باز کرده و ما را بحقوق حق خود آگاه کنند.

بر طبق احصای از حد نفر قالیباف ۸۰ نفر اطفال خردسالی هستند که در اثر بی چیزی و گرسنگی مجبور شده اند بقداردادهای کمر شکن کارفرمایان تسلیم شوند. هزاران اطفال رنجبر که طفل شهید فوق یکی از آنها بود در ساختی کار نیز ۲۰ درصد حقوق به کل افراد شاغل در مجتمع تعلق میگیرد.

میگویند: "بکارگیری افراد در شغلها صرفاً رابطه ای است و یک فرد میتواند تنها به دلیل آشنایی با میدیان در گروه شغلی بالاتر قرار بگیرد". یکی دیگر از کارگران میگویند: "مشکل اول ما این است که پس از ۱۲ سال کار اکنون نمیدانیم که آیا در اینجا میمانیم و یا نه و اصلاً آینده شغلی ما معلوم نیست و هیچگاه تکلیف ما را روشن نکرده اند که بالآخره چه باید بکنیم". به نوشته روزنامه رسالت اکثر کارگرانی که روزش شدن اذان، با مستولین منطقه مشاغلی که در سازماندهی مجتمع انجام میدهیم مبتنى بر آموزش و تجربه شخص باشد. در ایالات دیدیم

Afradi که باید طبقه بندی پایین بودند از بالاترین سمتها و بیشترین درآمدها برخوردارند که تنها به دلیل تخصص و تجربه از چنین درآمدی برخوردارند. لذا در مجتمع نیز برای اولین بار در ایران از سازمان

انجام آن باز هم حقوقشان از حقوق شغلایی مشابه سایر واحدها بیشتر بود. برای پرسنل توضیح دادیم و با شروع تولید بتدریج کسورات شما حذف خواهد شد و حتی پاداش هم در طبقه خواهید کرد و به همین منظور قانون "کسورات" مجتمع اکنون به این شکل است که کلیه پرسنل را که از مرض اشاعه یافته و یک نسخه هم برای درج در "کسورات" میشوند. زیرا ضرورتا میباشد بین افراد که درای ساقه طولانی هستند با افراد کم ساقه فرقی قاتل شد و چون رده شغلی افراد قابل تغییر نیست لذا از طریق کسورات

سعی میشود که حقوق این افراد به جای تاریخ مذکور به بعد استخدام شده اند تا حدودی تعديل شود. در حال حاضر نیز از مجموع ۶۰۰ نفر پرسنل که در نظام بهره برداری مجتمع معمول دارند حدود ۴۰ نفر مشمول قانون کسورات میشوند."

سرایی در ادامه سخنانش میگوید: "در سال ساقه کار دارد با پرسنل که میلیون تن ورق فولاد دست پیدا کنیم در آن زمان استبدال قوى و محکمی برای اثبات سلامت نظام اداری مجتمع خواهیم داشت."

در ترتیب اگر چه پرسنلی که مثلاً ۱۰ سال ساقه کار دارد با پرسنل که یک سال ساقه کار دارد میگویند: "در از نظر شغلی در یک سطح باشد ولی بابت ساقه کار، حقوق فرد اولی ۲۵ درصد بیشتر است. همچنین برای ساختن و به خود را طلب میگنند. او در توضیح نظام اداری و حقوقی که در مجتمع فولاد مبارکه مورد استفاده قرار گرفته میگوید: "صنعت فولاد سازمان مخصوص به خود را طلب میگردند و به همین دلیل پس از برسی و تحقیقات متعدد متوجه شدیم که میگویند: مبنای برای حرکت ما در ایران وجود ندارد. درستخواه بالای مملکت نیز تایید کردد که سازماندهی واحدهای صنعتی موجود از قبیل ذوب آهن اصفهان، برای ما مجتمع فولاد مبارکه مفید نیست. ولذا آغازه دادند که یک سازماندهی مناسب برای این صنعت در دنیا انتخاب و بکار گرفته شود. بعد از مشاهده صنایع خارجی، ما اعتقاد پیدا کردیم که باید طبقه بندی مشاغلی که در سازماندهی مجتمع انجام میدهیم مبتنی بر آموزش و تجربه شخص باشد. در ایالات دیدیم

بعد از یکروز مذکوره دو طرف به توافق رسیدند. کمپانی حد وزن بسته ها را افزایش داد ولی توافق کرد که بر سر چگونگی حمل بسته های سنگین مذکوره اخراج میشوند. این اقدامات در تعیین اعتصاب نقش داشت. به گفته رفمریستهای درون اتحادیه، این اعتصاب میگویند: "کارگران خواسته میشوند که بسته های بسته های پیشتر از ۷۰ کیلوگرم را به روز دوم کشیده میشند، تعداد خیلی بیشتری به اعتصاب می پیوستند.

چه کسی اعتصاب کرد،
چه کسی کار کرد

قوی ترین بخش، شهرهای بوستان، نیو اورلندز، نیو ایورلندز، و پنسیلوانیا بود. اتحادیه محلی پنسیلوانیا راندگان تریلی ها و کارگران ساختهای پیشتر که تقویت کنند. بخشایی از جنوب شامل

طبقه بندی جوامع پیشرفته از پیوی شد. برای نمونه در شرکت ملی فولاد که مجتمع فولاد مبارکه یکی از شرکتهای تحت پوشش آن است ۱۹۰۰ شغل وجود دارد در حالی که در طبقه بندی مشاغل مجتمع حدود ۱۰۸۰ شغل در نظر گرفته شده است. این موضوع نقطه عطفی در طبقه بندی مشاغل کشور ما میباشد. او میگوید: "در داخل مجتمع فولاد مبارکه ما مشکل جدی نداریم. البته ابتدا از نظر روانی درین پرسنل مسائلی مطرح بود که حل شده است. ولی مجتمع با واحدهای صنعتی اطراف که در اصفهان وجود دارند اصطکاک دارد زیرا نظام اداری آنها به کلی با این نظام تفاوت دارد."

سرایی مدیر امور انسانی و سازماندهی مجتمع فولاد مبارکه نیز در خصوص نظام پرداخت حقوق و پاداش مجتمع میگوید: "این نظام که با نظام معمول در ایران به کلی متفاوت است به هیچوجه به مدرک توجه ندارد بلکه مهارت افراد و توان آنها در اداره کار، محور اصلی میباشد و به همین دلیل افراد در مجموع از طریق کار افراد در ترتیب اگر چه پرسنلی که مثلاً ۱۰ سال ساقه کار دارد با پرسنل که میلیون تن ورق فولاد دست پیدا کنیم است در آن زمان استبدال قوى و محکمی برای اثبات سلامت نظام اداری مجتمع خواهیم داشت." در صدر بیشتر است. همچنین برای ساختن و به خود را طلب میگردند و به همین دلیل پس از برسی و تحقیقات متعدد متوجه شدیم که میگویند: "این مبنای برای حرکت ما در ایران وجود ندارد. درستخواه بالای مملکت نیز تایید کردد که سازماندهی واحدهای صنعتی موجود از قبیل ذوب آهن اصفهان، برای ما مجتمع فولاد مبارکه مفید نیست. ولذا آغازه دادند که یک سازماندهی مناسب برای این صنعت در دنیا انتخاب و بکار گرفته شود. بعد از مشاهده صنایع خارجی، ما اعتقاد پیدا کردیم که باید طبقه بندی مشاغلی که در سازماندهی مجتمع انجام میدهیم مبتنی بر آموزش و تجربه شخص باشد. در ایالات دیدیم بعد از ۱۹ بقیه از صفحه های اتحادیه مجبور خواهند شد که خسارات پیزدازند و کارگران اعتصابی اخراج میشوند. این اقدامات در تعیین اعتصاب نقش داشت. به گفته رفمریستهای درون اتحادیه، این اعتصاب میگویند: "کارگران خواسته میشوند که بسته های بسته های پیشتر از ۷۰ کیلوگرم را به روز دوم کشیده میشند، تعداد خیلی بیشتری به اعتصاب می پیوستند.

توافق

بعد از یکروز مذکوره دو طرف به توافق رسیدند. کمپانی حد وزن بسته ها را افزایش داد ولی توافق کرد که بر سر چگونگی حمل بسته های سنگین مذکوره اخراج میشوند. این اقدامات در تعیین اعتصاب نقش داشت. به گفته رفمریستهای درون اتحادیه، این اعتصاب میگویند: "کارگران خواسته میشوند که بسته های بسته های پیشتر از ۷۰ کیلوگرم را به روز دوم کشیده میشند، تعداد خیلی بیشتری به اعتصاب می پیوستند. ران کاری را تعیین کنند. به رهرو علیرغم این اقدامات مخرب، سایر مشاغل اتحادیه های محلی مشغول شدن از اینها بطور غیر رسمی در ارتباط با تی.دی.بیو (کارگران ترانسپورت برای یک اتحادیه سراسری) باز میگردند.

اینصورت کارگران مجبور نیستند بسته ها را تهایی بلند کنند. ولی از طرف دیگر کارگران در شرایطی دست به اعتصاب زدن که با رسیدگی سیار تام بود، طبق قرارداد سراسری کارگران حق اعتصاب ندارند.

تی.دی.بیو کمپانی بنام "از کم در جلوگیری کنیم" رسیدگی بود. هدف این کمپانی عدالت رشد آگاهی کارگران برای اتحادیه کارگران را از انتقامهای کارولینای شمالی و جنوبی هم در اعتصاب شرکت نکردند. برخی از اتحادیه های بخارا ارتباطات ضعیف و اختلافات درون اتحادیه ای توانستند به اعتصاب پیوستند.

نتیجه

بیماری بحث میکنند که تا آنچه که به وزن بسته های برمیگردد، کمپانی پیروز شد. البته بجز مواردی که بسته ها خیلی سنگین هستند زیرا در

نامه به برد بیز

و تا جه میزان می تواند نه تنها به حفظ حقوق و دستوردهایش پیردازد بلکه بتواند در جهت کسب حقوق بیشتری مبارزه کند. با اروپای واحد بدون اروپای واحد این اصلی ترین نکته برای من است.

سیماک شعاعی — نروز

دوران گندیدگی سرمایه داری است

سردبیر کارگر امروز: در کارگر امروز جمع بندیهایی در مورد روزدادرها و خبرها کم بیش می خورد. در مورد بحث اتحادیه ها و مبارزه اتحادیه ای که تا حال بین اشخاص مختلف شده، گفتار صحبت از این میشود که دوران ما، دوران گند زایی سرمایه داری جهانی است، رفم به هیچ شکلی در حال حاضر نمی تواند بوجود بیاید، دوران بریتیز سرمایه داری جهانی است و بحران شدید آنست. خبر جنگ و بیکاری و خانه خرابی و حمله به سطح معیشت کل طبقه کارگر توسط سرمایه جهانی و اتحادیه هایی است که در آن حل شده اند و چیزی دیگر وجود ندارد. مبارزات ملی هم جز از در آمدن از دامن یک امپرالیسم و اقتادن در دامن امپرالیسم دیگر پیش دیگری به همراه ندارد. فقط سوسیالیسم کارگری واقعی باید در دستور روز هر کارگری بشود. اتحادیه ها صدایشان را امروزه انتقامی تر و رسانتر منع کنند اما در عمل همه اش راه و حرکت کارگران را به سمتی می بوند که خودشان می خواهند. به اتحادیه معدنچیان و اتحادیه ترانسپورت در انگلستان نگاه کنید تا آنجا من بخاطر دارم بیشتر رهیان اتحادیه به سمت کارفرما و ریاست رسیده اند و دمار از روزگار کارگر در آورده اند. اکبر — انگلستان

کارهای موقت و بوده است که هیچگونه امنیت شغلی را در پی نداشته است. اکثریت این شغل‌های ناشایست و معرض فقر با این اعتصابات و اجتماعات و اعتراضات اجتماعی علیه این روند شکل گیری اروپای واحد به مقابله و مخالفت برخاسته اند.

ظرف ماهیهای گذشته سرمایه داری به طرز عریان در محدوده کشورهای اروپای متحده نشان داده است که تمامی این بیکارسازیها تنها و در واقع بهانه ای است برای حمله به شرایط کار، حقوق و سطح معیشت کارگران. این وضعیت هم چنین رقابت میان کارگران را در به صورتهای مختلف بوجوه می آورد. در اروپا در بعضی از کارخانجات کار تا سه شفت بالا رفته است. در آلمان کارخانجات فولکس واگن مدت زمان کار هفتگی را تا ۴۰ ساعت افزایش داشت که این طرح روز رسانده است. ۹ میلیون نفر از جمعیت اروپا درآمد کارگرانی در صدر کاهش سطح درآمد کارگران را در پی داشته است. در اعلام این عمل از سوی هیئت کارفرماها آمده است که بیکاراند. امروزه در کشورهای متحده یکارگان یک سیر سعودی را طی خواهد کرد. همراه با این افزایش درجه گردد، بلکه بیکاری و بیکارسازی کارگران یک میزبان نرخ دستمزد کارگران غیر ماهر و رشته هایی که جزو کارهای تخصصی محسوب نمی شوند سقوط خواهد کرد. بدنبال این سیر بیکارسازها پاتین آمدن نرخ دستمزد خدمات و تامین رفاهی و اجتماعی کارگران نیز سقوط خواهد کرد.

در این گزارش صاحبان و مدیران کارخانجات اعلام داشته اند که بطور ایساپیانی، پرتقال اعتصابات و اغتشاشات کارگری و اجتماعی درست در اعتراض به این رویه بیکارسازی و کاستن از خدمات و سریع خواستار کاهش دستمزد درگیری کارگران در ایتالیا و فرانسه با نیروی ضد شورش پلیس این کشورها در دفاع از اروپای واحد چه نیروهای طرفدار و چه خود سرمایه داری اروپا تبلیغ می کنند که با سیاست بازار ایتالیا، آلمان، اروپاست. در فرانسه، ایتالیا، آلمان، کارگران نیز سقوط خواهد کرد. در این گزارش صاحبان و مدیران کارخانجات اعلام داشته اند که بطور ایساپیانی، پرتقال اعتصابات و اغتشاشات کارگری و اجتماعی درست در اعتراض به این رویه بیکارسازی و کاستن از خدمات و سریع خواستار کاهش دستمزد کارگران شده اند. در ادامه قرار است که نیروی کار بازار کار به حالت سیارتری گرفته است.

واقعیاتی در مورد اروپای واحد

سردبیر کارگر امروز: در یک کار تحقیقی که توسط موسسه ای ارتقی در مورد مستنه بیکاری در کشورهای جامعه اروپا صورت گرفته است، آشکار شد که تحت نظام اروپای واحد نه تنها مستنه بیکاری سراسام آور اصرزین این کشورها حل نمی گردد، بلکه بیکاری و بیکارسازی کارگران یک سیر سعودی را طی خواهد کرد. همراه با این افزایش درجه بیکاری، همزمان نرخ دستمزد کارگران غیر ماهر و رشته هایی که جزو کارهای تخصصی محسوب نمی شوند سقوط خواهد کرد. بدنبال این سیر بیکارسازها پاتین آمدن نرخ دستمزد خدمات و تامین رفاهی و اجتماعی کارگران نیز سقوط خواهد کرد.

در این گزارش صاحبان و مدیران کارخانجات اعلام داشته اند که بطور ایساپیانی، پرتقال اعتصابات و اغتشاشات کارگری و اجتماعی درست در اعتراض به این رویه بیکارسازی و کاستن از خدمات و سریع خواستار کاهش دستمزد کارگران شده اند. در ادامه قرار است که نیروی کار بازار کار به حالت سیارتری گرفته است.

بزرگداشت اول ماه مه در قورفتو — کانادا

مایک دکوت نماینده اتحادیه کارگران پست شعبه اسکارپرد، نزدیکی ایلان بدن این اتحادیه کارگران خدمات عمومی انتاریو، برسون آن عضو اتحادیه ماشین سازی شعبه سن کاترین و جان کلارک سازمانده ایالتی ائتلاف علیه فرق در انتاریو نیز بیامهایی فرات کردند. این بیامهای بدهیه هایی از وضعیت کارگران کانادا و مبارزات آنان، معضل بیکاری، تهاجم دولت ایران و اتحادیه ترانسپورت در انتگلستان نگاه کنید تا آنجا من بخاطر دارم بیشتر رهیان اتحادیه به سمت کارفرما و ریاست رسیده اند و دمار از روزگار کارگر در آورده اند. اکبر — انگلستان

جشن همبستگی کارگری در کپنهایک_دانمارک

مرکز خبری کارگر امروز: پعنایست فرا رسیدن اول ماه مه، در روز ۲۹ آوریل جشن همبستگی کارگری از طرف حزب کمونیست کارگری ایران و کمیته همبستگی با کارگران ایران در کپنهایک برگزار گردید. این مراسم که در آن حدود ۱۲۰ نفر شرکت کرد، بودند با سرومه انترناسیونال آغاز شد و پس از شروع شد و گفتگویی بین همچنان ادامه یابد تا کارگران سرنوشت خود را بسته گیرند.

در مراسم بزرگداشت اول ماه مه که در شکل‌های خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران — واحد کانادا، برگزار کرد بیش از ۵۰۰ نفر شرکت کردند. تعدادی از زهربان و فعلان جنبش کارگری کانادا و فعالین چپ مترقبی از جمله شرکت کنندگان بودند. به گزارش تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران واحد کانادا، مراسم با سرومه انترناسیونال آغاز شد و پس از قرائت بیان اینها، تاکید کرد که دولتها، کارفرماها، دادگاهها و رسانه های گروهی همگی علیه کارگران مستند وی افزود مبارزه ای که بیش از صد و پنجاه سال پیش شروع شد باید همچنان ادامه یابد تا کارگران سرنوشت خود را بسته گیرند.

وی سپس در مورد وضعیت کارگران، نیکاری پیش از ۷۵۰ میلیونی در کشورهای صنعتی، تهاجم سرمایه داران به حقوق اجتماعی و سطح معیشت کارگران به تفصیل سخن گفت.

زان کلود پاروت در ابتدای سخنوار، ضمن اشاره به زندانی شدن و اعدام کارگران مبارز، تاکید کرد که دولتها، کارفرماها، دادگاهها و رسانه های گروهی همگی علیه کارگران مستند وی افزود مبارزه ای که بیش از صد و پنجاه سال پیش شروع شد باید همچنان ادامه یابد تا کارگران سرنوشت خود را بسته گیرند.

دولت بابت پولهایی است که به صاجان صنایع و کارخانه های داده شده است و تهاجم ۶ درصد آن برای صرف مخارج خدمات اجتماعی بوده است.

وی در انتها سخنوار خود، توجه حاضرین را به ضرورت اتحاد کارگران و ادامه مبارزه جلب کرد و آنان را به شرکت در این مبارزه فرا خواند.

در این مراسم همچنین از جمله ایزابت

نشریات وسیده

در شماره قبل نشریه دو سند تاریخی از جنبش کمونیستی کارگری ایران بدون توضیح و ذکر تاریخ درج شده بود.

اوین سند، اول ماه مه و اعتساب کارگران کارخانه وطن اصفهان، برگزار کرد امروز شماره ۴۵ و ۴۶، ص ۸، شرحی است از اعتساب کارگران این کارخانه در اول ماه مه ۱۳۱۰ شمسی که در شماره ۱۲ ستاره سرخ، ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، شماره های ۸۹، ۱۹۸۵، ۵/۵ میلیون شغل در هزار نفره است. در اینجا از جمله ژانرهای کارگران ایرانی در ایتالیا و فرانسه باشندگان ایرانی در ترکیه (نامه)، بهرام حسنی، ر. و. ف. نیاکان، پرویز کاوان، حسین ف. ر. و. ف. نیاکان، پرویز کاوان، خلیل، ق. فرجی، اکبر — انگلستان، عمر معروفی شوراهای پناهندگان و مهاجران ایرانی، شماره ۴۹، محسن ملکی، جاوید سلامی، اساعیل ویس، ن. نویدیان (نامه)، باقی، ر. آ. عبدال گلپریان، یدالله معزودی (نامه)، بهران محمود و اکبر، حسن صالحی، حیدر خنی، غفار و شیرین، مهدی رحمانی، رستگار شعبانی، دیسر شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه (نامه)، بهرام حسنی، محمد فتاحی، نفتگر سابق، آزادی، پناهندگان ایرانی در ایلان (نامه)، بهرام رحمانی، رفوف انسانی، نسیم، شماره ۱، دنیا، نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران، شماره ۱۳۷۲، نیاز، کمیته همبستگی کارگران ایران و فلادی، محمود قزوینی، اکبر و استور، سعادت صارمی، گیتسی زمانی، علی کارگر، اعلامیه دستمزد کارگری سوسیالیستی، شماره ۱۰۷، رسانه، نشریه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران، شماره ۷۲/۷۲، مهر ۱۳۷۲، مهدی زنگنه، رفتار و شیرین، مهدی زنگنه، رفتار و شیرین، نامه ای از کپین بر علیه سیاسی تروریستی جمهوری اسلامی، سامک شعبانی، شورای پناهندگان کابل، بهرام نویدی، صلاح، حسین، محمود جلالی، روابط عمومی کتابخانه ایرانیان در اسلو، نرگس، جلال محمود زاده، مهرگان



کمک مالی
به اتحادیه کارگران کارگاههای
خصوصی — هه ولیر، کردستان
عراق

عمر معروفی ۵۰ مارک فنلاند
امین — گ. ۲۰ مارک آلمان
جیدر خدیری ۵ دلار آمریکا
کمک های مالی هر چند هم که اندک باشد گره گشای فعالیت این اتحادیه
نویا خواهد بود.

۱۵۰۰ امروز

و مانع از خروج اتوبوسها شدند. پلیس با سگ و باتون به پیکت حمله کرد و یکی از رانندگان بر اثر ضربات باتون بهینوش و به بیمارستان منتقل شد.

پس از حمله پلیس به صف پیکت، دیگر رانندگان به حمایت از پیکت برخاستند و تهدید کردند که حمله مجدد پلیس به پیکت، با اعتراض یکارچه کل رانندگان شهر روپرتو خواهد شد. بالاخره پس از ۲۶ روز مقاومت و نیز زای دادگاه کار به حمایت از اعتضایون، رانندگان به تمامی خواستهای خود دست یافتند. *

اعتراض کارگران راه آهن هلند

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۳ ژوئن کارگران راه آهن هلند در اعتراض به حذف ۲۷۰ شغل دست به اعتراض زدند. مدیریت راه آهن دولتی هلند که در نظر دارد به عنوان بخشی از برنامه تجدید سازمان این بخش در وهله اول صدم لکوموتیوران و کترلچی را اخراج کند با شروع اعتراض، مذاکرات خود با اتحادیه کارگران را قطع کرد. با اعتراض کارگران، تمام سیستم راه آهن هلند بجز چند قطار محلی متوقف شد. حمل و نقل بین المللی بطرف بلژیک و آلمان نیز طی اعتراض به حال تعطیل در آمد. *

روسیه، بیکارسازی دو کمپانی زیل

کمپانی اتومبیل سازی زیل اعلام کرد که بدیل مشکلات مالی پیش از ۶۰ هزار کارگر را برای یک هفته بیکار خواهد کرد. کمپانی زیل که در طی ماههای گذشته تولیدش را به حداقل رساند در ماه مارس به کارگرانش پایین تر از متوسط حقوق در روسیه دستمزد داد. در ژانویه سال ۹۳ این کمپانی کار کارگران را بین پرداخت حقوق کامل به ۴ روز در هفته کاهش داد. *

کارگران بریتانیا نگرانی از بیکاری

بنابراین تحقیقاتی که در ماه آوریل در بریتانیا به چاب رسید، ۲۶ درصد کارگران تمام وقت و نیمه وقت بریتانیا نگراند که در طی پیکال آتی بیکار شوند. این گزارش که بر اساس گفته های کارگران تنظیم شده است حاکی از این است که اضطراب دائم کارگران را در شرایط روحی دشواری گذاشت. است. *

بر اساس گزارش ای.ال.او،

کارگران اسپانیا و یونان بیشترین روزهای اعتراض و اداستند

این گزارش که کشورهای اروپایی دی را دری میگیرد، روزهای اعتراض در فاصله سالهای ۹۲ - ۱۹۸۸ را در بین هر ۱۰۰۰ نفر نشان می دهد. در یونان روزهای اعتراض ۲۵۰ روز کاری در سال، بین هر ۱۰۰۰ نفر گزارش شده است. بر اساس این رقم هر نفر دو و نیم روز در سال در اعتراض بوده اند. در اسپانیا روزهای اعتراض ۱۴۶ روز کاری در بین هر ۱۰۰۰ نفر گزارش شده است. *

اعتراض موققیت آمیز رانندگان اتوبوس در دانمارک علیه اخراج

تشدید فشار را در پرداشت، بعلوه صاحبان جدید حکم اخراج ۲۲ راننده را نیز در دو نوبت اعلام کردند و در یک آگوی خواستار استخدام رانندگان با حقوق و مزایای کمتر شدند، مانع از اجرای تصمیم مدیریت مبنی بر اخراج تعادی از رانندگان رانندگان که از اخراج ۲۲ تن بشدت خشمگین بودند بعد از ملاقات با اتحادیه خود (اس.آی.دی) دست به اعتراض زدند.

مجنین اس.آی.دی تصمیم مدیریت جدید را خلاف قرارداد کار داشت و خواهان

رسیدگی به این موضوع توسط دادگاه شد. ابتدا رانندگان اخراجی و پس رانندگان دیگر در مقابل گاراژ اتوبوسها پیکت کردند پس از خبری کارگر امروز: ۷۲ راننده اتوبوس شهر ایسبرگ در دانمارک پس از ۲۶ روز اعتراض که طی آن با پلیس و مقامات دولتی درگیر شدند، مانع از اجرای تصمیم مدیریت مبنی بر اخراج تعادی از رانندگان شدند. پس از خروج خصوصی کردن بخشی دولتی شهرداری ایسبرگ جهت صرفه جویی ۲/۵ میلیون کرون در هزینه های خود تصمیم به فروش خطوط اتوبوسانی شهر به بخش خصوصی گرفت. این تصمیم برای رانندگان کاهش ۱۲ درصد حقوق و نیز

بدنبال سیاست خصوصی کردن بخشی دولتی شهرداری ایسبرگ در این اعتراض، افزایش ۴۰ درصد دستمزد و ختم برنامه خصوصی کردن شرکت ها بود. هفچانه پاراگونی نیز با مطالبه رفع ارضی در تظاهرات شرکت کردند. همچنان راه آهن دارستند و در سراسر کشور جاده ها را بستند. *

اولین اعتراض سراسری پس از ۳۵ سال

* یکی از اعتضایون به ضرب گلوله کشته شد پاراگونه، اولین اعتراض سراسری در روز ۳ مه، اولین اعتراض سراسری در پاراگونه پس از ۳۵ سال با درگیری کارگران ترانسپورت با پارک اتوبوس ها در وسط جاده مانع این کار شدند. به گزارش تایمزمالی، پلیس یکی از تظاهرات کنندگان را با شلیک گلوله به قتل رساند و ۲۰ نفر در درگیری بشدت زخمی شدند. همچنان با اعتراض، مردم در سراسر کشور جاده ها را بستند. *

اعتراض کارگران نفت نیجریه برای برکناری حکومت نظامی



اعتراض پیروز کارگران خدمات در بولیوی

سازمان داد موقق شد برای کارگران بخش خدمات اضافه دستمزدی معادل ۱۲-۶ درصد کسب کند. کارگران بولیوی سنتا را از طرف دولت این کشور را وادر کرد که اضافه و مذکور بر سر تعیین حداقل دستمزد کارگران دست به اعتراض پذیرد.

روز ۹ مه، کنفرانسیون اتحادیه های کارگران بولیوی پس از ۲۳ روز اعتراض سال همزمان با برنامه تعیین بودجه دولت و مذکور بالای نزد تورم را برای کارگران خدمات پذیرد. به گزارش تایمزمالی، کنفرانسیون اتحادیه های کارگران بولیوی که یکی از وسیع ترین اعتضایات این کشور را طی سالهای اخیر جاده ها همراه بود.

اعتراض کارگران راه آهن انگلستان

مدیران و کارمندان را بعنوان دیدیان به کار گرفته تا مانع توقف کل قطار ها شود، با این وجود تعداد معلمی از ترنه را توanstه است به حرکت ذر آورد. در این مورد دیر اتحادیه به عموم هشدار داد که در این روزها راه آهن به هیچ وجه امن نیست زیرا هیچ کدام از مدیران دارای تجربه ای در این زمینه نیستند.

با ادامه اعتراض کارگران راه آهن، مدیریت ریل تراک با تماس با دیدیان تلاش کرد. اینگلیس ایجاد شده اظهار تأسف کرد. بنابراین به ظهار دیر اتحادیه کارگران، در طرح اخیر بازسازی و بازدهی، جایی برای مذکور بین اتحادیه و کارفرما بر سر موارد اصولی وجود ندارد و تنها مذکور است به جزئیات محدود میشود.

اتحادیه کارگران راه آهن بعد از سومین اتحادیه کارگران راه آهن دارد از دولت خواست که برنامه هفتنه دستمزدها را متوقف کند. اتحادیه بروزی قرار داد و گسترش آن از یک روز در هفته به دو روز قبلی کمونیست ها هم بلند است. همینکه در ۲ میلیون عضو دارد از دولت خواست که برنامه هفتنه دستمزدها را متوقف کند. اتحادیه بروزی اینست که میزان دستمزدها هر ساله از طریق مذکوره با اتحادیه و قرارداد سراسری از ۲۷ روز آوریل اعتصابات توسط آغاز کردند. موج اخیر اعتضایات توسط

پاراگونه، اولین اعتراض سراسری پس از ۳۵ سال

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران نفت نیجریه در اعتراض به ادامه حکومت نظامیان در این کشور، اعتضایی گستره را آغاز کرده اند. در این اعتراض کارگران خواهان کنار رفتن حکومت نظامی واختارنامه انتخابات سال قبل در این کشور هستند که در آن "ماشود ایولا" بعنوان رئیس جمهور انتخاب گردید.

شهرهای بزرگ نیجریه اکنون با مشکل جدی سوخته شده اند و بخش اعظم فعالیت های صنعتی دچار اختلال و توقف شده است. حکومت نظامی ارتقای این کشور را توزیع سوخت به خدمت گرفته است و با تانکرهای ارتشی تلاش میکند سوخت را به مناطق مختلف برساند و بفوش اعتصاب کارگران نفت با تصمیم "نوینگ" اتحادیه کارگران نفت آغاز شده است و حدود یک هفته است ادامه دارد. علیرغم تعطیل کامل مراکز توزیع و حمل مواد نفتی، تولید و استخراج تا هشتم ژوئیه ادامه داشته است. اما کارگران بخشی از تولید و استخراج نیز کارگران بخشی از تولید و استخراج اعلام کرده اند که در صورت بی توجهی حکومت نظامی به خواست کارگران، آنها نیز به سایر کارگران خواهند پیوست و استخراج و توزیع نفت را بطری کامل متوقف خواهند کرد. *

از بین رفتن ۸۰۰ هزار شغل در اروپا

مرکز خبری کارگر امروز: نیروی کارکنوئی آنها در طی رقات در اروپا برنامه خصوصی شدن صنایع در ۸۰۰ هزار حاکی است که بیشترین بیکارسازی ها شغل تا سال ۱۹۹۲ و به رقات دشید مثال در فرانسه ۲۹۰ هزار نفر، در ایتالیا ۱۸۰ هزار نفر، در آلمان ۱۴۰ هزار نفر بیکار خواهند شد. بیشترین بیکارسازی ها در میلیون نفر در استخدام دارند کاندید

موج اعتراضات کارگران در لهستان

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۷ آوریل دولت لهستان با اولین اعتراض سیاسی پس از انتخابات پایان گذشت و روابط روسیه شد. اتحادیه همبستگی دست به تظاهرات رفتند. یکی از برنامه های اصلی کرد که در اعتراض به برنامه دولت مبنی بر کنترل دستمزدها دست به اعتضای سراسری خواهد زد. به گزارش تایمزمالی، اعضای اتحادیه همبستگی در ۴ میلیون عضو این کشور که بیش از یک سوم از نزدیکی شدن معادن از آغاز شد. اتحادیه همبستگی از ۲۲ روز آوریل اعتصابات پایان گذشت. این گزارش که در ۲۲ روز آوریل اعتصابات پایان گذشت. کارگران یک چهارم معادن زغال سنگ کشور از ۲۷ روز آوریل اعتصابات توسط آغاز کردند. موج اخیر اعتضایات توسط

آخر و بیکارسازی کارگران همچنان ادامه دارد

* ۱۸۰ کارگر کارخانه تولید متالوژی پودر ایران (پودر آمن) در معرض بیکاری قرار گرفتند. در این کارخانه سال گذشته ۱۲۰ کارگر بازخرید شدند و در حال حاضر نیز ۱۸۰ کارگر شاغل در آن در معرض بیکاری قوار دارند و از آغاز سال جاری هیچگونه مزدی دریافت نکرده‌اند.

* ۷۰ نفر از کارگران شرکت خدمات فنی خارج اخراج شدند از ماه سال ۷۱ از ۵۰۰ نفر پرسنل شاغل تعدادی بازنشسته و ۱۸۰ نفر نیز تحت فشارهای روحی و روانی بازخرید اجباری شدند. اخیراً نیز تعدادی نیز روی مازاد اعلام شدند. با اعتراض کارگران به این اخراجها، مدیر عامل دستور تعطیل کارخانه را صادر کرد. اما با شدت یافتن اعتراض کارگران زیارت کار ناچار به دخالت گردید و شرکت پس از ۲۰ روز توقف کار، فعالیت مجدد خود را آغاز کرد. عاقبت ۷۰ نفر از کارگران اخراج شدند و بقیه به سر کارشان بازگشتد. اعتراض کارگران اخراجی همچنان ادامه دارد و آنها با مراجعت به مقامات مختلف دولتی و اعتراض خواهان بازگشت به کارشان هستند.

* در خداد اعلام شد که چون کارخانه کفشه سه ستاره ۴ سال زیان داده است و مقدار نسبتاً زیادی بدعاکار است تعطیل و منحل شده است. این شرکت ۲۵۰ کارگر دارد که بین ۵ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند.

* شرکت ساختهای ناد در کردنستان تعطیل شد و حدود ۲۵۰ کارگر آن که اکثر قراردادی هستند بدون هیچ حقوق و مزایایی بیکار شدند. شرکت ماد یکی از بزرگترین شرکتهای ساختهای ناد در کردنستان بود و نزدیک به ۱۸ سال سابقه کار داشت و زیر نظر دولت قرار فعالیت می‌کرد. به کارگران رسمی که خانواده هفت نفره دارند بیمدت دو سال ماهانه ۶ الی ۷ هزار تومان پیمه بیکاری پرداخت خواهد شد. مقامات دولتی در پاسخ به تجمع اعتراض کارگران رسمی در مقابل اداره کار سنتنجد گفتند این پول بخاطر دلسویژی جمهوری اسلامی به کارگران پرداخت می‌شود و از این بیشتر پول به آنها تعلق نمی‌گیرد. با ادامه اعتراض کارگران مستوین شرکت ماد به کارگران گفتند اگر کار می‌خواهید بپایید به کمان و پزد تا به شما کار بدینم. *

اعتصاب رانندگان شیرواز برای افزایش حقوق

مرکز خبری کارگر امروز: عنده ای از رانندگان اتویوسهای شهر شیرواز در ۲۰ فروردین برای افزایش حقوق و مزایای شغلی دست به اعتضاب زدند. چهارمین، استاندار شیرواز در رابطه با اعتضاب گفت: رانندگان شیرواز اول اتویوسهای شهری برای افزایش دستمزد و مزایای شغلی دست به اعتضاب زدند ولی پس از مداخله شهردار به سر کار خود بازگشتد.

به گزارش رویتر این اعتضاب موجب اختلال در نظام و عبور و مرور وسائل تقلیه شد. *

آکسیون علیه بیکاری در اروپا

اتحاد بیکاران اروپا (آی‌بانیو) در ماه اکتبر امسال یک آکسیون یک هفته‌ای را علیه بیکاری در اروپا برگزار خواهد کرد.

دانمارک، اعتضاب کارگران رادیومتر علیه اخراج

* دادگاه کار کارگران را بابت هر ساعت اعتضاب ۳۵ کرون جریمه کرد

اعتصابیون در حالیکه سرهای خود را با رویانهای

سیاه بسته بودند بسر کار بازگشتدند

مرکز خبری کارگر امروز: بدنبال تصمیم مدیریت شرکت رادیومتر مبنی بر اخراج ۶۶ تن دیگر از کارگران این شرکت، ۳۵۰ تن از کارگران قراردادی در جلسه ای که روز سه شنبه ۲۴ می‌برگزار شد، تصمیم به اعتضاب گرفتند. اعتضاب کنندگان خواهان لغو تصمیم مدیریت و نیز داشتن امانت

شغله شدند.

شرکت رادیومتر که تولید کننده لوازم و تجهیزات پیمارستانی است حدود ۵۰۰ نفر از آنها قراردادی هستند. کارگران می‌لیون بیشتر در مقابل تصمیم مدیریت خود واکنش شدیدی نشان دهند و در

تصمیم مدیریت و نیز داشتن امانت اتحادیه مبنی بر سوددهی خود قرار دارد.

حکم اخراج این ۶۶ نفر روز جمعه ۲۰ ماه و حصار کشیده شده که امکان

هیچگونه فراری نیست ثگههای می‌شوند.

برده داران مردم فقیری را که محتاج کار هستند به بهانه شغل و حقوق خوب هزاران کیلو متر از محل زندگیشان دور می‌کنند و به مکانهای

بسیار دور افتاده ای می‌برند پس از رسیدن به مقصد برده داران به اطلاع رسیدن به استفاده از اینها هزینه سفر پردازند. بهای سفر و استفاده از ابزار

کارگران ۲۰ نفر از کارگران تحت این عنوان که دیگر به مدیریت اعتضاد نداشند.

خواهان برگزاری می‌کنند. بار اول، در مارس ۹۴، ۲۰ نفر دیگر اخراج شدند. در

این زمان مدیریت قول داد بود که اخراجها ماه مارس آخرين مورد اخراجها در سال جاری (سال ۹۴) خواهد بود.

امروز تنها پس از گذشت حدود ۲ ماه مدیریت دویاره تصمیم به اخراج ۶۶ نفر دیگر گرفته است. بنایه گفته لشون پنسن سخنگوی کلوب شماره ۶۴ اتحادیه کارگران (اس. آی. دی.): هدف مدیریت از اخراج کارگران بالا بزدن شدت کار و از این طرق کسب سود بیشتر است. مدیریت شرکت رادیومتر در حالی این تصمیم را گرفته که

بسه بودند به سر کار بازگشتدند. *

کارگران ۴ سال کمتر عمر می‌کنند

تحقیقات نشان داده است که بطور مثال در استکلم به همان اندازه که سیگار باعث مرگ مردان ۴۵ ساله می‌شود فشار کار نیز باعث مرگ در

اثر سکته قلبی است. در شهر مالمو است که اخیراً توسط اداره امور اجتماعی سوند منتشر شده است. بر طبق این

گزارش بطور متوسط کارگران بیویه کسانی که کار یافته اند و سنگین می‌کنند طول عمر کمتری دارند، بیشتر مربوط می‌شوند و زوایر تقاضای بازنشستگی زودرس می‌کنند.

۴۵ درصد اعضای اتحادیه کارگران دولتی سوئد تقاضای بازنشستگی زودرس می‌کنند. به عبارت دیگر بجا ایانکه بین ۶۲ تا ۷۲ سالگی بازنشسته شوند در سن ۵۷ سالگی بازنشسته می‌شوند. تحقیقات فوق وضعیت سلامت مردم سوئد

شده است که فرق این دو منطقه شهر سوئد بزرگ می‌کنند. در گزارش نوشته شده است که فرق این دو منطقه شهر

سوئد بزرگ می‌کنند. در گزارش نوشته شده است که فرق این دو منطقه شهر

فاصله طبقاتی و فاصله درجه سلامت مردم سوئد هر روز بیشتر می‌شود. در

اوایل دهه ۷۰ مرگ و میر کارگران شوند در سن ۵۷ سالگی بازنشسته می‌شوند. تحقیقات فوق وضعیت روحی،

سلامت و طول عمر کارگران را با کارمندان مقایسه کرده است و به این نتیجه گذاشت که سلامت در سوئد یک کارگر می‌کند

کارگران نسبت به کارمندان درصد بیشتر در معرض بیماری پرستاران، رانندگان

و کارگران مکانیک است.

بر طبق تحقیقات اداره امور اجتماعی سوئد موجی که در کشورهای غربی راه

افتاد و همه را تشویق می‌کرد که زندگی سالمی داشته باشند، غذاهای ارگانیک با چربی کمتر بخورند، سیگار را ترک کنند و وزش کنند اصلاً

نیتوانست برای طبقه کارگر به مراحله اجرا در آید و عمدتاً برای طبقه مرقد امکان پذیر بود. بطور مثال یک مادر

که به تنهایی فرزندان خود را بزرگ می‌پردازد.

بر طبق این گزارش اگر درجه سلامت هم نظیر کارمندان بود درصد بیماری های بدنی ۶۰ درصد کمتر می‌بود؛ این



اعتصابیون رادیومتر: دوران اخراجها بسر رسیده است

می‌کنند نیتوانند تنش روزانه و زندگی فرست ورزش کردن کمتر دارند و تغذیه سختش را با ترک سیگار جبران کنند. بر عکس بیشتر ساکنین یکی از کارمند راحتتر می‌تواند ساعت کاری و چاقی منجر می‌شود. دو تا از عواملی که تعلق به طبقه کارگر را به کم عمری و رسیده بیشتر می‌کنند نیتوانند تنش روزانه و زندگی کاری را بازگردانند. در مدارس مخصوص آموزش شغلی ۱۰ درصد محصلین دختر سیگار می‌کنند، درصورتیکه هم سن های آنها در مدارس دیلم طبیعی بسیار کمتر سیگار می‌کنند. طبق این تحقیقات یک دکتر اطفال که در زمینه امراض جوانان و ریط آن به شیوه و شرایط زندگی کار می‌کند، وجود فشار کار زیاد، عدم دخالت کارگران در این فرایند ایمنی محل کار حدود ۸۰۰ مورد سکته قلبی ریط مستقیم به وجود فشار کار کارگران زن ۲۰ ساله بشدت افزایش خواهد یافت.

این گزارش که نتایج تحقیقات چندین

دکتر و محقق را منتشر کرده است از قول یکی از پژوهشکار میکوید که حتی

چاقی یک مستعلمه طبقاتی است. خانواده کارگری که پدر و مادر ساعت کار

متغایری مثل کار شبانه و غیره دارند،

* * *

جنایت علیه کودکان

یکی از کودکان قالبیاف:

برای آنکه کمی استراحت کنم دستم را عمدتاً بریدم، و بعد برای جلوگیری از خونریزی آنرا در روغن داغ فرو کردم

کار کودکان خردسال یکی از خصوصیات اصلی جامعه سرمایه داری است. کودکان بدلیل سن و سال کم و نیز ظاهرا نداشتن مستولیت اداره خانواده، همیشه از حقوق کمتری نسبت به بزرگسالان برخوردار بوده اند. علاوه بر این تنبیه و تطمیع، اخراج، عدم پرداخت دستمزد و تحت فشار قرار دادن آنها، بمراتب آسانتر از بزرگسالان است. بدین منظور کارفرماها نفع خود را، بویژه در بخش‌های معینی از تولید، در این می‌بینند که از نیروی کار کودکان استفاده کنند. قالبیافی یکی از این رشته‌ها است که بیش از نیمی از نیروی کار شاغل در آن را کودکان خردسال حتی ۵ - ۶ ساله تشکیل می‌دهند.

گزارش زیر که بر اساس گزارشی از تلویزیون سوئیت تهیه شده است سند تکاندهنده و دلخراشی از وجود واقعیت تلغی شرایط کار کودکان در رشته قالبیافی است که از زبان خود کودکان بیان می‌شود. این گزارش از کارگاه‌های قالبیافی در پاکستان تهیه شده است. روابط کارگران خردسال و کارفرماها در کارگاه‌های بنا بر این تنبیه از سیستمی است بنام "پشکی" که برده‌گی قرض است و از طریق آن کارگرانی که بنحوی به صاحبکاران مقروض شده اند، تا زمان پرداخت قروض خود مجبورند برده باشند. طبق این سیستم بچه‌ها نسل بعد از نسل قروض والدین خود را به اirth می‌برند و موظفند با از کار افتادن والدین خود به کار نزد کارفرمای مربوطه ادامه دهند. امروزه در پاکستان بیش از ۱/۲ میلیون کودک قالبیاف وجود دارد.

دهد: تبجه‌ها بهتر از بزرگها کار می‌کنند. آنها سخت تر کار می‌کنند. ولی آدمهای بزرگ خیلی استراحت می‌کنند. اینکه کار را تمام و به بهانه توالی و دستشوی خیلی از زیر کار در می‌زوند. شاید نصف آنها خوب کار می‌کنند. اما بچه‌ها از صبح تا غروب یک ضرب پشت دار قالی می‌نشینند تا اینکه کار را تمام کنند.

Shirayiara در جواب سوالات مکرر گزارشگر در رابطه با اینکه آیا شما بچه‌ها را تنبیه هم می‌کنید، می‌گوید:

"در اوایل کار بخاطر اینکه بچه‌ها فوار نکنند ما خیلی سختگیری می‌کنیم و وقتی که آنها فلق کار دستشان آمد این سختگیریها تمام می‌شود. بعضی از بچه‌ها خیلی شلوغ و شیطان هستند. آنها را از نسل قروض والدین خود می‌برند و موظفند با از کار افتادن والدین خود به قدرت آن را داشته باشد."

Shirayiara در جواب سوالات مکرر گزارشگر در رابطه با اینکه آیا شما بچه‌ها را تنبیه هم می‌کنید، می‌گوید:

"در اوایل کار بخاطر اینکه بچه‌ها فرق نکنند ما خیلی سختگیری می‌کنیم و وقتی که آنها فلق کار دستشان آمد این سختگیریها تمام می‌شود. بعضی از بچه‌ها خیلی شلوغ و شیطان هستند. آنها را از نسل قروض والدین خود می‌برند و مواد مخدر نیز استفاده نکنند. طبیعتاً کسی که کار قالبیافی می‌کند باید قدرت آن را داشته باشد."

در روستای دیگری کودک قالبیافی به نام نازیم می‌گوید:

"من دوازده سال دارم و از چهار سالگی تا به حال کار کرده ام. وقتی که شروع به کار کردم قرض من فقط ۵۰۰ روپیه بود و حالا ۱۲ هزار روپیه است. وقتی که اشتباہی می‌کنم

قرض بیشتر می‌شود. یک صاحب کارگاه فرش، من را به نفر، دیگری ساعات زیادی بدون اینکه استراحتی داشته باشیم، کار می‌کردیم آنها من را با قیچی، چاقو و شانه قالی بافی می‌زدند. آنها من را به زنجیر می‌بستند بخاطر اینکه نمی‌خواستم کار کنم. حتی اگر ما خودمان را با چاقو زخمی می‌گردیم، مجبور به کار می‌شیم"

ندیم یکبار برای اینکه استراحت کند دست خود را عمدتاً برید و سپس برای جلوگیری از خونریزی آنرا در روغن داغ آنها با شانه قالی به سرم کوپیدند کار قالبیافی مشغولند. اینجا جانی طوری که از سرم خون آمد و چشمانت است که صاحبان فرش با کمک و همیاری پلیس از قدرت بی‌حد و مزی برخوردارند.



شجاعی به همراه دو دختر خود پنهان گرفته است. دو دختر این خانواده نسین ۱۱ ساله و شهین ۱۲ ساله هستند و از سن ۶ سالگی به کار قالبیافی مشغول بوده اند. این دو خواهر بنا به اصرار مادرشان حاضر می‌شوند دریاره سرنوشت تلغی خود زیان به سخن بگشایند. شهین ۱۲ ساله با چهره‌ای گرفته‌چین می‌گوید: "سه ماه پیش شروع کردم در پاکستان جبشی بنام "جنیش رهائی برگان" (بپی‌الال‌اف) وجود دارد که هدفش حیات از کار کودک قالبیاف و بیرون آوردن آنها از شرایط برده‌گی است. احسان الله خان رهبر این جبش است. اینها مرتباً مورد تهدید و اذیت پلیس و صاحبان فرش و کوره پزخانه‌ها قرار دارد، می‌گوید: "پاکستان یک جامعه فنرداگی است. بسیاری هیچ اعتنایی به حقوق کودکان ندارند. آنها برگان قرض را مانند برده به حساب می‌آورند. آنها فقط نیروی

سپس یکی از کار کردن سریچی است. وقتی که این کار کردن را شروع می‌کردیم آنها ما را چهار، پنج روزی به زنجیر می‌بستند. ما می‌باشتیم که زنجیر می‌فرش، من را به نفر، دیگری ساعات زیادی بدون اضافه تر شده است. وقتی که ۵ ساله بودم آنها من را با قیچی، چاقو و شانه قالی بافی می‌زدند. آنها من را به زنجیر می‌بستند بخاطر اینکه نمی‌خواستم کار کنم. حتی اگر ما خودمان را با چاقو زخمی می‌گردیم، مجبور به کار می‌شیم"

ندیم یکبار برای اینکه استراحت کند در روستای دیگری بنام "شارسادا" که سه نفر بودند و ما در یک اطاق زندانی شده بودیم. ما از ۶ سالگی کار قالبیافی مشغولند. اینجا جانی طوری که از سرم خون آمد و چشمانت است که صاحبان فرش با کمک و همیاری پلیس از قدرت بی‌حد و مزی برخوردارند.

دند: در یکی از خانه‌های این روستا مادر

این دو خواهر را با تهدید اسلحه مجبور به این کار کردند. تجاوزگران سه نفر بنامهای اقبال، حنیف و شریف بودند.

شهین در حالیکه بغض گلوش را گرفته است و به سختی حرف می‌زنند، در پاسخ سوال گزارشگر که چه احساسی داری می‌گوید: "ما چه احساسی می‌توانیم داشته باشیم. برای ما دیگر هیچ زندگی واقعی باقی نمانده است. ما اینجا عمل زندانی شده ایم. آنها تلاش می‌کنند ما را بی‌آبرو کنند. ما چه حقی برای زندگی کردن داریم".

نسین خواهر یازده ساله چنین جواب می‌دهد: "من احساس می‌کنم که ما هیچ حقی برای زندگی کردن نداریم. علاوه بر این تنبیه و تطمیع، اخراج، عدم پرداخت دستمزد و تحت فشار قرار دادن آنها، بمراتب آسانتر از بزرگسالان است. بدین منظور کارفرماها نفع خود را، بویژه در بخش‌های معینی از تولید، در این می‌بینند که از نیروی کار کودکان استفاده کنند. قالبیافی یکی از این رشته‌ها است که بیش از نیمی از نیروی کار شاغل در آن را کودکان خردسال حتی ۵ - ۶ ساله تشکیل می‌دهند.

شهین در ارتباط با واکنش پلیس نسبت به این قضیه می‌گوید: "پلیس هیچ توجیهی به ما نمی‌کند. آنها می‌گویند عیوب از خود ماست. آنها می‌گویند که: "ما گوشمان به حرف شما بدهکار نیست، گوشتان را گم کنید. آنها مادرمان را با زور به بیرون انداختند".

شهین وقتی که این کلمات آخر را ادا می‌کند ناگهان بغضش می‌ترکد و اشک از چشم‌اش سازیز می‌شود. پاسخ پلیس محل مربوطه (مانگا) به سوال گزارشگر این گزارش در رابطه با شکایت این دو خواهر چنین است: "این دو خواهر باید به سر کار بازگردند، چونکه مقروضند".

پلیس "مانگا" حتی حاضر نشده شکایت این خانواده را ثبت کند. نسین پلیس در نهایت وقاحت و بدون هیچ پرسیده پوشی می‌گوید: "اگر آنها بیشتر از صاحبان فرش به ما پرداخت می‌کردند، آنوقت می‌توانستیم به ثبت چنین موردی پردازم".

یکی از مقامات پلیس "مانگا" در پاسخ سوال گزارشگر مبنی بر اینکه آیا پلیس تاکنون مورد تجاوز به کودکان قابلیاف را ثبت کرده است یا خیر، می‌گوید: "ما تا به حال چنین گزارشاتی نداشته ایم. ما تا به حال موردی که مربوط به بچه دو ساله باشد، نداشته ایم".

محمد اقبال که از جمله یکی از تجاوزگران به شهین و نسین هم می‌باشد، در رابطه با کار کودکان می‌گوید:

تبجه‌ها سریعتر کار می‌کنند. آنها دستهای کوچکی دارند و می‌توانند خیلی سریعتر بیافند و گره بزندند. قالبیافی کار مخصوص بچه هاست. ما اینجا فقط دلال و واسطه هستیم. برای پولدارها در لاهور کار می‌کیم. ما فرشها را می‌فرستیم به لاهور. من ۲۶ سال پیش شروع کردم در پاکستان جبشی بنام "جنیش رهائی برگان" (بپی‌الال‌اف) وجود دارد که هدفش حیات از کار کودک قالبیاف و بیرون آوردن آنها از شرایط برده‌گی است. احسان الله خان رهبر این جبش است. اینها مرتباً مورد تهدید و اذیت پلیس و صاحبان فرش و کوره پزخانه‌ها قرار دارد، می‌گوید: "پاکستان یک جامعه فنرداگی است. بسیاری هیچ اعتنایی به حقوق کودکان ندارند. آنها برگان قرض را مانند برده به حساب می‌آورند. آنها فقط نیروی

بچه در صفحه ۱۲

میکو ایمونن سخنگوی اتحادیه بیکاران تورکو در فنلاند:

یکی از مهمترین مسائل ما حلوگیری از بروز دشمنی و تضاد بین کارگران شاغل و بیکار است

میکو ایمونن از زهیران جبنش کارگری فنلاند است. او معمار و کارگر راه آهن بوده و اکنون سخنگوی اتحادیه بیکاران شهر تورکو و حومه است. اتحادیه بیکاران فنلاند از ۷۰۰ هزار بیکار، ۳۶۱ ۹۹۳ کارگر

بیکار عضو دارد و اتحادیه محلی آن در شهر تورکو و حومه از ۴۲ هزار بیکار ۳۰ هزار عضو دارد. رئوف افسانی از همکاران کارگر امروز در فنلاند با میکو ایمونن مصاحبه ای انجام داده است که در

زیر می خوانید.

روز جمعه ۹۴/۹/۱۵ یک اعتراض اقتصادی خانه هایشان را بخاطر فشار دولت ایمنی دارد. از هنگام روی خانوارهای کارگری شده اند. اینها مسائی هستند که در این بحران مطرح است و بی تفاوتی دولت ما را

در حال حاضر فنلاند ۷۰۰ هزار بیکار خیلی اذیت می کند. البته ما از دولت انتظار نداریم ولی از کارگران و مردم کارگر شهروندی برخواهد. هدف و خواستهای بیکاران چه بود؟

در حال یعنی ۲۰۱۰ درصد. از هنگام روی کار آمدن این دولت ۴۰۰ هزار نفر به بیکاران فنلاند اضافه شده است. بیکاری در فنلاند از سال ۸۷ - ۸۶ که دولت قبلی سر کار بود شروع شد و با روی کار آمدن این دولت که یک ائتلاف دست راستی است رو به افزایش آنقدر مورد بحث و تبادل نظر داشته باشد که تمام کارگران و زندگی این مسائی و مشکلات واقعی جامعه را گذاشت. در حال حاضر در مقایسه با سالهای قبل خیلی سخت می توان این ارزش را بررسی و تیجه گیری کرد. اوضاع چنان به سرعت تغییر می کند و بیش می رود که مقابله با آن واقعاً توان و حوصله می خواهد. برای نمونه اشاره می کنم به سال ۱۹۷۶. از آن زمان تا کنون ۳ رئیس جمهور عرض شده است. آن زمان که کونن رئیس جمهور بود و فنلاند فقط ۷۰ هزار

بیکار داشت. رئیس جمهور در یک سخنرانی خطاب به دولت گفت که به مسئله بیکاری باید به شدت رسیدگی شود. بیکاران بایستی استخدام شوند. ولی اگر این مشکلات را اینظر بررسی کنیم که اشخاص با استعداد و توانا کم داریم اشتباه است و دلیل این اوضاع فلاکتبار اینها نیستند. بلکه مستیماً به اوضاع مشخص فنلاند و آن‌آک مشارکت دارند و از شما داشته باشند.

روبا بشیوه نمی توانیم، چون این برای ما خیلی سخت تمام می شود. ما فنلاند احزاب سیاسی و اتحادیه های زیاد و مختلف وجود دارد. ولی ما با کارگران بیکار در این حرکت اعضاً شرکت کردند. بیکاری را تیجه افزایش پنهانه و بزرگ شدند. اما در این روز شرکت کردند. محل تجمع با پلاکاردها و بالاخره اتحادیه بیکاران شاخه تورکو و حومه در وقت مقرر حرکت اعضاً را برگزار کردند، قریب ۱۵۰۰ نفر از کارگران بیکار شرکت کردند. اما آنها خارجی و مهاجر بودند: طبق گفته های رسمی گویا شهر تورکو در فنلاند جایی است که فعالیت‌های راسیستی بیشتر از شهرهای دیگر است. اما در این روز از احوالات اعیان اعدام نخست وزیر و وزیر کار و وزیر دارایی را اجرا می کنند. پلیس شهر تورکو با برپایی این حرکت اعضاً این‌آک مخالفت ورزید. اما اتحادیه بیکاران قاطعه‌انه آنرا رد کرد و برگزاری تظاهرات اعضاً پیش از شما کرد. پیشیبانی می کنند؟

همیشه که بایستی با نیروی دسته جمعی کارگران به مقابله با این اوضاع فلاکتبار برویم. ما به شیوه علنی و رادیکال علیه وضع موجود و عدمتا علیه بیکاری، تظاهراتها و اعتراضات جسورانه و رادیکالی بر پا کرده ایم و می کوشیم تا نیروی هر چه بیشتری از کارگران بیکار را به میدان مبارزه بکشانیم و دیگر کارگران و مردم را به پشتیبانی خود جلب نماییم. آن‌آک با یک میلیون عضو می تواند نقش تعیین کننده ای در این میان اتفاق نماید. آن‌آک می تواند نیروی کارگران را به میدان بکشاند و قدرت آنرا دارد، ولی آنها با دیدن این اوضاع بد، متاسفانه خاموشند. دولت و کارفرماها هر روز به حقوق و دستاوردهای کارگری تعرض می کنند، اما آن‌آک با دیدن اوضاع، مدت زیادی است که هیچ کاری نکرده است. بالا بالایی های آن‌آک وضعیت بیکاران و تعرض به حقوق و دستاوردهای کارگران را درک نمی کنند.

بقیه در صفحه ۲۲

ما با همه جریانات مختلف و مردم می باشند. بیکاران در سطح وسیعی برای کار و مشکلاتشان به ما مراجعه می کنند. ما در تلاشیم که به هر شکل ممکن کارهایی به مدت ۶ ماه برای آنها، حال کارهای دولتی و یا شرکت‌های خصوصی در تورکو و حومه پیدا کنیم. آن‌آن بزرگترین مشکل ما آغاز فصل تابستان و تعطیلی مدارس است. جوانان و دانش آموزان با تعطیلی مدارس بیکار می شوند و در سطح بسیار وسیعی برای کار به ما مراجعه می کنند. ما وحشت داریم که اگر برای آنها کار بنشد، این جوانان دست به ماجراجویی بزنند.

آن‌آک با ما در رابطه است و در تلاش است که محلهای کار برای کارگران بیکار پیدا کند و ذر این رابطه و همچنین از تامین زندگی آنها دفاع می کند. پارسال آن‌آک پشتیبانی زیادی از ما کرد. اینها بخش فوبی و مسائل روزمره ما بیکار بود. اما در این رقم ۳۰ هزار نفر کارگران بیکار و مبارزات ما در کل مدت تر، ما بر این باور بوده و

این منطقه که تحت فعالیت ماست بیکار دارد. از این بحث اینها می خواهیم این بحث و تبادل نظر داشته باشند و در همه مکانهای کار و زندگی این مسائلی هستند که در این بحران از ۷۰۰ هزار بیکارکل کشور

فنلاند،

تجمع اعتراضی کارگران بیکار شهر تورکو، یک حرکت رادیکال با تائید بر همبستگی کارگر!

نشان دهد دولت سرمایه داران مبارزین و فعالین کارگری را که برای دفاع از شغل و زندگی انسانی خود مبارزه می کنند از بین می برد. ۶ نفر از کارگران بیکار که خواهان کار شده بودند را اعدام نمایشی کردند. جرم آنها این بود که کارگران بیکار را علیه سیاستهای ضد کارگری دولت و علیه بیکاران و تعرض به حقوق و دستاوردهای کارگران را درک نمی کنند.

آنهم از مشکل پنهانه‌ها! این حرکت نشانه بارزی بود مبنی بر اینکه کارگران بیکار، کارگران مهاجر و پنهانه‌را نه دشمن خود و یا نه وسیله ای برای بیکار شدن خودشان نمی دانند، بلکه کارگر مهاجر را هم چشی از خود و رفیق هم سروشوست خود می دانند. سپس جنازه نمایشی اعدام شدگان را در یک گاری انداختند و آنرا در خیابانها حرکت دادند.

از این حرکت ایجادی است که اتحادیه بیکاران که در ۳ - ۲ سال گذشته تشکیل شده، اتحادیه مبارزه رادیکالی است که حرکت‌های اعتراضی رادیکالی را چه در سطح سراسری و چه در ادامه مطلع برگزار کرده است. اتحادیه بیکاران علیه سیاست بیکارسازی و اعتراض علیه دولت بود. هیچ کینه و نفرتی در بین کارگران فنلاندی نسبت به کارگران خارجی و مهاجر مشاهده نمی شد. در خیلی موارد راسیستها تلاش می کنند که بیکاری را تیجه افزایش پنهانه و مهاجرین جلوه بدھند. اما در این روز شرکت کردند. محل تجمع با پلاکاردها و شرکت‌ها و کیسه های حاوی نان و شیر و پنیر که نشانده‌ند غذای خانوارهای کارگران بیکار بود تزئین شده بود.

در این اعتراض که ایجادی است که همان‌گه کننده شرکت کردند. در ادامه اعتراض، نمایش اعدام نخست وزیر، وزیر کار و وزیر امور دارائی برگزار گردید. کارگران بیکار فنلاند با روی باز از شرکت پنهانه‌ها و مهاجرین در این اعتراض یکی از کارگران بیکار که همان‌گه کننده استقبال کردند. در ادامه اعتراض، نمایش اعدام نخست وزیر، وزیر کار و وزیر امور دارائی برگزار گردید. کارگران بیکار سخنانی ایراد عمل خواهان برگزاری و مجازات اعدام برای آنها شدند. همچنین نمایش مبنی بر اعدام کارگران مبارز بیکار گردید. هدف این نمایش ضد کارگری

بیکارند.

رئوف افسانی

مسکن و غیره توسط دولت. جالب این است که فاشیستها پس از به قدرت رسیدن برنامه های ارائه شده از جانب اتحادیه ها را گرفتند و برنامه خودشان کردند...

البته داشتن چنین طرحهای غلط نیست. مسئلله این است که آیا برای آن مبارزه می شود یا نه. آیا به عنوان ایزاری از آن در مبارزه علیه فی المثل سیاست تسلیحاتی دولت استفاده می شود یا نه. ایجاد مسکن امر مثبتی است. یا فی المثل هزینه کردن برای حفظ و بازسازی محیط زیست به جای بزرگ کردن آپارتمان های یک مقام دفتری جدید. یا می شود در بودجه دولت نگاه کرد و گفت کجا می شود پس انداز کرد و کجا می شود کار بوجود آورد. این البته یک اقدام کبیری است ولی اگر برایش مبارزه بشود می توان چیزهایی را هم عملی کرد. مسئلله این است که در چهارچوب یک سیاست سازماندهی شده رفرم این دیگر امکان ندارد. در چهارچوب بازار واحد اروپا و بازارهای بین المللی مالی که اصلاً شدنی نیست.

می خواستم اشاره کنم که پافشاری بر مدلها و طرحهای معینی حرف اول و آخر نیست، طرف مقابل هم می تواند همان مدلها و طرحها را بگیرد و از آن خودش بکند، به شرطی که با منافع پایه ای سرمایه در تضاد قرار نگیرد. در مورد مشخص حاضر سیستم تعریف است که اینطور می شود. اگر بخواهی کار پرداخت نشده در قراردادهای تعریف وارد می شود وغیره.

بله. این قضیه ادامه پیدا می کند. آنها به جدال و درگیری برای درهم شکستن تعریف نیازی ندارند، سیستم تعریف احتمالاً خودبخود مضمحل می شود. مسئلله این است. در همین دور جاری به نظر من موضوع سر سیستم تعریف نبود بلکه بر سر کل سیاست ضد کارگری در عرصه اجتماعی تا پائین، تا سطح کمک بگیران از سوییال، باید مبارزه می شد. یک چنین درکی باید وجود می داشت و چنین درکی یعنی مبارزه طبقاتی و این هم مطلوب نیست و آنرا نمی خواهند. زیرا می ترسند ارواحی را بیدار کنند که دیگر توانند از شرمان خلاص شوند. وقتی به نتایج رای گیریها برای اعتراض نگاه می کنیم - در نیدرزاکسن بیش از ۹۲ درصد رای به اعتراض دادند - خیلی عظیم است و این علامتی است. در جریان بحثهای اخیر در جلسه چند روز قبل هم که خودت بودی و شنیدی که از کارخانجات کوچک حرف می زند و می گفتند که قبلاً برای بسیج کارگران کلی مشکل داشتند اما حالاً مردم خودشان بلند شدند، برای اینکه خشکین بودند و بخواهی از کل دولت ناراضی هستند. از این استفاده نکردند. اگر این مبارزه صورت می گرفت آن شرایط دیگری بود و کسی هم ناله نمی کرد که درصدی زیاد یا کم گرفته شده است.

اتحادیه هست مبنی بر اینکه سنجیده رفتار بشود و جلو در هم ریختن سازمان (اتحادیه) گرفته بشود. به نظر من اینطور می رسد. تشابهات تاریخی نبود. بعد که قضایا را تا حدودی دنبال کردم متوجه شدم که در آن هم وجود دارد. داستان سال ۱۹۲۳ هم همینطور بود. قضیه اول مه ۱۹۲۳ را که می دانی، رهبران اتحادیه صورت گرفت. به هیچ وجه اینطور نبود که این امید که بعداً از تعرض مصون می مانند. حقیقتاً شرایط با آن دوره به نظر من کمی شبیه است.

من در سالهای مورد بحث در آلمان من اینهای می شود. در هم ریختن سازمان (اتحادیه) گرفته بشود. به نظر من اینطور می رسد. تشابهات تاریخی هم وجود دارد. داستان سال ۱۹۲۳ هم همینطور بود. قضیه اول مه ۱۹۲۳ را که می دانی، رهبران اتحادیه صورت گرفت. به هیچ وجه اینطور نبود که در آن مانند. حقیقتاً شرایط با آن دوره به نظر من کمی شبیه است.

اینکه آیا یک اکثریت کافی در میان

مردم از آن مطالبه پشتیبانی کرند یا نه من نمی دانم، ولی افکار عمومی کنیم. و من هم ادعا می کنم که بطری مثبتی تحت تاثیر قرار گرفت. به دشمن اصلاً دیگر نیازی به حمله ندارد چونکه قضیه تحریب بازار کار از محدود کردن حق اعتساب مطرح شد پشتی وارد می شود. خیلی ساده از

مارتین راوش رئیس شورای کارخانه شیمی واکر در آلمان در گفتگو با کارگر امروز:

در از هم پاشیدگی گنوی در عین حال شناسی برای شروع تازه وجود دارد

مارتین راوش رئیس شورای کارخانه شیمی واکر آلمان است. وی از سال ۱۹۷۸ عضو شورای کارخانه بوده و از پنج سال پیش عضو تمام وقت شورا است. بهمن شفیق از همکاران کارگر امروز در آلمان با مارتین راوش پیرامون قراردادهای دستجمعی اخیر و مضلات جنبش کارگری آلمان گفتگوی انجام داده است که در زیر می خوانید.

اینکه اینهای می شد، جزئیات قرارداد چندان مهم نیست. چنین انتقاداتی مناسب نیست.

باز هم همینطور بود. این دومین باری "روت" (برای آشنایی با نظرات "روت"

رجوع کنید به مطلب آثار کوستنیکالیس و جنبش کارگری آلمان" نوشته بهمن شفیق در اشتراکسیونال شماره ۱۱۳ را جالب می دانه که به چند صد هزار نفر که در

شرق آلمان تحت پوشش برنامه های ایجاد اشتغال آبی ام" قرار دارند اشاره می کند: این که یک میلیون بیکار

کردن بود، بین دو موضع مختلف. دیگر هم اضافه می شود. این به آن معناست که کارفرمایان لازم داشت

حمله کنند. اگر راه ملایم قراردادهای

تعریف نظرشان را تامین نکند، خود واقعیت این را انجام میدهد. اگر غیر از این بود دیگر نیز نباید از ضرورت

یک جدال اجتماعی بزرگ صحبت کنیم.

حالاً است که باید در جامعه جهت کیفری لازم علیه سرمایه و دولت را بوجود آورد.

این قضیه اصل مطلب. من این

برداشت را داشتم که در دو تعریف

جاری جنبش کارگری به معنای اخض

کلمه اصلاً در صحنه حضور نداشت.

دعوا بوسودو دو نوع از حکومت

کردن بود، بین دو موضع مختلف.

یکی موضع کاملاً محافظه کار زور

چنانی. چهل ساعت کار در هفته،

شصت ساعت کار برای ماشینها،

منهای ده درصد از دستمزدها، و

دیگر هم موضع سوییال دمکراتیک

که دیگر اصل موضع جنبش کارگری

مبنی بر حرکت به سوی یک فضای انسانی تو را که قبلاً مطرح می شد

نمایندگی نمی کرد و از موضعی

مثل کار نیمه وقت و غیره حرکت

می کرد.

قبلاً سوییال دمکراتها را می شد

سوییال رفرمیست دانست. امروز دیگر

اعضای اتحادیه ها جلو می رود. عضو

اندیشه از خودش می پرسد که اصلاً

چرا در اتحادیه مانده است.

به موضع توافق این را از دستمزدها

نمی پنجه ایزدگاری خوبی است

دانم. بنابراین خوبی نمی توانم در این

مورود اظهار نظر کنم. آنها بالاخره

توانستند مطالبه کارفرمایان مبنی بر

کاهش ده درصد از دستمزد بوسیله

حذف پول مرخصی را غصب بزنند و

این جالب توجه است و بد نیست.

چیزی که مرا در این قضیه قرارداد فلز

سرخورد می کند این است که حمله

بزرگ کارفرمایان همراه با اردوی احزاب

دولتی راه انداخته شد و من امیدوار

بودم که آن جدال معروف و بزرگ

اجتماعی در بگیرد. نه بر سر

در صدهای اضافه دستمزد بلکه بر سر

یک چرخش سیاسی علیه تخریب

کنندگان بازار کار. برای من در این

است که سر خودگی بوجود می آید.

با آنکه جزئیات قرارداد فلز را نمی

دانم اما قطعاً این نوعی موقفیت

است که جلو حذف پول مرخصی را

می گیرد. اما آیا این موقفیت برای

اینکه در جامعه جهت گیری لازم در

مقابل دست اندازیهای سرمایه شکل

پیگیرد کافی است، من تردید دارم.

البته در این زمینه من عیقاً سرخورده

شدم، چرا که اینجا باید تکان می

خورد. در شاخه های صنایع شیمی و

خدمات عمومی و جمل و نقل هم

هیئت‌نژاد. دور تعریف جاری باید بهانه

ایی برای جدال سیاسی ای شود مقایسه

کرد، حتی در سالهای که تولید کمتر

است پول کافی در می آورد، این

ازیاضی دستمزد حقیقتاً ناچیز است.

بعد از نوآوری در این قرارداد هست

یکی، دستمزدهای ویژه شروع به کار در

نظر گرفته شده است. یعنی بیکارانی

که تازه استخدام می شوند با

درصد دستمزد جاری شروع به کار

می کنند، کارآفرین با دستمزدی

معادل ۹۵ درصد. بعد هم اینکه زمان

کار را بین ۲۵ تا ۴۰ ساعت می

توانند انتخاب کنند.

با قرارداد تعرفه شیمی شروع کنیم.

این اولین قراردادی بود که در سال

جاری منعقد شد. این قرارداد چه

نکات برجسته ای داشت؟

قرارداد تعرفه در بخش دستمزد یک

افزایش دو درصدی برای

گیره که با اختصار ماههای

شامل این اضافه دستمزد نمی شوند و

امتیازات دیگری که داده شد بطور

۱/۲ درصد دستمزدی معادل

درصد را در بر می گیرد؛ چون صنایع

در نوآوری در این قرارداد هست

یکی، دستمزدهای ویژه شروع به

کار در این قرارداد هست. یعنی بیکارانی

که تازه استخدام می شوند با

درصد دستمزد جاری شروع به کار

می کنند، کارآفرین با دستمزدی

معادل ۹۵ درصد. بعد هم اینکه زمان

کار را بین ۲۵ تا ۴۰ ساعت می

توانند انتخاب کنند.

یعنی کارفرمایان می توانند تعیین

کنند؟

کارگران

مسئله این است که چطور می توان در تغییر و تحولات اجتماعی دخالت کرد نه اینکه کدام عناصر بیشتر مورد تبعیض قرار می گیرند. جواب به این مسائل الزاماً از سازماندهی این اشاره بیشتر مورد تبعیض واقع شده در نمی آید.

منظور من هم این نیست. اما یک تئوری چپ که این مردم برایش وجود ندارد یک جایش می ننگد. هم چنانکه من در سیاست شورای کارخانه هم می بینم که یک جایش نادرست است. در کارخانه ما در کنار شاغلین ثابت ماصد الی صد و پنجاه نفر داریم که در اشتغال بی تامین خارج کارخانه ای هستند. از زن نظافتچی ترک گرفته تا کارگر ساختهای رومانیائی که ما بر اساس قانون نمی توانیم آنها را نمایندگی کنیم. اما اینها آنچه هستند، پس باید یک جزء سازماندهی باشند. در حقیقت بله. ولی ما فقط به زن نظافتچی ترک سلام می کنیم و بن. سالها است که اینظری است. سیاست چپ در واقع بیشتر از

این کافی نیست که اتحادیه ها را به تقدیم بکشیم، اما این هم کافی نیست که بگویند اتحادیه ها کشته در حال غرق شدن هستند، آنطور که دولت می گوید. این ممکن است یک ارزیابی درست سیاسی باشد اما وظیفه دخالتگری در مبارزات روزمره و در شرایط حاضر دفع هجوم وسیع کارفرمایها، باقی می ماند. برای پیشبرد یک سیاست صحیح، یک سیاست طبقاتی مبارزه جویانه باید این وظیفه را انجام داد.

اتحادیه ها که اینرا انجام نمی دهند. هرگز این کار را نمی کنند. آنها داغان می شوند.

البته. ولی سوال این است که چطور می توان این وظائف را انجام داد.

کاش این را می دانستم. اگر تو میدانی به من بگو. هیچگوئی نمی داند. اما اتحادیه ها آنرا انجام نمی دهند. آنچه مرا مجذوب تزهیه "روت" می کند این است که او تجزیه جامعه و

و باید دید که در مجمع عمومی ها چه مسائلی را می شود برد. البته باید در مبارزات روزمره و مسائل روز هم کار کرد. در غیر اینصورت دیگر اتوریته ای نمی ماند. از مجموعه این کارها می کوشیم آدمهای ناراضی را جذب کنیم. ماجراجویانه ترین چیزی که بین ما مورد بحث قرار گرفت این بود یک انجمن رسمی ایجاد کنیم. یک چینی انجمنی می تواند قرارداد دسته جمعی بیمه حقوق کار منعقد کند و در چینی حالتی دیگر فرقی نمی کند. این ایجاد مشاغل است. در حالیکه عضو ایجاد مشاغل نیست. چینی این است که می خواهند کالاها را مقرون به صرفه تولید کنند نه چیز استثناء هستیم. این یک گرایش در جنبش کارگری آلمان نیست. ولی ما آهسته آهسته آنرا امتحان می کنیم. وقتی بعنهای درون تشکل "فعالیت اتحادیه ای برای صلح و علیه تحریب اجتماعی" را نگاه می کنی متوجه می شوی که آدمهای دیگری هم هستند که بخشها همینطور فکر می کنند.

بگویند نه این نمی شود. نه فقط به دلایل اخلاقی و معنوی بلکه به دلایل اجتماعی ما علیه این کاربرد تکنولوژی ژنتیک هستیم. برای ما مشاغل ایجاد نمی کند و فایده ای هم برای آدمها در جهان سوم ندارد. آنها فقط بیشتر



تظاهرات کارگران متألف در دوسلدورف برای افزایش دستمزد

سلام کردن است. باید به چینی آدمهای پرداخت. کله گنده های اتحادیه که علاوه ای به این کار ندارند. آن عده از همکاران ما هم که خل بازهای راسیستی دارند هم همینظر. اما اگر من بخواهم سیاست چپ را پیش ببرم باید به اینها توجه کنم. این چندین صد هزار نفر باید در تئوری من ظاهر شوند و در نظریات "روت" همین مسئله مرا مجذوب می کند. اینکه او به اتحادیه ها می گوید که اگر همینظری ادامه بدھید زمانی فقط بقایای یک جنبش کارگری قانونی خواهد بود.

من از این قانونگذاری اتحادیه ای متنفرم. این اعضای درب و داغان شوراهای کارخانه که در صنعت شیمی می بینم، به قربان گو و کله پوک، حتی رفمیست هم نیستند. خیلی ساده فقط احمد و تشهه قدرت هستند. پنجاه سال و شاید بیشتر سن دارند و در انتظار این هستند که با یک برنامه رفاهی فرستی گیر بیاورند و بروند پی کارشان. شاید کمی اغراق می کنم ولی این جهتشان است. از این می خواهد چه در بیاید؟ واقعاً باید نفعه های چپ در کارخانه ها وجود داشته باشد که کار سیاسی و اتحادیه ای را با هم ارتباط بدهند.

رشد مناسبات کاری مبتنی بر مزد ارزان و کار بی تامین را می بیند و انسانرا بطور جدی متوجه این می کند که مسئله اجتماعی بطور حدی وجود دارد و خود را به شکل دیگری بیان می کند. زنگنه را شکل دیگری را کارخانه را شامل نمی شود بلکه بخشها دیگر مردم را هم در بز می گیرند. بدی چپ این است که این به حاشیه رانده شده ها را فراموش می کند: زنگنه که قراردادهای ۴۵۰ مارک در ماه دارند و غیره. من هم نمی دانم چطور بازار کار با مزد ارزان را در کلیشن می بینند و خامت اوضاع اینده را توضیع می دهد.

برای اینکه من از بعنهای او کاملاً به شوق آمده ام. او تنها کسی است که تحریب اجتماعی و تشید روند حاشیه ای شدن بعنهای وسیعی از کارگران و ایجاد بازار کار با مزد ارزان را در زیاد صحبت کرد ای...

برای اینکه راهنمایی از بعنهای او کاملاً به شوق آمده ام. او تنها کسی است که حاشیه رانده شده اصلاً فکر نمی کند. زنگنه رانده شده فقط درباره قراردادهای تعریفه، این یا آن ماجراهای تاکتیکی و اینکه آیا اتحادیه ها بیشتر به سمت چپ یا راست حرکت می کند و غیره بحث می کنند. آنها بر اساس یک خط سیاسی طبقاتی بحث نمی کند.

می بینم؟ این می تواند درست باشد. ولی

وابسته می شوند. بنابراین چینی مبارزه ای باید یک چشم انداز بین المللی و جنبش اتحادیه ای و کل جنبش کارگری می بینی؟

جنبش کارگری توسط اتحادیه های اینکه بتوانند دور هم جمع بشوند. چرا که در این از هم پاشیدگی کنونی در عین حال شناسی برای شروع تازه وجود دارد. شناس آغازی تازه واقعاً وجود دارد. خیلی از کسانیکه حتی دستمزد خوبی هم می گیرند، نزد ما از این صحبت می کنند که آنچه در سطح سیاسی اتفاق می افتد واقعاً فاجعه است. آنها این را نمی کنند که در حال حاضر هنوز خوب زندگی می کنند. اما آنها رابطه این مسائل را می بینند، بین بیکاری روز افزون و درآمد خوب نمی دانند، بلکه خود را نماینده مردم کارکن در وسیعترین معنای کلمه می دانند، تا سطح خودشان که زمانی داشتند. اینها را می شود خطاب قرار داد، اینها آمده شنیدن هستند. باید به این طریق کار سیاسی کرد.

ما در کارخانه خودمان کمی در این جهت تلاش می کنیم، به این ترتیب که ما قصد داریم - چطور بگوییم - یک هسته کوچک سرخ ایجاد کنیم، با موضع گیریهای سیاسی و اتحادیه ای بین المللی این مسائل را می تولیدیم. از اتومبیل تا صنایع شیمی مورد تأکید قرار می دهند و رابطه بین المللی این مسائل را می بینند. نه به این مفهوم که باید بالآخر، یک کارهایی هم برای جهان سوم انجام که در یک نشریه کوچک پخش بشوند.

امروز

است. اینها سهم من است. البته در خود کارخانه هم سعی می کنیم کمی کار سیاسی بکنیم. من هم انتخابات شورای کارخانه را پیش رو دارم و باید دوباره انتخاب بشوم. این چندان ساده نیست.

سوال آخر من در رابطه با ایران است. میدانی که حق اعتراض و آزادی تشکل برای کارگران وجود ندارد. کارگران به خاطر ابتدایی ترین فعالیتها دستگیر و حتی اعدام می شوند. کمپیونی در طرف چند سال اخیر راه افتاده است که اخراج نایندگان شوراهای اسلامی از سازمان بین المللی کار و اعمال فشار بر رژیم جمهوری اسلامی برای به رسیت شناختن حقوق کارگران را دنبال می کند. کیته های هبستگی در کشورهای مختلف بوجود آمده اند و در این زمینه فعالیت می کنند. فعالیتها در این زمینه در کشورهای مختلف تا حدودی موفق هم بوده است. آیا در کارخانه شما امکان این هست که چنین حمایتی صورت بگیرد؟

قطعماً، ما می توانیم از طرف هر دو شورا چنین قطعنامه ای بدهیم. اینکه چه حد مفید خواهد بود من نمی دانم. ولی در اصل باید در یک مجمع عمومی حاضر شد و چند کلمه ای در این مورد حرف زد و احیاناً عکسها و استادی هم همراه داشت و کل قضیه را کمی زنده تر جلو برد. باید این کار را کنکرت تر کرد. بین کارخانه های مختلف اینجا و ایران می توان نزاع رابطه رسیدگی مقابله را برقرار کرد تا فقط در حد قطعنامه های روی کاغذ نماند. البته قطعنامه هم به نوعی مفید است و این کار را خواهیم کرد.

کیته هبستگی آلمان در حال تدارک یک نمایشگاه عکس است که در شهرهای مختلف به نمایش در خواهد آمد.

می توانیم تلاش کنیم این نمایشگاه در سالن ناھارخوری کارخانه ما هم به نمایش گذاشته شود.

پرسه هستند. این درست است. البته کسانی هم هبستگی داشتند و آخرین فیک پولشان را به همیگر می دادند تا بتواتند امور خود را بگذارند، ایل بخوبم که برای سالهای طولانی اپوزیسیون بودند و اکنون کاسه کارفرما را می لیستند. حالا فقط "لغانگ" شامبرگ به عنوان تنها آدم اپوزیسیون باقی مانده است، مثل ۲۰ سال قبل. توافقاتی که در ایل کرده اند خیلی سخت است و "لغانگ" شامبرگ تنها کسی بود که علیه این توافقات رای داد. بقیه خود را وفق دادند.

در محدوده فراتر از واحد هم حرکتهای خوبی بوده است. مثل توافق منطقه روهر بین اعضای شوراهای کارخانجات مختلف، یا در تورینگن و در برلین هم تشکل اعضا شوراها بوده است. چیزهایی در حال شکل گرفتن است.

من دقیقاً در جریان قرار ندارم. این را می دانم که چیزهایی دارد شکل می گیرد. چندان خوشبین نیست، ولی امیدوارم شکل بگیرد. من به سهم خود در این زمینه فعالیت می کنم و من کوشم در کارخانه خودمان تا حدودی مسیت را به این جهت ببرم. از نظر سیاسی هم تماس خود را با "تشکل اکترناتیو" را با حاملین ایده های انقلابی - اجتماعی متراوف بدانم، اما جهت گیری عمومی اینها هم چیزی نیست. اینها جزوی از این توائد موثر واقع شود. نهاد خوبی

هر روز بیشتر می شد. چرا که باهم هبستگی داشتند و آخرین فیک پولشان را به همیگر می دادند تا بتواتند امور خود را بگذارند، هبستگی و هدف مشترک مطرح بود.

امروز دیگر چنین چیزی مطرح نیست. به همین دلیل هر چه بیشتر از هم می پاشد. شاید نتوان ارزیابی کرد که این روند سریع یا آرام بیش می رود، اما شبای انتخابات شوراهای کارخانه هم این خود را شان خواهد داد. امیدوارم که در انتخابات شوراهای کارخانه هم این خود را شان خواهد بود. امیدوارم که در بیشتری را اشغال کند. در سالهای اخیر هم همیشه آرای آنها بیشتر شده است. در بایر لورکوزن و هوختس حتی آرای اپوزیسیون چپ افزایش می کند اما با این وضعیت جدید، انتخابات چگونه خواهد بود.

من فکر نمی کنم موج خروج از اتحادیه باشد. خروج از اتحادیه اینجا و آنجا توجه آدم را جلب می کند اما این هنوز موج خروج نیست.

مثل مستولین اتحادیه محافظه کار نیستند. فشار اجتماعی برای اینها من هم همینطور است.

بگذار درباره یک مستله دیگر هم صحبت کنیم. انتخابات شوراهای کارخانه امسال دوباره برگزار می شود. فکر می کنیم با این وضعیت جدید، انتخابات چگونه خواهد بود. با در نظر گرفتن موج خروج از اتحادیه ها و ...

بله طبیعی است. "روت" مستله حزب را دور می زند و از کنارش رد می شود. به چیزی اشاره کردی که مدد نظر من هم بود. اما می خواستم از تو بشنو.

درست است. او حزب را مدد نظر قرار نمی دهد. البته باید همانطور که او می گردید سریعاً شبکه ای بین این اخبار ایجاد کرد و به ساختارهای سیاسی فراگیرتر دست یافت. اما اینکه محصول آن حزب کادرها باشد، آنطور که قبلاً می شناختیم، من فکر نمی کنم. شاید ساختارهایش طور دیگری باشد اما به هر جهت محاذل کوچک کافی نیستند. من کسی را که حل این مشکلات باشد و بخواهد چنین سازمانی را بوجود بیاورد، نمی شناسم. من اولین نفری خواهم بود که فعالیت کنم تا متحد بشود و سازماندهی بشود. اما خود می بینی که اوضاع چطور است. حزب متحد سوسیالیستی "یواسپی" با تلقی ای که از خودش می شروع بدم نیست: اینها نمی گویند که ما ناف جهان هستیم، بلکه خودشان را متعلق به یک دوره گذار می دانند نه چیزی بیشتر. بعد هم حزب مارکسیستی لینینی "آمالپی دی" را داری که معتقد است ناف جهان است و بس. من راه حلی هنوز ندارم.

سر همین مستله چپ بعنایم. به نظر من "روت" بجای آنکه چپ را نقد کند در نقش مصلح آن ظاهر می شود: به نظر من این چپ باید مورد انتقاد قرار بگیرد و یا خودش از خودش انتقاد کند. انتقاد بيرحمانه. باید در اقدامات عملی باشد.

اقدامات عملی هم البته می تواند محصول یک روند انتقادی باشد. این چپ البته از خود انتقاد می کند که توانی بگوئی این است، حالا باید برایش مسائل.

مشکل موج خروج را ما در آینده خواهیم داشت. چرا که هر عضو شورا یا هر بخش اثباتی سازمان داد تا در تقابل با کارفرما و چیزی که او می خواهد مسائل معینی را برای آدمها روشن کرد. تمنه کلاسیک آن تکنیک اجتماعی جدید است. نمی شود به استثمارگران فقط نه بگوئی، بلکه باید بگوئی که چه دوره های آموزشی را می خواهی، چه امکاناتی را برای تاثیر گذاری می خواهی، در محل کار خواهان چه بهبودهایی هستی، وقتی که به این مسائل جواب ندهند بعد می توانی بگوئی این است، حالا باید جدیدی که به حرکت در می آیند نه آنهاست. درین دوستی باید از کجا بوجود بیاید؟ قبل از ۲۰ یا ۳۰ سال قبل فعالیت می کنند. درین اینها خیلی کم هستند که مثل من فکر کنند. اکثریت آنها خودشان را با اوضاع ورق داده اند. حالا باید آدمهای جدیدی بیایند. اینها می توانند از کارمندهای صاحب تخصص هم باشند. بین اینها آدمهای عاقل و سیاسی زیاد است که



دستها از قراردادهای دسته جمعی کوتاه

حیات علیه کودکان

دیگر وقتی که مشغول تاس بازی بودم، به سراغم آمدند، و می خواستند من را به سر کار برگردانند.

صاحبان کارگاههای فرش در پاکستان تعداد کارگران قالیباف در پاکستان رقیع بین ۱/۶ تا ۵/۱ میلیون نفر است و از این تعداد تنها ۵ درصد کودکان هستند. اینکه تعداد کودکان قالیباف کم عنوان می شود البته نفع دلیلی دارد. اما حقیقت آن است که امروز در پاکستان بیش از ۱/۶ میلیون کودک قالیباف زیر ۱۴ سال وجود دارد.

را رد می کردند. آنها می گفتند که قرض هیچوقت فسخ نمی شود. به دعوت "احسان اللہ خان" جلسه بزرگی در شیرخیوپورا ترتیب داده شده بود که علیه این وضع اعتراض شود، بخاطر اینکه در این اجتماع شرکت کنم من از کار در رفتم. صاحب کار رفتن من از کارگردان را به بردگان قرض تبدیل می کنم فقط بخاطر اینکه بردگان اینحال من در رفتم. من در این اجتماع سخنرانی کردم و بیرونی صاحبکاران را افشا کردم. وقتی که من برگشتم صاحبکارم گفت: "ما بیشتر از این به تو اجازه نمی دهیم که در چنین جلساتی شرکت کنی" حالا دیگر من از شالکم نمی ترسم. بر عکس این آنها هستند که از من می گشتند. وقتی که به این جنبش پیوسته و در ظاهراتی که بدفاع از حقوق کودکان قالیباف و کوره پزخانه می باشد در یکی از خیابانهای لاھور شرکت کرده است می گوید:

"وقتی که ۴ ساله بود شروع به کار کردم و ۶ سال تمام را کار کرده ام. ما خبردار شدیم که "پشگی" دارد فسخ آمدند، اما من بیدار نشدم. یکبار

بقیه از صفحه ۸

کار ارزان می خواهد و این انگیزه قوی است که صاحبکار، پلیس و مقامات دولتی را با یکدیگر متحد می سازد. صاحبکاران نقطه بدنیال از کار استفاده از نیروی کار کودکان هستند. آنها کودکان را به بردگان قرض تبدیل می کنم فقط بخاطر اینکه بردگان مطیع و ارزانی داشته باشند."

یکی از کودکانی که به این جنبش

پیوسته و در ظاهراتی که بدفاع از حقوق کودکان قالیباف و کوره پزخانه می شد و اگر عضو اتحادیه بودی از خون تازه ای وارد شود. از انشار جدیدی که به حرکت در می آیند نه آنهاست. درین دوستی باید از کجا بوجود بیاید؟ قبل از ۲۰ یا ۳۰ سال قبل فعالیت می کنند. درین اینها خیلی کم هستند که مثل من فکر کنند. اکثریت آنها خودشان را با اوضاع ورق داده اند. حالا باید آدمهای جدیدی بیایند. اینها می توانند از کارمندهای صاحب تخصص هم باشند. بین اینها آدمهای عاقل و سیاسی زیاد است که

کارگران

این جنبه سیاست دولتها بوده اند، در مجموع جنبش طبقه کارگر هر چه محدود و محدودتر شد. بوروکراسی سندیکاتی از زمان تولد خود، هیچ موقع به دمکراسی سندیکاتی و اجتماعی شدن مبارزه در درون طبقه اجراه نداد، تنها کارگران را به موجودی تبدیل کرده است که نظاره گر سرنوشت دستمزده خود در رهبری سندیکا باشد.

تجربه دیسک

دیسک در طول دهه ۱۹۶۰ در سطح بین المللی، در کنار تغییر و تحولات اجتماعی و جنبش طبقه کارگر گسترش یافت و سیاست مستقل طبقاتی را دنبال کرده. در حالیکه تشكیلاتی بوروکراتیک سندیکاتی در مقابل عملکرد آن دوره دیسک به مقابله برخواستند و به فشار و تصفیه درون آن روی آوردند، نهایت آنرا به کمال سندیکاتی موجود سوق دادند. دیسک در چنین شرایطی از تاریخ موجودیت یافت.

دیسک از نظر سندیکالیستها بعنوان تشكیل طبقه کارگر در مقابل با سیاستهای سرمایه داری بوجود آمده است و بطور واقعی اگر منافع طبقاتی و سندیکاتی طبقه کارگر را هم نمایندگی نکند با جدیت جنبش طبقه

این جنبه سیاست دولتها بوده اند، در چنین فضایی و با چنین گرایشی سندیکاتی دولتی را بوجود آورده اند. اجرای این سیاست نهایتاً این سیستم فکری را برویه بعد از کاپیتالیسم ۱۹۸۰ به آخر خط خود رساند و کاملاً در خلاه فکری و سیاسی فرو برد و راه نجات خود را در سیاستهای "مسالمت آمیز" پیدا کردند.

۳ - سندیکالیسم مافق احزاب: متول شدن به این سیاست که نباید با احزاب سیاسی در ارتباط بود گرایشی را بوجود آورد که به بهانه دستاوردهای دیسک را در بین کارگران مطرح کنند. باز هم کسانیکه ارزیابی از تاریخ دیسک را بطور سطحی بدست می‌گیرند به همان اشتباه دچار می‌شوند. با این نگرش، توضیح وقایع ۱۳ سال گذشته و بی تفاوتی کارگران امکان پذیر نیست. برای دستیابی به یک ارزیابی واقعی، قبل از هر چیز باید جنبش سندیکاتی در سطح ترکیه و ویژگیهای عمومی آن را شناخت و در بطن این جنبش است که می‌توان دیسک را نیز مورد ارزیابی قرار داد.

۴ - سندیکالیسم قراردادهای دسته جمعی و بوروکراسی سندیکاتی: اینها اساس فعالیتهای خود را به منعقد ساختن قراردادهای دسته جمعی بر سر دستمزدها محدود کردند، در چهارچوب بوروکراتیک سندیکاتی کارگران رفته رفته با ارگانهای دولتی در یک راستای توافق و تفاهمنامه قرار گرفتند. مبارزه ای که حول دستمزدها سازمان داده شد به برباتی هیرایشی در سندیکاتها منجر گردید که در نتیجه آن مبارزه طبقاتی کارگران در عرصه های مختلف و از جمله سیاست

خصوصیات گرایش رادیکال و چپ در درون دیسک

(کنفرادیسیون کارگران انقلابی ترکیه)

متن زیر ترجمه ای است که خودشان نیز مستقیماً مصروفات و بیانگر مواضع گرایش رادیکال و چپ قرارهای خود را بمورد اجرا بگذارند. در درون دیسک (کنفرادیسیون کارگران انقلابی ترکیه) است.

۲ - گرایش راست: تلاش می‌کند

پیرایه های رادیکالیسم گذشته دیسک را از خود دور کند و بعنوان یک اتحادیه متعارف و معمول امروزی که در یک فضای "مسالمت آمیز" سنت تشكیل یابی در میان کارگران ترکیه یک سنت قدیمی است که مطرح می‌کند بهار ۱۸۴۰ بر تاریخچه آن به قبل از دهه ۱۸۷۶ کارگران می‌گردد. در سال ۱۸۷۶ کارگران ترکیه با مبارزه بیکر خود، به دولت عثمانی تعییل کردند که در قانون اساسی، راه ورود نمایندگان کارگران به مجلس گنجانده شود.

در سال ۱۹۴۷ قانون اتحادیه کارگری در ترکیه بطور رسمی به تصویب رسید.

در سال ۱۹۵۲ ترک ایش (کنفرادیسیون سراسری کارگری ترکیه) تشکیل شد. سپس بعد از کودتای نظامی سال ۱۹۶۲، اختلاف نظر در درون ترک ایش "بالا گرفت و بخش قابل توجهی از کارگران رادیکال و چپ از ترک ایش" جدا شدند و دیسک را بوجود آوردند. بعد از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰، دیسک مورد غضب سرمایه داران و دولت نظامی آنان قرار گرفت و نزدیک به هزار نفر از عمالی و سازماندهندگان آن دستگیر، زندانی و طبقاتی کارگران خاتمه دهد.

در سطح جهان و در ترکیه نیز مسائل و مشکلات اجتماعی به اوج خود رسیده و در حال گسترش است. بنابراین به هیچ طریقی قادر نیستند که مبارزه طبقاتی کارگران را سد کنند، هر چند که در سطح بین المللی نابرابری و تبعیض وزنه سنگینی پیدا کرده است. "نظم نوین جهانی" بر روی رست و زندگی و مبارزه کارگران، از طریق سازمانهای سندیکاتی آنان تایید گذاشته است، دیگر در شرایط موجود جایی باقی نمانده است که مبارزه طبقاتی کارگران در آنجا مطرح نباشد. با تغییر قوانین زندگی اجتماعی، مبارزه طبقه کارگر نیز به موضع جدیدی می‌رسد که یکبار دیگر جنبش طبقه کارگر سازماندهی شود. امروز کارگران در درون سندیکاهای خود با شوالات پایه ای گوناگونی روپرور هستند.

دیسک بعد از یازده سال و هفت ماه با تحت فشار قرار گرفتن دولت از طرف کارگران، فعالیت خود را مجدداً از سر گرفت. در طول بیش از یکسال و نیم فعالیت اخیر، تعدادی از رهبران رادیکال کارگری بدان پیوستند و آنرا سازماندهی کردند و در حال حاضر (اوائل ۱۹۹۴) بیش از ۲۰۰ هزار عضو دارد.

از آغاز فعالیت دوره جدید در درون دیسک، دو گرایش در مقابل همیگر قرار گرفتند:

۱ - گرایش رادیکال: این گرایش معتقد است اتحادیه های موجود در سطح جهان و ترکیه قانونگرا هستند و رهبری بوروکراتیک دارند. در نتیجه بیشتر از آنچه ابزار مبارزاتی طبقه کارگر باشند و منافع طبقاتی کارگران را دنبال کنند، به تشكیل هایی تبدیل شده اند که در چهارچوب سیاستهای هیئت حاکمه حرکت می‌کنند.

آلترناتیو این گرایش، تبدیل کردن قانونی، مجدداً فعالیتهای خود را از سر گرفته است. ولی هنوز دیسک به امید طبقاتی کارگران و سندیکاتی با برنامه مدون تبدیل نشده است. روشن است که در بحران سندیکاتی در سطح دنیا، دیسک بدون برنامه و بدون اعضاً چشمگیر بی معنی است.

بلکه رهبران بخشیهای مختلف اماکن کار و زندگی کارگران، همه با حقوق پیکان و برایر، دیسک را رهبری کنند. تعدد تشکیلات در شوراها و مجتمع ارزیابی شرایطی که در آن قرار گرفته عمومی با اراده آزاد و مستقیم بحث و تبادل نظر کنند، تصمیم بگیرند و ایم مورد مشاجره قرار گیرد. در

این جنبش سندیکاتی در ترکیه و دیسک امریکا که در دران تک حزبی و یا دوره های بعد از آن در تشکلها پول کشور بطور رسمی از طرف دولت تنزل داده شده و واقع یک نوع گرایش دولتی و یا دولت گرایی بوده است، سندیکالیستهایی که متاثر از



ترکیه،

کنفرانس منطقه‌ای دیسک برگزار شد

چلبی تاکید کرد "طبقه کارگر به این شرط خاتمه خواهد داد". وی در مورد قوانین ضد کارگری بعد از کوتاهی ۱۹۸۰ نیز گفت: مخالفت با این قوانین وظیفه هر کارگر است. شرایط کار باید بر اساس قوانین آی‌ال او تنظیم شود. ترکان تاشکین، کارگر صنایع نساجی از طرابزون، در این کنفرانس گفت، مبارزه تا دستیابی به اهداف خود باید ادامه باید. برای این هم یک تشکیلات و سازماندهی رادیکال لازم است. رهبران سندیکاتها نوع دیگری از مبارزه را می‌خواهند. اگر در یک زمینه مشروع کارگری به مبارزه ادامه ندهیم، کار ما بی تاثیر خواهد بود.

۱ - قانونگرایی: سندیکاتی که با جنبش ضعیف و پراکنده طبقه کارگر و تحت فشار و زیر قوانین محدود کننده و یا ممنوعیت ها بوجود آمده اند، فعالیت و تلاش خود را در زمینه ای که قانون و ممنوعیت ها برای آنها برسیت شناخته اند، سازمان داده اند، که نزدیک به ۵۰۰ نفر بالغ می‌شد. در گشایش کنفرانس سیمان چلبی، قانونی که دولت چهارچوب آنرا تعیین سکرتو دیسک، طی سخنرانی گفت، در روزهای اخیر و قایع مهمی در سطح کشور رخ داده است که برای اولین بار جامعه را از سال ۱۹۸۰ به اینظرف نگران کردتای نظامی کرده است. ارزش پول کشور بطور رسمی از طرف دولت تنزل داده شده و هنوز یک نوع گرایش دولتی و یا دولت گرایی بوده است، سندیکالیستهایی که متاثر از

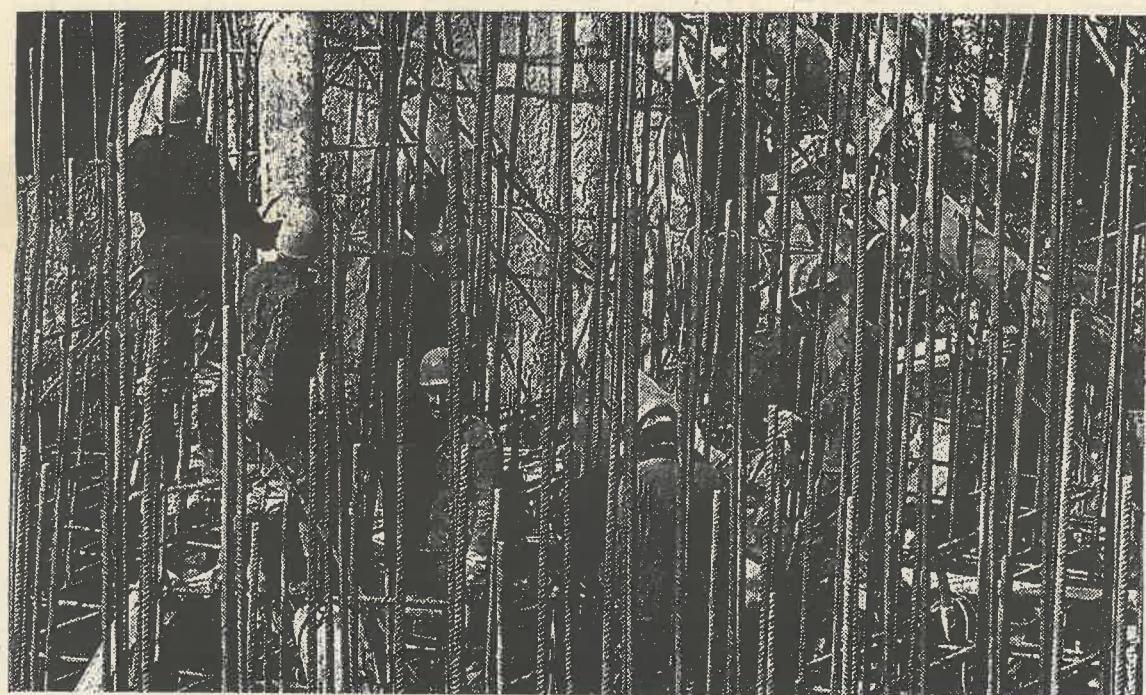
سیاستهایی که در دران تک حزبی و یا دوره های بعد از آن در تشکلها پول کشور بطور رسمی از طرف دولت تنزل داده شده و هنوز یک نوع گرایش دولتی و یا دولت گرایی بوده است، سندیکالیستهایی که متاثر از

دیسک کارگران

اجتماعی و طبقاتی را مطرح کنند. "هم نظری و اتحاد" تبدیل کرد. داشتن برای رسیدن به چنین مطالباتی، حقوق مساوی و برابر برای همه سنديکاهای عضو ديسک يك امر حياتی است تا همه نمایندگان در آن قدرت بحث و تصمیم گیری داشته باشند. در غیر اینصورت در زیر نظاهر متشکل شدن مزدگیران و گسترش به دمکراسی، ديسپلین خشک و مطالبات کارگری علیه سرمایه، می توان آنها را بخش سرگذاشت. در عین بستن قراردادهای دسته جمعی به عنوان یک امر واقعی طبقه کارگر، بخش از همه آن برای بوجود آوردن اولین حلقة مبارزه، متشکل شدن کارگران در کارخانه ها، کمیته های محل کار و شوراهای بطور عاجل ضروری است و هر چه سرعتی باید سازماندهی شوند و بحال آماده باش در آینده.

کلام آخر

امروز بحران سنديکاتی که در سطح دنیا و ترکیه در جریان است، نشان من دهد که تا به امروز رهبران سنديکاتی، هدف شان مشکل کردن طبقه کارگر برای دستیابی به مطالبات و چشم اندمازهای متنوع طبقاتی نبوده است. دهها سال است که آنها در بطن مبارزات کارگران، دستاوردهای پایدار و ثابتی را در اهداف خود نگنجانده اند و اساساً دنبال چنین اهدافی نیز نبوده. اند در مقابل پیشویهای امبریالیسم، آلتراستراتیو مشکل کارگری را بوجود نیاورده اند، در نتیجه باعث شکست طبقه کارگر شده اند، کارگران به چنین مداخله مستقیم همه اعضای ديسک، رهبرانی نیاز ندارند.



کارگران ساختهای در یکی از جاده های استانبول

اکنون برای بوجود آوردن دنیانی که در آن کارگران صاحب نظر و عمل باشند، باید خود کارگران برای ساختن ديسک، حول سیاستهای طبقاتی قدم به میان بگذارند و دست اندرکار سازماندهی و رهبری تشکل خود یعنی ديسک، باشند. *

همه ما را به هدف نزدیکتر خواهد کرد. فقط مداخله و مبارزه مستقیم همه کارگران در امر آموزش و مبارزه است که طبقه کارگر را به سطح تولید کنندگان آزاد خواهد رساند.

۶ - برای جا اندادختن این گرایش در ديسک و گسترش آن، يكی از اهداف غیر قابل چشم پوشی ذhalt در فعالیتهای دمکراتیک سنديکاتی است. گرایش دمکراتیک سنديکاتی از يك طرف کارگران را برای تسخیر ديسک هدایت می کند و از طرف دیگر رسیدن به حکومت کارگری را مورد هدف قرار می دهد. بدنه تشکیلات را بطور مستقیم صاحب انتربیته و تصمیم می داند. بتایراین نباید رهبری در بالا و مرکز ديسک متصرکز شود و آنها تصمیمات مورده بحث و بررسی قرار گیرند.

امروز مسائل و وظائف در مقابل ديسک، قرار گرفته است که باید آنها را پشت سر گذاشت و آنرا به طرف

مناسبات و درگیریهای آنان باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به ویژه بعد از سال ۱۹۸۰ بخش خدمات و سیاست و های فردی و استحاله گری موافقی هستند که با مبارزه اجتماعی و متشکل شدن مزدگیران و گسترش مطالبات کارگری علیه سرمایه، می توان آنها را بخش سرگذاشت. در عین این اند. بخش استیتوی ديسک باید تحقیقات مستقل خود را برای پرسنل ایزار تولید و مقوله های مربوط به کار و زندگی کارگران آغاز کند. اهداف پرایتیک طبقه محضوب می شود نه یک امر واقعی طبقه کارگر، بخش از همه آن برای بوجود آوردن اولین حلقة مبارزه، متشکل شدن کارگران در کارخانه ها، کمیته های محل کار و شوراهای بطور عاجل ضروری است و هر چه سرعتی باید سازماندهی شوند و بروند.

۳ - در سطح کشور برای از میان برداشت خطرات ناشی از سیاستهای صنعتی شدن، ديسک باید نقش هدایت مبارزه اجتماعی را بعده بگیرد و برای رسیدن به چنین مکان و موقعیتی آلتراستراتیو نیز مدد ديسک را می دهد. قبل از هر چیز، باید پلاتفرم مبارزه مستقل موجود خود را گسترش دهد و فعالیت کارگران خدمات اجتماعی، بکارگران جامعه را به زیر فقر رساند. اند، ديسک فعالیت دوباره خود را در آلتراستراتیو روپرتویی و رادیویی، بیکار و کارگرانی که خارج از صنایع مدنی بصورت پراکنده در کارگاهها استفاده هستند را بسوی سیاستهای مشکل شدن هدایت کند. برای

نایابی است و کسب اعتماد جامعه و آرای عمومی از قوانین پایه ای مبارزه طبقاتی می باشد، از اینها چشم پوشی گردید. یعنی بطور ساده ديسک امروز، ديسک سنديکاليستها است و ما وظیفه اساسی داریم که آنرا به ديسک کارگران تبدیل کنیم.

ديسک کارگران

امروز در سطح جهان جنبش سنديکاتی در بحران بزر می برد. این يك واقعیت است که در ترکیه نیز از آغاز سازماندهی شکلهای پایدار و موثر بروند. دولتها پیش بردند. آنان قادر نشدند که بعد از کودتای سال ۱۹۸۰ سیاستهای خود را در اتحادیه های سازماندهی تفاوت طبقاتی از خود آورد؛ ديسک سنديکاليستها و ديسک کارگران

ديسک سنديکاليستها

ديسک به مرور زمان برای کارگران يك تشکل غریب شد. در کودتای ۱۲ مارس ۱۹۷۲ از يك طرف در درون ديسک این حرکت بنوعی مورد تایید قرار می گرفت و از طرف دیگر آلتراستراتیو سوسیالیستی دنبال می شد. در واقع می توان گفت که دو گرایش سازماندهی یك وظیفه غیر قابل انکار را نشان می داد.

در دهه هفتاد گرایش نیرومندی به میان آمد که به قوانین عمومی و قانونی تعکین می کرد، یعنی در درون ديسک در مقاطعه تاریخی کسانی بودند که پتانسیل بالای سیاسی داشتند، اما اینها توانستند تهدیدات دولتی و سیاستهای سنديکاليستی دوباره خود را پشت سر بگذارند و جنبش مستقل طبقاتی کارگران را سازماندهی کنند. این گرایش فقط باینجا ختم نشد بلکه با گذشت زمان سنتهای قانونگرایی، شکل تشکیلاتی بخود گرفت و خود را تثبیت کرد. از آغاز فعالیت دوره اخیر نیز، این سیاست راست خود را نشان داد.

ديسک در سالهای پارلمانی تاسیس گردید و تحت تاثیر سنتهای قانونگرایی موجود در جامعه مدرن برنامه کار مطرح است و در سطح کشوری نیز گروههای مختلف سرمایه با حمایت دولت تکنولوژی را تغییر می دهند. بتایراین ضروری است که طبقه کارگر نیز آلتراستراتیو، اهداف و منافع انقلابی خود را دنبال کند. به همین منظور ديسک باید در سطح بین المللی با در نظر گرفتن این سیاست به معنی خلع سلاح کردن طبقه کارگر از ایدئولوژی طبقاتی و مداخله و در راستای اهداف جنبش انتقلابی است. در هشتین نشست

طباقاتی کارگران، حرکت کند. فقط با فوری دارد تا در مقابل ایدئولوژی راست که می توان به یك برنامه انقلابی سندیکاتی رسید. از يك طرف شوونیسم در سطح یابی سندیکاتی و سیاستهای سرمایه مداخله و در راستای اهداف جنبش انتقلابی کارگران، حرکت کند. معمومی ديسک سیاست مستقل کردن ديسک از احزاب سیاسی و ایدئولوژی بطور رسمی در اهداف و انساد آن گنجانده شد.

بعد از سال ۱۹۹۱ و آغاز فعالیت مجدد ديسک، سیاستهای آئین نامه ای و شیوه انتخابات مطرح بود. همچنین بحث بر سر افزایش اعضا در طول ۶ سال و یا بروزگران با چشم انداز برادری و برابری ملیتها، بطور مدام تشکلهای خود را گسترش دهند و آلتراستراتیو خود را ارائه کنند.

۲ - در واقع برای برنامه ریزی مبارزه مستقل طبقاتی و انقلابی کارگران و مزدگیران جامعه را ارتقا دهد. مزدگیران مدرن سنديکاتی تغییر اساسی در ایزار تولید، سازماندهی کارگران با شیوه های مدرن و بررسی روابط و



کارگران امریکا

"بسوی تو کیه بزرگ"

یک شعار کثیف

و زندگانه کننده روح فاشیسم است

نهایات چالشکان یکی از فعالین جنبش کمونیستی ترکیه است. وی که مدتی معلم بوده هم اکنون کارمند آموزش و پرورش است. در ترکیه کارمندان دولت نزدیک به چهار میلیون نفر است: که مجدداً برای ایجاد اتحادیه خود مبارزه می کنند. پژوهش کاروان از همکاران کارگر امروز در ترکیه با نهایات چالشکان که از فعالین اتحادیه کارمندان دولت است درباره اوضاع دولتی و اوضاع و احوال سیاسی ترکیه گفتگویی انجام داده است که آنرا در زیر می خوانید.

در مورد سندیکای کارمندان خیابانی راه انداخت، آنرا گسترش داد کردم سندیکای کارمندان غیر قانونی و پیامون آن تبلیغات وسیعی برای انداخت و علت گردتا را هم برای

جهانیان چنین توضیح داد که "در ترکیه برادر کشی راه افتاده، چپ و چند ماه پیش هم من می شنیدم که موقعاً هم همه فکر می کردند کاری غیر قانونی می کنند و کسی نمی دانست در قانون چنین چیزی نوشته نشده است.

در این مورد لطفاً بیشتر توضیح دهید زیرا به پاسخ سوال اول من کنم زیرا صحت در مورد کارگران مسائل دیگری را در بر می گیرد که من چون کارمند هستم نمی توانم در مورد آنها حرف بزنم، چون مسئله البته اینجا باید خاطر نشان کنم که من در مورد کارمندان صحبت می کنم زیرا صحت در مورد کارگران مسائل دیگری را در بر می گیرد که من چون کارمند هستم نمی توانم در اینجا باید خاطر نشان کنم که این مورد کارمندان ایجاد می شد دولت از ناگاهی این صفت سو استفاده می کرد و سندیکا را می بست. در آن موقع هم همه فکر می کردند کاری غیر قانونی می کنند و کسی نمی دانست در آنرا در زیر می خوانید.

قبل از هر چیز باید در مورد تاریخچه اتحادیه کارمندان دولت توضیح بدهم و مختصری هم درباره اوضاع سیاسی ترکیه. تا همین اوخر همه فکر می کردند که سندیکای کارمندان غیر قانونی است، سالها طول کشید که فهمیدیم دولت به ما حقه زده است.

از سال ۱۹۷۰ فاشیسم در ترکیه به تدریج پا به عرصه وجود گذاشت و در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ دیکتاتوری

فاشیسم با حکومت نظامی ژنرالها آغاز شد. آنها حتی به جوانان ۱۷

ساله هم رحم نکردند. آنروز چشم باز

کردیم و دیدیم اوضاع فرق کرده است،

رادیو اعلام کرد حکومت نظامی شده

است و سعی کردند مردم را مربوط

کنند. نظامیها خانه ها را یکی یکی

تفتیش می کردند. فقط کافی بود

نوشته ای که بیو آزادی خواهی می

داد در خانه کسی پیدا کنند. کوچه به

چون طبق اعلام دولت وقت قرار بود

با پذیرش قانون اساسی از جانب

مودم، ژنرالها بروند و حکومت به

یکی از شیوه های تادیب مخالفین بود.

خیلی ها را تبعید کردند، حتی خارجی

ها را نیز: اگر حرفی از دمکراسی می

زدن دیبورت می کردند.

البته باید دقت کرد که ۹۸ درصد از

شرکت کنندگان رای مثبت دادند ولی

در هر حال انتخابی در میان نبود بلکه

مشتبه شنگنی می کرد.

علت آن روش بود، در یک جمله، بعد از آن در سال ۱۹۸۴ انتخابات

صوت گرفت و در ابتدا دو حزب

سوسیالیستی و یک انقلاب منهدم

کننده سرمایه داری در ترکیه وجود

داشت، کمونیستها در ترکیه برای

بروکاری به خطر بالقوه ای تبدیل شده

بودند، گودتا راه حل دمکراسی از

رفع بحران بود. آمریکا چراغ سیز داد

- خاک ترکیه برای آمریکا حیاتی بود

- اما جهان خارج در مقابل گودتا

پرسشی داشت: "ژنرالها چرا آمدند؟"

سرمایه قبیل از گودتا زمینه های آن را

جیده بود. با شروع بحران فاشیسم را

چند حزبی است و حکومت لانیک

یک داروی علاج و سدی در مقابل



معدنچیان ذوق‌نالداق قبل از ورود به تونل

کنند. کارمندان، کارگران را دشمن خود می پنداشند. هر چند که این عمومیت ندارد اما عرصه ایست که سرمایه داری ترکیه در جهت تفرقه آندازی بین مزدیگران و اقشار جامعه موفق شده جوگان دهد.

نمونه دیگر خود ذات کارمند شدن طرف است. وی پس از اتمام مدرسه یا دانشگاه کارمند می شود. او در کی از مبارزه طبقاتی ندارد. برای همین، کار

من بعنوان یک سوسیالیست سختر تر می شود جون مشکل است بتوانم در کی مبارزه طبقاتی را در همکارانم تقویت یا ایجاد کنم. دولت سعی می کند که انسانها را در جامعه و غیر سیاسی کنند. جوانان را در مدرسه سرگرم و روش و موسیقی و رقص می کنند. آنها را

صنفی من نیست.

بله، درست است، اما همانطور که خودت شاهد بودی ما سندیکا داریم و اما تو یک سوسیالیست هستی و تو حتی جلسه ای از گفتگوهای آنرا شاهد بودی. موضوع ناگاهی هم از مسئله تو باید مستله پرولتارتی ایشان را از انتقامی پاشد و برای تو فرق نکند که به کدام صنف تعلق داری. بهر حال شما مزدیگر هستید، تو خودت اگر یک دوز سر کار نروی گوسته خواهی ماند.

البته که تو درست می گویند بخش فرق بین ما هست، ما با فروشنیروی فکری مان پول می گیریم اما کارگران نیروی بازوی خود را می فروشنند. بهر حال و در حد نهانی من در مورد پرولتیر بودن خودم شک ندارم و البته این بود که سندیکای کارمندی غیر قانونی است. دولت هم از این جو و مبارکیست - لئنیست هستم: در مورد سوالت هم با چند مثال شروع

کارگران

کودنانی دیگر قریب الوقوع نیست؟

همانطور که گفتی حرفهای بسیاری تأثیر باقی مانده است و امیدوارم در فرستهای دیگری با هم گفتگوی داشته باشیم. اما در انتها میل دارم بگویند که معتقدم، قدرت سندیکا و هر شکلی از این دست، در اعتراض و حق قرارداد جمعی است. ما این را من خواهیم و دولت به ما نمی دهد. دولت حتی دارد همه چیز را به سرمایه داران منفرد می فروشد ما برای نجات هستی خود باید این اوضاع را باید مبارزه به نفع خودمان و علیه شرمانی بپردازیم. اما بهرخال با توجه به پاسخهای تاکنونی سرمایه به بحرانی اجتماعی ترکیه، کودنانی دیگر را قریب الوقوع می دانم و اینجاست که طبقه کارگر و طیف سوسیالیستها باید از پیش آمادگی مقابله با این آگترناتیو بورژوازی را داشته باشد.

به نفع بورژوازی خودی. طبقه کارگر سهی در این بازی کیف ندارد. این یک نمره حرکت بصورت سویاپ اطمینان سندیکاهای کارگری زد در ترکیه است.

یکی دو سال اخیر شاهد حرکتهای کوچک و بزرگ و حتی تعیین کننده مخصوصا در این چند ماه اخیر تعداد حرکتها و تنوع آنها به حد بالاتر رسیده است. کمتر روزی است که خبری از یک بورژوازی کار و سرمایه بصورتی دند در کارخانه و شهر نداشت باشیم، کشور چالت بحرانی به خود گرفته و هر روز با غربو آفتاب لیره ترکیه بیشتر به قعر چاه فرو می رود. شرایط عادی نیست. امیدوارم در فرسته دیگر بتوانیم در مورد مسانی دیگر که در اینجا فرست ابراز نیافت کنکویی داشته باشیم. بعنوان آخرین سوال آیا با وحامت اوضاع ترکیه

خواهان هر درجه از رفوم که بتواند به بهبود شرایط کار و زندگی بیانجامد، هست.

طرف یکی دو روز آینده یعنی در ۵ فوریه یک میتینگ از جانب چند سندیکا فراخوان داده شد آنطور که من نیست شعارهایشان را خواندم مطالبات پیش رو در صدر بیانیه فراخوان آنها وجود دارد...

من و تو هم دیدیم که چگونه پلیس و حشیانه مردم را در شهر با باطن می زند. شهر چهرا یک جنگ خیابانی را بخود گرفته بود.

مذهبی می کند تا برای آنکه کاری بیدا کنند اشالله بگویند و پس از یافتن کار شکرگذار خدا باشند و

ماشالله بگویند. در اینجا باید بگویم که من نه تنها با ورزش و موسیقی و رقص مخالف نیست بلکه به آنها علاقه زیادی هم دارم، این یک نیاز و احسان انسانی است. اما رقص و خوشگذرانی و مشروب خوری داره بصورت کار حرفه ای جوانان ما در می آید. اوضاع طوری شده که مغز آنان برای فکر کردن به سیاست و مشکلات جیانی جامعه بطری عجیبی سخت شده است.

بسیار بیشتر سازیم، برای میتینگ انتخاب کردیم، اما علیرغم تصور شخصی من یک تظاهرات قانونی روز ۲۹ ژانویه را به امید اینکه این میتینگ را فراخوان داده اند که یکی از شعارهایشان "بسیار میتینگ بزرگ است". این یک شعار کیفیت بورژوازی است. رهبری این میتینگ را معرف کردن فریادها زده شد و ۲۳ ساعت بطول انعامید و بعد هم تمام شد و چیزی نصیب ما نشد.

ما در ترکیه شاهد یک نوع تفرقه هستیم، سندیکاهای زیادی وجود دارد اما در مقابل اتحاد عمل و

حرکت منظم و گستره ای نمی بینیم، فکر نمی کنیم علت آن فقدان

فرآخوان داده شد چه گروهی آنرا مارکسیستی واقعی باشد، اصلا در مورد احزاب مطرح در ترکیه که خود را الگترناتیو سوسیالیستی و دمکراسی طلب جای می زندند نظرت میتینگ شما چند نفر بودند؟

تعدادی از سندیکاهای کارمندی این

روز ۲۹ ژانویه تظاهراتی در آنکارا فراخوان داده شد چه گروهی آنرا مارکسیستی واقعی باشد، اصلا در مورد احزاب داشتند و خواسته ای داشتند و به چیزی رسیدید. قبل از این حرفت منظم و گستره ای نمی

بیشتر می توانیم شرکت کنندگان در میتینگ شما چند نفر بودند؟

روز را برای میتینگ انتخاب کردند. از سراسر ترکیه به آنکارا آمدند بودند و جمعیتی حدود بیست هزار نفر در آن شرکت داشتند و خواسته ای داشتند. حزب دمکراتی

۱ - علیه خصوصی کردن ادارات و بخشهای دولتی از قبیل پست و تلفن و چندین شرکت دیگر، ۲ - حق

مذاکره دسته جمعی برای قرارداد دسته جمعی برای مثلا دستمزد و شرایط سیال دمکرات - حزب کارگر یک

کار، ۳ - علیه قوانین ضد ترور بزد. این تظاهرات مطلوب من نبود زیرا

محدود بود و توانستیم آنرا گسترش دهیم ز به یک حرفت تعیین کننده در سطح آنکارا و ترکیه دست بیدا یابیم،

حتی روزنامه ها و تلویزیونهای ترکیه تظاهرات ما را سانسور کردند و حرفهای ما به جز چند جا در بقیه

مطبوعات و کانالها پخش نشد. من دوست داشتم این روز به یک روز تقابل

ندازد. حتی می توان گفت اما حرفت ما راضی کننده نبود. من شخصا فکر من

کردم یک تظاهرات غیر قانونی مثل یک حرفت خودبخودی اما با تدبیر نمی خود، او ناتوان از حل مستله

تبلیغی صورت خواهد گرفت اما در آنکارا شاهد چیز دیگر نبودم.

مسننه شرق ترکیه (اگرستان) را باید از طریق دمکراتیک حل و فصل کرد و

نایاب با توب و تائک جواب شرق را داد" اکنون او را آزاد داده اند، ظاهرا

دادگاهی اش کرده اند و ۲۰ ماه بین، روز ۱۳ ژانویه یعنی حدود دو

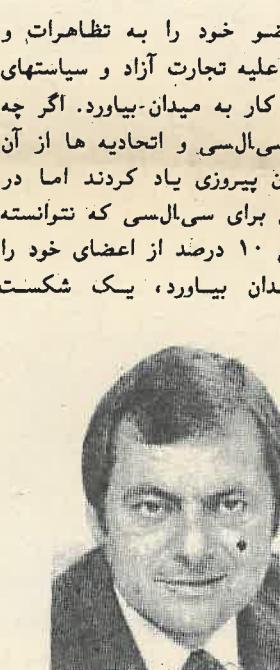
هفته قبل از این میتینگ، در آنکارا یک رو در روی خیابانی بین مردم و پلیس صورت گرفت، مردم سر کار

نرفتند و علیه دولت و طرحهای اقتصادی اش و توأم استفاده می کنم تا حداقل

یک نزدیک است.

تلاش نوین، استحکام نوین و همبستگی نوین

کنگره کارگران



زان کلود پاروت، انتخاب مجدد

هزار عضو خود را به تظاهرات و اعتراض علیه تجارت آزاد و سیاستهای محافظه کار به میدان بیاورد. اگر چه رهبران سیالیسی اند اند اما در به عنوان پیروزی یاد کردند اما در واقع این برای همچنین تغییر قراردادهای دستمزدها را منجذب کرد، ۱۲ روز تعطیلی بین دستمزد را به کارگران تحمیل کرد، همچنین تغییر قراردادهای جمعی را که هنوز مدت اعتبار آنها به پایان نرسیده به بیش از ۹۵۰ هزار نفر از کارگران خدمات عمومی تحمیل کرد. بعد از این اقدام تعدادی از اتحادیه های کارگری حمایت خود را از این حزب در استان انتاریو پس گرفتند و گمکهای مالی خود را به این حزب تا لغو طرح سوسیال کانتراکت متعلق یا قطع کردند. در ادامه این حرفهای بعضی از تشکلهای کارگری بخصوص خدمات عمومی از سیالیسی خواسته بودند که این کنگره موضع خود را در رابطه با اندیشه مشخص کند. اما همانطور که انتظار می رفت در کنگره توافق شد که کمیته ای بوجود آید تا با تماش با فعالیت چنین کارگری گزارشی تهیه کند تا در کنگره آینده مورد بررسی قرار گیرد. در واقع اکثر حاضرین در کنگره بر این توافق داشتند که از حزب آن دی پی باید حمایت کرد. از نظر آنها این تنها حزب طنادار کارگران است که می تواند در پارلمان از کارگران حمایت کند. در واقع بیشتر انتقادها به وزیران و نمایندگان پارلمانی این حزب در سه استانی بود که در قدرت است. در این کنگره باب وایت و زان کلود پاروت مجدد به سمت رهبر و معادن سیالیسی برای دو سال دیگر انتخاب شدند.

با حمله به میشیت کارگران برای کاهش کسر بودجه به همکاری با دولت و سیاستهای دیگر احزاب لیبرال و محافظه کار شافت. در استان انتاریو این حزب برای کاهش کسر بودجه دستمزدها را منجذب کرد، ۱۲ روز تعطیلی بین دستمزد را به کارگران تحمیل کرد، همچنین تغییر قراردادهای جمعی را که هنوز مدت اعتبار آنها به پایان نرسیده به بیش از ۹۵۰ هزار نفر از این اتحادیه های کارگری حمایت خود را از این حزب در استان انتاریو پس گرفتند و گمکهای مالی خود را به این حزب تا لغو طرح سوسیال کانتراکت متعلق یا قطع کردند. در ادامه این حرفهای بعضی از تشکلهای کارگری بخصوص خدمات عمومی از سیالیسی خواسته بودند که این کنگره موضع خود را در رابطه با اندیشه مشخص کند. اما همانطور که انتظار می رفت در کنگره توافق شد که کمیته ای از اتحادیه های کارگری گزارشی تهیه کند تا در کنگره آینده مورد بررسی قرار گیرد. در واقع اکثر حاضرین در کنگره بر این توافق داشتند که از حزب آن دی پی باید حمایت کرد. از نظر آنها این تنها حزب طنادار کارگران است که می تواند در پارلمان از کارگران حمایت کند. در واقع بیشتر انتقادها به وزیران و نمایندگان پارلمانی این حزب در سه استانی بود که در قدرت است.

در این کنگره باب وایت و زان کلود پاروت مجدد به سمت رهبر و معادن سیالیسی برای دو سال دیگر انتخاب شدند.

حیدر محمدی

برای یک دوره جدید

ها دچار بحران فزاینده‌ای بوده‌اند. سال ۱۹۵۳ اسطع عضویت در اتحادیه‌ها ۲۲/۵ درصد بود که در سال ۱۹۸۶ به ۱۷/۵ درصد سقوط کرده است. در سال ۱۹۷۵ تعداد اعضای اتحادیه‌ها ۲۲ میلیون بود که این رقم در سال ۱۹۸۶ به ۱۷ میلیون نظر رسیده است. این نتیجه تاریخی شیوه فعالیت اتحادیه‌ای در آمریکا است. اتحادیه‌های کارگری آمریکا از اتحادیه‌های کارگری آمریکا از مسائل محیط کار دور شده‌اند و با یک تشکیلات بروکراتیک در توافق با صاحبان شرکتها سیاست آشنا را پیش برده‌اند. چنین حرکتی منافع رهبران اتحادیه‌ها را با منافع شرکتها همداستان کرده و اتحادیه‌ها کارکرد جدیدی یافته‌اند.

بدون شک بجز بنای مادی کاپیتالیسم آمریکا را گسترش فرق العاده کاپیتالیسم تشکیل می‌دهد. اما پایه سیستم اتحادیه‌ای آمریکا در دهه ۱۹۷۰ متزلزل شد. بحران کاپیتالیسم طبقه کارگر را تحت فشار گذاشته بود و اتحادیه‌ها به نازمانهای بی‌عمل

ها در اروپا هسته مرکزی تشکیل کارگری را تشکیل می‌دهند. به تدریج تعداد کارگران غیر اتحادیه‌ای افزایش یافت و اتحادیه‌ها به مشکل یابی شرایط تاریخی، شکل تشکل یابی طبقه کارگر، مبارزات آن و مسائل آنها علاقه زیادی نشان ندادند: اما اتحادیه‌ها به این نیز بسته نگردند. بجز سرمایه‌من: تواند به کشورهایی که در اواست سال ۱۹۹۳ منتشر شده است بیانگر مسائلی است که کارگران چپ و سوسیالیست ترکیه خود را با آن روپرتو می‌بینند. این مطلب توسط بهرام رحمانی از ترکی به فارسی ترجمه شده است.

عملکرد عمومی اتحادیه‌ها در مقابل بحران

جن بش کارگری، بدون در نظر گرفتن این دوره از تاریخ نمی‌تواند دم بریده مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. اگر یافته کارگران غیر اتحادیه‌ای افزایش طبقه کارگر، مبارزات آن و مسائل آنها علاقه زیادی نشان ندادند: اما اتحادیه‌ها به این نیز بسته نگردند. بجز سرمایه‌من: تواند به کشورهایی که در اواست سال ۱۹۹۳ منتشر شده است بیانگر مسائلی است که کارگران چپ و سوسیالیست ترکیه خود را با آن روپرتو می‌بینند. این مطلب توسط بهرام رحمانی از ترکی به فارسی ترجمه شده است.

مطلب زیر ترجمه بخشایی از یک کتاب ۷۵ صفحه‌ای با عنوان "برای یک دوره جدید" از انتشارات سندیکای معادن زیرزمینی عضو دیسک است (دبیر کل این سندیکا "چتین اوغور" است). این کتاب که در اواست سال ۱۹۹۳ منتشر شده است بیانگر مسائلی است که کارگران چپ و سوسیالیست ترکیه خود را با آن روپرتو می‌بینند. این مطلب توسط بهرام رحمانی از ترکی به فارسی ترجمه شده است.

با این سیستم کاپیتالیستی در سطح ساختمان جدید آن کشور بعد از ۱۹۵۴ جهان، شکل تشکل یابی طبقه کارگر بود که در عین حال اتحادیه‌های چپ را با بحران جدی روپرتو ساخته است. یکی از پایه ای ترین عناصر بحران طبقه کارگر، بحران فعالیت اتحادیه‌ای است: بحران جنبش کارگری است و برونو رفت از آن تنها با وجود یک راه حل سالم اسکان پذیر است. این اسکال زیر نشان میدهد: کاهش سریع اعضا، ناتوانی در مشکل کردن کارگران در بخش‌های فاقد تشکل، سوق قوانینی که بر اهداف و برنامه‌های آن دادن اعضای اتحادیه‌ها به شیوه ای از مبارزه کارگران می‌باشد و گرایش تشکل بیشتر دستاوردهای تاریخی کارگران می‌شود. این بحران که بطور مکانیکی قابل حل نیست جنبش اتحادیه‌ای را به عقب بزد و حتی در نهایت، فروپاشی آن را غیر قابل اجتناب کرده است.

علل بحران اتحادیه‌ای

در مباحث بحران اتحادیه‌ای، ضروری است که بعضی گرایشات غلط را روشن ساخت. یکی از اساسی ترین این گرایشات بر تغییراتی که در تولید بوجود آمد است تکیه می‌کند، حتی در محدودترین شکل تغییرات تکنولوژیک عامل بحران معرفی می‌شود. در کنار این مباحث، یادآوری بعضی نکات ضروری است.

۱- تغییرات تکنولوژیک در مسائل بحران اتحادیه‌ای طبقه کارگر جایگاه ویژه‌ای ندارد. زیرا تغییراتی که تغییر تکنولوژی در نیروی کار بوجود می‌آورد نیز مسئله‌ای مربوط به مبارزه طبقاتی است.

علاوه بر آن زمانیکه حرکت اتحادیه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد، بطور عمومی بحران کاپیتالیسم در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مبارزه طبقاتی کارگران و توانان قوا

بایی طبقاتی کارگران در این میان کم رنگ شده است. ویوگن رفرمیس در میان طبقه کارگر بوجود آوردن پل بین

بورژوازی و طبقه کارگر است. این در این اوضاع اتحادیه‌های کارگری به سیاست موجود خود همچنان ادامه اورده است. فراتر از یک راه حل در مبارزه ایدئولوژیک، سیاسی و تئوریک، یک تحقیق معمولی نیز نموده ای زنده ای را از تخصص قابل اولیل قرن ۱۸ می‌رسد: در سطح ارجاع نشان میدهد.

ویوی تایلر ایدئولوژیکی طبقاتی کارگری غالب شده و تشکلهای بورژوازی از هم پاشیده و سرمایه قدرت و توانان قزا را بخشا از دست داده و مبارزه بین کار و سرمایه دارد و به این طبقه کارگران را تبدیل کرده. سیستم تغییرات تکنولوژیکی

قبل از هر چیز مقوله هایی از قبیل "مسئوتی" یا "مدیریت" را تایلر در یک ظرف مخلوط کرده. سیستم تخصص قابل ارجاع زانی، در دهه ۱۹۷۰ قبل از تغییرات تکنولوژیکی

живات خود را آغاز کرد. اما تغییرات تکنولوژیک گسترش این سیستم را در تحت این شرایط و قوانین از اولین قرن ۱۸ تا به امروز شاهد تشکیل اتحادیه علت اصلی موقوفیت تخصص قابل ارجاع وسیعی از جهان آسان ساخت.

و کمونیست بوده. این که در نتیجه آن ارجاع که در زانی در سطح وسیعی

یک دوره از تاریخ جنبش کارگری خاتمه یافته است



تبديل شده بودند. سرمایه دار آمریکانی در ابتدای کار فعالیتهای خود را در مناطق بدون اتحادیه متصرف کرده. در این مناطق تشکیل اتحادیه به آسانی ممکن نبود. زیرا دیگر سرمایه اتحادیه نمی‌خواست مستولین اتحادیه‌ها را در آغاز به این فستله اهمیت ندادند. در سال ۱۹۷۲ جرج مینی دبیر آف ال سی آی او گفت: "چرا ما باید در مورد انسانهایی که نمی‌خواهند مشکل شوند فکر کنیم؟ اگر این انسانها خودشان در زندگی شان مداخله نمی‌کنند و تصمیم دیگران را ترجیح می‌دهند، این حق آنهاست. اگر لازم به اعتراض باشد من نگران تعداد اعضای بودم. اما از چند سال پیش این نگرانی را رها کردم زیرا چیزی فرق نمی‌کند."

تحت تأثیر قرار داد، کارگران زانی با کشورهای عضو لازم است و فراتر از گران شدن هزینه زندگی و مسائلی از آن حق "تو" وجود دارد. مهمتر از همه استثنای "حقوق اجتماعی" در قوانین زیاد است. در اساس، منطق پایه ای "شرط و شروطها" برای تسهیل عملکرد سرمایه دادن و از همکاری با صاحبان شرکتها صرف نظر نکردن. سرمایه داران در زانی و تنظیم نیروی کار در بازار است. شرایط کارگران دیگر کشورها و سطح تعقی در این منطق نشان میدهد که نه حقوق اتحادیه‌ای و اجتماعی، بلکه منفرد ساختن کارگران و زانی بیشتری از دارد. در رابطه با مشکل شدن در کارگران و اتحادیه‌های زانی قرار اتحادیه‌ها چیزی بیان نمی‌شود. اما برای این بزرگ‌ترین شرکتهای زانی کنار مادران‌ال عمر در شرکتهای زانی کنار گذاشته شده و طرح ریزی بیکاراسازها در دست اجرا است. بطور خلاصه قائل شده اند. در چنین شرایط معلوم است اتحادیه‌ها همراه با موسسات و بنگاهها در مقابل طبقه کارگر زانی قرار گرفته بحران نجات بخواهند یافته.

در ۱۵ سال اخیر در آمریکا، اتحادیه

آن حق زندگی و مسائلی از آن حق "تو" وجود دارد. مهمتر از همه استثنای "حقوق اجتماعی" در قوانین زیاد است. در این اوضاع اتحادیه‌های کارگری به سیاست موجود خود همچنان ادامه اورده است. فراتر از یک راه حل در مبارزه ایدئولوژیک، سیاسی و تئوریک، یک تحقیق معمولی نیز نموده ای زنده ای را از تخصص قابل اولیل قرن ۱۸ می‌رسد: در سطح ارجاع نشان میدهد.

ویوی تایلر ایدئولوژیکی طبقاتی کارگری غالب شده و تشکلهای بورژوازی از هم پاشیده و سرمایه قدرت و توانان قزا را بخشا از دست داده و مبارزه بین کار و سرمایه دارد و به این طبقه کارگران را تبدیل کرده. سیستم تخصص قابل ارجاع زانی، در دهه ۱۹۷۰ قبل از تغییرات تکنولوژیکی

живات خود را آغاز کرد. اما تغییرات تکنولوژیک گسترش این سیستم را در

تحت این شرایط و قوانین از اولین قرن ۱۸ تا به امروز شاهد تشکیل اتحادیه علت اصلی موقوفیت تخصص قابل ارجاع وسیعی از جهان آسان ساخت.

و کمونیست بوده. این که در نتیجه آن ارجاع که در زانی در سطح وسیعی

یک دوره از تاریخ جنبش کارگری خاتمه یافته است

کارگران

تفییرات وسیعی شده و معضلات نمی‌گذارد. زیرا در روندی که سازی در ترکیه به اهداف اقتصادی خود رسیده است و در عین حال هجوم بسیاری را بوجود آورده است.

ناسیونالیسم، شویونیسم و متعصبین خطری که طبقه کارگر با آن روپرداز است قرون وسطانی منطبقی در سطح خیلی فراز از قوانین اتحادیه‌ای است. جغرافیایی کره زمین تاخت و تاز می‌کند شناس کوچکی برای دستیابی به حقوق خود داریم. حل مشکله مردم کرد زندگی و دشمنی در گوش و کنار کشور است. این فروپاشی و ظلم را از طریق نظامی به سیاست رسمی دولت تبدیل شده است. در این راستا اگر روهایی بوجود آورده اند که با معطوف شدن به سوی یک راه حل قومیت و مذهب و دعواهای ناشی از آن راه تفرقه را در بین طبقه باز کرده اند و اتحاد زحمتکشان و مبارزه آنها را با دشواری روپرداخته اند. دیگر نیز بعنوان یک جریان اجتماعی مادام غیر عملی به نظر می‌رسد. مبارزه اجتماعی و اقتصادی مزدیگران جامعه، در حالیکه هیچ زمینه ذمکراتیک موجود نیست، یک راه حل می‌باشد که برنامه برای برادری طبقاتی و میلیارداری جنگ را به حساب کارگران کرده و ترک گذاشته اند. این اوضاع زیر این کشمکش و دعواها خواهد بود. این بودن امنیت شغلی آنها می‌گردید و از طرف دیگر با محدود کردن حقوق و اختیارات اتحادیه‌ها و سیاست انحلال آنها در تلاش است.

سنديکاهای را وادار به تسليم کنند. دولت انتلافی بطور جدی در مقابل خواسته‌های کارگری ایستاده است، راه را برای تصویب "قانون امنیت شغلی" در پارلمان نیز بسته است، حتی خواست سرمایه داران در توکردن ۱۵۱ ماده سازمان بین‌المللی کار از دهان رئیس جمهور هم شنیده شده است. سالهای است که این جنگ به بهای از دست دادن جان هزاران انسان بتدیر به یک جنگ وحشی تبدیل شده است. سیاست راه حل نظامی، از یکطرف انتلافی با برنامه‌های مشابه برنامه دشمنی غیر قابل برگشتن بین مردم های دولتهای اوزال، فجایع را عمیق بوجود آورده است و از طرف دیگر زمینه به میدان آمدن نیروهای ارجاعی، فاشیستی و شویونیستی را فراهم کرده و زمینه را برای قتل

مشکل نشدن کارگران است. علاوه بر آن سرمایه داران با حذف سیاست

انقاد قراردادهای دسته جمعی، کارگران را امیزه کرده اند و انقاد قرارداد فردی و سیستم دستمزد را به سود آوری تولید گره زده اند. در واقع سرمایه اتحادیه‌ها را بعنوان مانع در مقابل بازار آزاد نیروی کار می‌داند و از اتحادیه‌ها بعنوان ابزاری برای پیشبرد اتحادیه‌ها بعنوان ابزاری برای پیشبرد راه حل‌های خود استفاده می‌کند. بوجود آوردن یک استراتژی سوم اجرایی است. باید استقلال طبقاتی جنبش کارگری و تشکیلات آن بطور دمکراتیک و با پایه‌های محکم مجدد احیا شود. مسائل مشکل شدن کارگران باید مجدد فرموله شود. مانند عبارت دیگر باید به یک اجرار تاریخی جواب داده شود.

بطور کلی علاوه بر تشکیلاتی کارگری موجود، حرکت مشکل کردن کارگران یک ترجیح ابوقتیف است. بعنوان یک اجرار ابوقتیف نیز باید مد نظر قرار گیرد. این استراتژی مستقل در برخی از مشکلات را حل کنند. در حالیکه در دهه ۱۹۷۰ با کاهش دستمزدهای نیز امنیت شغلی تامین نشد، زیرا سرمایه بودند با قبول بخشی از این سیاست مشکلات را حل کنند. در حالیکه در سازماندادن تشکیلات در محل کار در جریان است. در آمریکا نیز حرکت می‌لیانست طبقاتی بحث روز شده است. بین کارگران ماسنین سازی و صنایع آهن بعثهای آرایش جدید سازمانی درگرفته است.

این حرکت‌های جدید، نشانه ای از مبارزه طبقاتی کارگران و گسترش آن است. علیرغم شکست ها و عقب نشینی اعتماد "گری هایند"، اعتماد معنیچیان در سالهای ۸۵ - ۱۹۸۴، اعتماد کارگران ولینگ پترزبورگ و مبارزه ای که علیه کاهش دستمزدهای کردن، نمونه هایی از جنب و جوش طبقاتی است.

مهمترین ویژگی این حرکتها در گسترش آگاهی طبقاتی و تربیت رهبران آگاه کارگری در بطن مبارزه است. برای مثال اعتصاب ۸۷ - ۱۹۸۵ هورمل علیرغم رادیکال نبودن، هرچقدر طولانی تر شد همانقدر نیز رادیکالیزه شد و سازی در بخش صنایع ترکیه و زنده سنگینی داشته است. بر این اساس پایه میدان آمد. اگر مبارزه شکست هم پخورد درسها، تجارب، آگاهی و کارگران میلیتانی که بوجود آمده اند نشان می‌دهد خیزش‌های کارگری در آمریکا مجدداً جان تازه ای می‌گیرد.

در اروپا نیز کارگران پیشو در بخش‌های معدن و صنایع آهن و چدن برای یک تشکیلات میلیتانی داشت:

۱ - در مقابل سیاست خصوصی سازی و فرار سرمایه‌ها، اتحادیه‌ها از ارزیابی از تشکیلاتی موجود کارگری، برای مبارزه تشکیلاتی آتشی کارگران واقع این استراتژی غیر از اینکه منافع طبقه کارگر را به منافع سرمایه داری آتشی با سرمایه نمی‌داند بلکه با سیاست میلیتانی و مبارزه پیگیر در از آن، بخاطر اینکه چنین سیاستی از مسائل امروز دنیا دور می‌باشد، این استراتژی محکوم به شکست است.

۲ - تلاش‌های جدید آتشی با سرمایه در اساس آتشی طبقاتی زمینه فعالیت اتحادیه‌ای است و تعیین ژانشی به تدریج برتری خود را بدست آورده است. این مدل نیز در خود محدود و تعداد کمی از کارگران را متخلک ساخته است و در خارج از آن مشغولیم، بقیه کار سیاست‌بازاران است. همچنانه سرمایه به طبقه کارگر می‌لیونها کارگر بدون تشکیلات وجود نیز جایی برای شانه خالی کردن باقی دارد. این سیاست نیز "معنی تائید"



تظاهرات بیست هزار تن از معدنچیان ترکیه

است.

طبقه کارگر بعلت فقدان مشکل طبقاتی و اتحادیه‌ای مستقل خود در مقابل سیاستهای طبقه حاکم توانانی مخالفت قدرتمندی را ندارد و از این توانانی اساساً بدور است. مقاومت اتحادیه‌ای خودجوش کارگران از یکطرف اعترافی خودجوش کارگران از یکطرف با فشار سرمایه و از طرف دیگر با موانع بوروکراتیک قوانین اتحادیه‌ای به شرایط مساعدی دست نیافته است.

در سه سال اخیر در جبهه نیروی کار مبارزه کارکنان خدمات اجتماعی و طبقه کارگر جدید آمده می‌کند.

بطور ساده، سیر این وقایع یکی از برنامه‌های پایه ای دیگر را که باید سیاست آتشی فاشیست و آتشی شویونیست باشد، بخوبی نشان می‌دهد. اینکه تا چه اندازه پیگیری این سیاست برای یک سنديکا استراتژیک به راه مده در جلو چشم می‌بینند.

طبقه کارگر اموروز در مقابل هجوم اقتصادی و ایدنلولیک سرمایه داری بی‌سلام مانده است و سر خم کردن به لحظه مشکل‌های کارگری و اتحادیه‌ها در مبارزه، درسهای آمرزنده ای از خود بجا ای گذاشته است. سه سال است در مقابل هر نوع منوعیت و هر نوع فشار سیاسی، کارکنان خدمات اجتماعی اعترافی علیرغم هر کم و کسری مبارزه پیگیری را دنبال کرده اند و راه باشند" را سازمان داده اند.

فروپاشی اتحادیه‌های سنتی

طبقه کارگر اموروز در مقابل هجوم اقتصادی و ایدنلولیک سرمایه داری بی‌سلام مانده است و سر خم کردن به لحظه مشکل‌های کارگری و اتحادیه‌ها در مبارزه، درسهای آمرزنده ای از خود بجا ای گذاشته است. سه سال است در مقابل هر نوع منوعیت و هر نوع فشار سیاسی، کارکنان خدمات اجتماعی اعترافی علیرغم هر کم و کسری مبارزه پیگیری را دنبال کرده اند و راه باشند" را سازمان داده اند.

آنچه در کشور می‌گذرد بیانگر

نگاهی به اعتراض کارگران کمپانی حمل و نقل پستی در آمریکا

از ماهنامه: لیبر نت، نشریه کارگری
چاپ آمریکا

روز ۷ فوریه کارگران کمپانی بسته بندی یوپیاس در اعتراض به حمل بسته های ۱۵۰ کیلویی دست از کار کشیدند. این در شرایطی اتفاق افتاد که کارگران از حق اعتراض برخوردار نیستند و خطر ورشکستگی اتحادیه در صورت پرداخت جریمه محتمل بود.

سابقه اختلاف

اختلاف بین کارگران و کارپرما در ژانویه آغاز شد. یوپیاس اعلام کرد که وزن بسته ها را از ۷۰ کیلو به ۱۵۰ کیلو افزایش خواهد داد و اینکه کارگران تعلیم داده شده اند که بسته ها را بلند کنند و در صورت لازم میتوانند از مشتری ها (در اداره پست) کمک بگیرند. طبق گفته مدیریت این تغییر در شیوه کار برای رقابت با سایر ادارات پستی بود. کارگران پست عضو اتحادیه رانندگان کامیون هستند زیرا در بخش ترانسپورت کار میکنند.

پاییز گذشته هنگام امضای قرارداد سالیانه، مدیریت به رهبران اتحادیه قول داد که تغییری در وزن بسته ها نمیدهد. ولی چند ماه بعد وقتی این تغییر نهایی شد، اتحادیه تقاضای مذکوره کرد. جلسات مذاکره به جایی نرسید. بالاخره رئیس اتحادیه، سران کاری، روز ۷ فوریه را یعنی روزی که قرار بود این تغییرات عملی شوند، بعنوان روز اعتراض اعلام کرد. دلیل مخالفت اتحادیه به این تغییر، فشار فیزیکی به کارگران و عدم اینستی در محیط کار بود.

سازماندهی

آخر هفته (۵ و ۶ فوریه) مدیریت یوپیاس، چندین وکیل و تعدادی از افراد قدیمی اتحادیه بشدت کار میکردند که به وضعیت خاتمه دهند. به گفته کن پف، سازماندهی سراسری کارگران ترانسپورت برای یک اتحادیه دموکراتیک، رئیس کمپانی یوپیاس به کلیه کارگران (۱۶۵۰۰ نفر) خود تلفنی اطلاع داده بود که اعتراض روز ۷ فوریه غیر قانونی است و هر کس در آن شرکت کند، اخراج خواهد شد. همزمان مدیریت برای ۱۰۰۰ کارگر حکم عدم شرکت در اعتراض صادر کرده بود.

اعضای تدبیمی اتحادیه برای جلوگیری از اعتراض هر کاری از دستشان بر می آمد کردند. اعلام کردند که شعبه اجتنمی محو شود.

بسیار سختی خواهد داشت. یکی از ویوگهای این دوره گسترش حرکتهای مستقل کارگری در سطح وسیع است. تا متزلزل شدن پایه و ثبات اتحادیه های سنتی، سازماندهی این که امروز خود کارگران تشکیل داده اند و یا بخشی که در حال تشکیل شدن به شیوه ای طبقاتی هستند گسترش خواهد یافت. دیسک باید اتحادیه های کارگران و اپوزیسیون دموکراتیک درون مشکل را در یک ظرف جای دهد و خود را در یک ظرفیت جدید سازماندهی کند و استراتژی تشکیلاتی و مبارزاتی دوره جدید را تدوین کند.

دیسک همچنین باید برای به حرکت در آوردن جنبش کارگری مستقل و پلتفرم سازمانیابی اتحادیه ای دست به اقدامات جدی بزند.

مکانیزمهای تشکیلاتی دیسک و اتحادیه های عضو آن به تنها قابل دیسک همچنین باید برای به حرکت در آوردن جنبش کارگری مستقل و پلتفرم سازمانیابی اتحادیه ای دست به اقدامات جدی بزند.

امروز ما شاهد نسلی از کارگران سر برگزارند. راه حل مستله،

کار را مدد نظر دارند و بطور طبیعی تشکیل شوراهای کارگری را در راس

کار می کنند. عوامل مختلف در سالهای اخیر نشان داده است تشکیل کمیته های کارخانه بطور عمومی و رهبری شوراهای بر این کمیته ها نباید بطور مطلق بعنوان سیر پیشروعی این کرایش منور. بررسی قرار گیرد. در اصل آن چیزی که در حال تشکیل شدن به شیوه ای سازمانیابی کارگران در محیط کار است که در آن همه کارگران بطور برابر و موضع شرکت کنند.

در یک دوره معین مسائل مشترک کارگری اکثر کارگران را مجبور کرد به این نوع سازمانیابی روی آورند. علاوه بر آن این شیوه سازمانیابی باید در مسائل دوره ۱۹۹۱ - ۱۹۸۳ مورد بررسی قرار گیرد. در این دوره یک کانون اتحادیه ای انقلابی موجود نبود و گرایش انقلابی دموکراتیک در بین کارگران پراکنده بود. در این دوره کارگران در درون خود رهبران پیشو. را ترتیب کردند.

امروز ما شاهد نسلی از کارگران هستیم که اساساً سازمانیابی محیط سازش، آلتنتایر جاذبی برای اتحادیه

ها خواهد بود.

با گذشت یکسال از فعالیتهای این دوره، ضرورت دیسک در سطح وسیعی احساس شده است. اما شکل سازمانی اتحادیه های واپسی به دیسک و فعالیت آنان در این زمانه هنوز در آغاز کار پسر می بود.

انسا قدرت پایه ای دیسک در تعداد

اعضای آن نیست بلکه از ورشکستگی اتحادیه های سنتی و انتظارات جدید سرجشمه می گیرد. جنبش طبقه کارگر برای پشت سر گذاشتن بحران اتحادیه های سنتی نیازمند سازماندهی جدید

برای سرعت عقب نشینی کرد و فضای ضد

دموکراتیک بعد از دولت کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ هنوز از بین نرفته است.

اگر این سازش اجتماعی پلتفرم خود را متحقق کند دستمزدها تا آخر سال ۱۹۹۵ منجمد خواهد شد. قراردادهای ۴۰ ماهه بعد از امضای قراردادها برای دو پیش ۶ ماهه است که فقط تفاوت سطح دستمزدها پرداخت خواهد شد و بدین ترتیب مستله کاهش دستمزدها نیز تأمین خواهد گشت. در ایش و حق - ایش، اعتقاد خود را از دست داده اند و با امید عملی شدن مطالبات طبقاتی شان به سوی دیسک حرکت می کنند.

بعلاوه گرایش جدایی از ترک - ایش و تشکیل یک اتحادیه دموکراتیک مستقل نسبت به سالهای قبل تا حد که در آرایش جدید باید در نظر گرفته شود. کارگران خواه در زمینه سازماندهی اتحادیه ها و خواه مبارزه برای تغییر ترک - ایش و حق - ایش، اعتقاد خود را از دست داده اند و با امید عملی شدن مطالبات طبقاتی شان به سوی دیسک حرکت می کنند.

هم اتحادیه های دولتی و هم دولت قراردادهای دسته جمعی جدید را بدست دو سال در مقابل جنبش کارگری قرار زیاده اند و تلاش می کنند در این دوره خیال خود را راحت کنند. نایاندگان زوتولوک و بدبال جنبگ خلیج دست به بحث روز، محروم کردن کارگران از کارگران زده است.

با توجه به موقعیت این گرایش و عکس العمل گنبدراشیون ترک - ایش، اوضاع برای اجتماعی شدن دیسک در کوتاه مدت دشوار است. به این سبب دیسک پاسخ به مسائل روزمره کارگران و رفع یاس و نالمیدی و ارتقاء مجدد جنبش کارگری را بعنوان فاکتورهای مورد نیاز در اهداف خود قرار داده است.

روشن است که یکی از علل مهم عقب نشینی جنبش کارگری سیاستهای دشمنی با کارگران تحت عنوان "حفظ دشمنی با کارگران" که در مقابل افریده است. برای نمونه، خصوصی کردن کارخانجات، یکی از نیازهای اجتماعی تاریخی آنها را ضروری کرده است. جنبش اتحادیه ای سنتی دیگر ورشکست شده است.

بعنوان یک اجراء اجتماعی تعريف می شود. ساختن زیر بنای این سیاست خصوصی و دشمنی با مزدیگیران را، بطور کلی همه احزاب پارلمانی کشور بین خود تقسیم کرده اند.

امروز جنبش کارگری ترکیه تحت تاثیر شکل سازمانیابی کمیته های محل کار و شوراهای کارگری قرار دارد. کمیته های کارخانه در محیط های کار، نیازمند محروم کردن کارگران از تشکیل چایگاه خود را نیاید بدون شک مجبور است. در دوره آتشی اگر امکان سازمانیابی وجود نداشته باشد تولید با متدهای جدید ادامه خواهد یافت و طبقه کارگر زیر شار طبقه حاکم دوره

**برای
یک
دوره
جدید**

←

↓

↑

→

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

↑

↓

کارگر

فاتح بهرامی تلاش نمود تا نقد خود را منطبق بر مباحث کمونیسم کارگری انجام دهد. لذا مفروضاتش عبارت بودند از: ۱ - من آن مباحث را درک نکرده ام. ۲ - یا با آنها مخالفم. ۳ - یا اصلاً با آنها آشنا نیستم. او در بحث، احکامی را می دهد که طبعاً یک فرد بد فهم، مختلف، نا آشنا با مباحث کمونیسم کارگری می پرسد چرا و دنبال استدلال می گردد، که در چهار مورد اساسی به جای استدلال، به

چهار نقل قول بر می خورد که خود آنها حکم هستند. اشکال در پیکار بردن نقل قول نیست، بلکه اینجاست که آنها از متن اصلی و از پوست و گوش خود جدا و به هنگام کاربرد هم تشریح نشده و مستقیماً به جای استدلال نشسته اند که نویسنده می باید برای احکام خود ارائه می داد. این روش پلیسی جزو سنت کمونیسم کارگری نیست و تنها برای مسخ کردن مباحث رهانی بخش و سر خط ماندن در جمع خودی مفید است. در خارج از این جمع، با احکام مجرد، نه می توان کسی را مجبوب کرد و نه مخالفی را از میدان بدر کرد.

ادیبات کمونیسم کارگری و آثار بنیانگذاران آن، متبع آموزش انتقادی من هم هستند و از آنجا که: ۱ - فاتح بهرامی تنها نقل قولهای را سوا نموده، که بتواند نظرات ویژه خود را پیش ببرد و از اینطریق تصویر نادرستی از کمونیسم کارگری ارائه داده. ۲ - با هر گونه تصویر نادرستی از کمونیسم کارگری مختلف هست، ایشان موظفند به سوالاتی که در رابطه با نقل قولهای زیر طرح می شوند، پاسخ دهن.

۱ - برای نزدیک کردن هر چه بیشتر اتحادیه ها به یک شکل ساختنی غیر بورکراتیک و بورژوایی برای متکی شدن آنها در سطح محلی به مجتمع عمومی کارگران تلاش می کنیم" (۱). اینگه در متن اصلی در رابطه با ایران است اما در بحث فاتح بهرامی تفاوتی نمی کند جرا که ایشان براساس جوهر عام اتحادیه با مجتمع عمومی مختلف کرد. آیا می تون اتحادیه ها را در سطح ملی بر مجتمع عمومی متکی کرد؟ اگر آری، چرا با تلاش من برای جا اندختن مجمع عمومی در اتحادیه ها مختلف شد؟ اگر خیر، چرا گفته بالا به عنوان اصلاح ساختار اتحادیه ها مورد نقد قرار نگرفت؟

۲ - در اتحادیه های کارگری مستقل شرکت می کیم، برای تقویت رهبری کارگران کمونیست در آنها می کوشم و در درون اتحادیه خط کمونیستی را متعدد می کنیم". (۲) با توجه به اینکه فاتح بهرامی اتحادیه را (به معنای عام) "بازوی کارگری احزاب رفرمیست" و "الترناتیو جناح چپ بورژوایی" می دارد، آنگاه معنی "مستقل" در گفته بالا چیست؟ آیا در اتحادیه ها "خط کمونیستی" هست؟ چرا آن خط را در اتحادیه متعدد می کند؟ و یس از اینکه متعدد شست به ساختار و افق اتحادیه چه می کوید؟ چرا برای رهبری کارگران کمونیست در اتحادیه ها می کوشد؟ این رهبری در اتحادیه ها می کوشد؟ این رهبری در مقابل افق رفرمیستی اتحادیه ها سر تعظیم فرمود می آورد یا افق ضد سرمایه داری را جای آن

دیگر اسی طلبی و انتخاب بین بد و بدتر، که سنن جا افتاده و بنیادی مبارزه سیاسی کل چپ می باشدند. ۵ - خلق گرانی رفرمیستی که نزد چپ، جانشین ایده های انقلاب و طبقه کارگر و مخالف کارگری را به جای حزب فزار به عنوان نیروی اصلی مبارزات اجتماعی و تحول انقلابی جامعه شده است.

اینها پنج مسئله محوری هستند که بنیادهای فکری و آرمانهای چپ کنادا را تشکیل می دهند و نقد مسائل دیگر مانند مسئله کبک، نفتا و غیره، در گروه نقد آنهاست. مثلاً در مورد نفتا، مخالفت چپ کنادا تنها از شرایبودی مشاغل نیست، بلکه همچنین به این دلیل است که همسانسازی که شرایبودی نسبت داشت، پایه های دخالت دولت در اقتصاد را از منعین خود نهاده است.

اینها پنج مسئله محوری هستند که بنیادهای فکری و آرمانهای چپ کنادا را تشکیل می دهند و نقد مسائل دیگر مانند مسئله کبک، نفتا و غیره، در گروه نقد آنهاست. مثلاً در مورد نفتا، مخالفت چپ کنادا تنها از شرایبودی مشاغل نیست، بلکه همچنین به این دلیل است که همسانسازی که شرایبودی نسبت داشت، پایه های دخالت دولت در اقتصاد را از منعین خود نهاده است.

اینها پنج مسئله محوری هستند که بنیادهای فکری و آرمانهای چپ کنادا را تشکیل می دهند و نقد مسائل دیگر مانند مسئله کبک، نفتا و غیره، در گروه نقد آنهاست. مثلاً در مورد نفتا، مخالفت چپ کنادا تنها از شرایبودی مشاغل نیست، بلکه همچنین به این دلیل است که همسانسازی که شرایبودی نسبت داشت، پایه های دخالت دولت در اقتصاد را از منعین خود نهاده است.

اینها پنج مسئله محوری هستند که

بدون رهبری حزب کمونیست کارگری، بدون مشکل شدن کارگران کمونیست در آن حزب امکان پذیر نیست. هر کس که بغواه اتحادیه، شورا، انجمنها و مخالف کارگری را به جای حزب فزار دهد، عوام‌گری به نیش نیست. حزب یک ضرورت تاریخی - طبقاتی است و از بحرانهای سرمایه داری ناشی نمی شود و یک روز عقب افتادن آن، هیبت قهرمانی ظاهر می شود که مشغول انقلاب است و به منظور همیستگی دستی هم به شانه کارگر می زند. آنجا که می رود تا دست خود را قدری به رفم "آزاده" کند، کاملاً مراقب است تا مسائل انقلاب را کارگری بیرون نمی آید؛ برای تشکیل آن باید قادر شد کمونیستها (جهه از کارگران و چه بقول نین از روشنفکران طبقات دارا) را حول خط کمونیسم کارگری و برنامه حزب در کنادا متعدد پاسخ به این وظیفه می باشد.

کمبود دمکراتیک "سیاست معینی را در برخورد به اتحادیه ها ارائه می دهد" او در آن محدوده ربطی به نظرات نویسنده پیرامون شورا و حزب ندارد) که عبارت است از تلاش برای جاقدیمی آن چپ پیرامون دو قطبی اندختن مجمع عمومی کارگران در محلهای کار و افق ضد سرمایه داری در اتحادیه ها. فاتح بهرامی این را فراخوانده طبقه کارگر به "مناصب بی سرانجام" می نامد. در مقابل به "دو جنبه کلی در برخورد به اتحادیه ها"

که به نظرش "مریبوط به اهمیت دری رابطه بین اصلاحات و انقلاب می باشد" تاکید می کند، که چنین است: "از یکسو اتحادیه ها نوعی از تشكیلهای تلاش می کند که در اتحادیه ها فراخوانده طبقه کارگر اند. یک کمبود سیاست سرانجام" می نامد. در مقابل به "دو جنبه کلی در برخورد به اتحادیه ها"

که به نظرش "مریبوط به اهمیت دری رابطه بین اصلاحات و انقلاب می باشد" تاکید می کند، که چنین است: "از یکسو اتحادیه ها نوعی از تشكیلهای تلاش می کند که در اتحادیه ها فراخوانده طبقه کارگر اند. یک کمبود سیاست سرانجام" می نامد. در مقابل به "دو جنبه کلی در برخورد به اتحادیه ها"

که به نظرش "مریبوط به اهمیت دری رابطه بین اصلاحات و انقلاب می باشد" تاکید می کند، که چنین است: "از یکسو اتحادیه ها نوعی از تشكیلهای تلاش می کند که در اتحادیه ها فراخوانده طبقه کارگر اند. یک کمبود سیاست سرانجام" می نامد. در مقابل به "دو جنبه کلی در برخورد به اتحادیه ها"

که به نظرش "مریبوط به اهمیت دری رابطه بین اصلاحات و انقلاب می باشد" تاکید می کند، که چنین است: "از یکسو اتحادیه ها نوعی از تشكیلهای تلاش می کند که در اتحادیه ها فراخوانده طبقه کارگر اند. یک کمبود سیاست سرانجام" می نامد. در مقابل به "دو جنبه کلی در برخورد به اتحادیه ها"

که به نظرش "مریبوط به اهمیت دری رابطه بین اصلاحات و انقلاب می باشد" تاکید می کند، که چنین است: "از یکسو اتحادیه ها نوعی از تشكیلهای تلاش می کند که در اتحادیه ها فراخوانده طبقه کارگر اند. یک کمبود سیاست سرانجام" می نامد. در مقابل به "دو جنبه کلی در برخورد به اتحادیه ها"

که به نظرش "مریبوط به اهمیت دری رابطه بین اصلاحات و انقلاب می باشد" تاکید می کند، که چنین است: "از یکسو اتحادیه ها نوعی از تشكیلهای تلاش می کند که در اتحادیه ها فراخوانده طبقه کارگر اند. یک کمبود سیاست سرانجام" می نامد. در مقابل به "دو جنبه کلی در برخورد به اتحادیه ها"

که به نظرش "مریبوط به اهمیت دری رابطه بین اصلاحات و انقلاب می باشد" تاکید می کند، که چنین است: "از یکسو اتحادیه ها نوعی از تشكیلهای تلاش می کند که در اتحادیه ها فراخوانده طبقه کارگر اند. یک کمبود سیاست سرانجام" می نامد. در مقابل به "دو جنبه کلی در برخورد به اتحادیه ها"

که به نظرش "مریبوط به اهمیت دری رابطه بین اصلاحات و انقلاب می باشد" تاکید می کند، که چنین است: "از یکسو اتحادیه ها نوعی از تشكیلهای تلاش می کند که در اتحادیه ها فراخوانده طبقه کارگر اند. یک کمبود سیاست سرانجام" می نامد. در مقابل به "دو جنبه کلی در برخورد به اتحادیه ها"

که به نظرش "مریبوط به اهمیت دری رابطه بین اصلاحات و انقلاب می باشد" تاکید می کند، که چنین است: "از یکسو اتحادیه ها نوعی از تشكیلهای تلاش می کند که در اتحادیه ها فراخوانده طبقه کارگر اند. یک کمبود سیاست سرانجام" می نامد. در مقابل به "دو جنبه کلی در برخورد به اتحادیه ها"

امروز

یکی از مهمترین مسائل ما

بیانیه از صفحه ۹

با همیگر فعالیت بکنیم. اما با وصف اجتماعی و حق بیکاری و بازنیستگی و کمک مسکن و درمان برخوردیم. اگر چه در مقایسه با گذشته خیلی از همه این مشکلات، فعالیتها و کارهای مشترکی داریم. ما در همین هفتۀ آینده نشستها و فعالیتهای مشترکی داریم که به نام هفته کار مشترک انجام می‌گیرد. اما در شرایط کنونی اینها به نفع ما کارگران است. اما اگر فنلاند وارد بازار مشترک اروپا نمی‌گذاری شده است. ما عمدتاً در این نشستها در مورد وضعیتی و امنیت اقتصادی بیکاران در سطح اروپا و همچنین فنلاند صحبت می‌کنیم و پس گرفته شده است. قنالند در دستاوردها را از دست می‌دهد. چون در خیلی از کشورهای قویتر اروپائی در خیلی از کشورهای کارگران این بوده این دستاوردها خیلی وقت پیش باز پس گرفته شده است. قنالند در بروکسل فقط ۳ درصد است و در مقابل ۹۷ درصد بقیه اصله ذوب می‌شود. کشور اتریش و روسیه وارد بازار مشترک اروپا نمی‌شوند.

اما با وصف همه اینها ما خواهان رابطه و همکاریهای مشترک در بین جنبشیان کارگری کشورهای اروپایی هستیم.

زندن، (درباره اعدام نمایش) بنظر آنها کار ما زنده بوده است. آنها حق دارند، چون آنها به حکم شرایط زندگی و موقعیتشان در جامعه نمی‌خواهند و نمی‌توانند ما را در کنند. ولی از طرف خیل وسیعی از کارگران و بیکاران اتحادیه بیکاران فنلاند و اروپا فنلاند نمایشی بود. اما بمنظور شما برای ازدشی بود. اما سر کار نیستیم. ولی ما به شیوه های دیگر مبارزه کرده ایم. اما بین بزدن بیکاری و ایجاد اشتغال برای همه بیکاران چه آگر تاثیتی می‌تواند اعتراضات راه بیاندازد و کارخانه ها را ببند و کارهای بینشی می‌کند، ولی نمی‌کند. برای اینها صحبتیان مشخص دارم که در اینجا وارد آن نمی‌شوم.

نخست وزیر، وزیر کار و وزیر دارانی دارند. اما این قدرت و موقعیت را داشت و سیاستهای ضد کارگران بدید و یا کارخانه ها را ببند. برای اینکه اداره کار نیستیم. ولی ما به شیوه ایم. آنها را بروز بیکاران اینها را ببند. اما بمنظور شما برای ازدشی بود. اما سر کار نیستیم. ولی ما به شیوه ایم. آنها را به اعتراض و ایجاد اشتغال برای همه بیکاران چه آگر تاثیتی می‌تواند اعتراضات راه بیاندازد و کارخانه ها را ببند و کارهای بینشی می‌کند، ولی نمی‌کند. برای اینها صحبتیان مشخص دارم که در اینجا وارد آن نمی‌شوم.

بعنوان آخرین سوال. آیا اتحادیه بیکاران فنلاند با اتحادیه بیکاران اروپا رابطه و تعلق دارد؟

مشترک اروپا بشود. بنظر من اگر فنلاند عضو بازار مشترک اروپا شود، عمدتاً به نفع کارگران و مردم کم درآمد خواهد بود. ما هم اکنون در فنلاند از امکانات رفاهی و بیمه های

در گذارش اعتراض کارگران بیکار از تلویزیون و بطور مشخص در کارگران باشند. آیا آنچه در حال حاضر هست و روی می‌دهد فرق کاری استگی دارد به امکانات و بول. متأسفانه هم ما و هم اتحادیه بیکاران اروپا پول آنچنانی نداریم که تا بیشتر مشتله بیکاری را حل کند. اما حکومت موجود اصله کارگران، اتحادیه ها، و همین اتحادیه ما را بحساب نمی‌آورد و به آن اهمیت نمی‌دهد. دولت قبلی تا حدودی خوب بود. کارگران و کارفرمها و هیئت دولت با

مشورت کارها را پیش می‌بردند. اما ساختمان پانک ملی در تهران در اثر فروکش کردن دیوار احتیاط در زیر آوار مدفن شدند. * در تهران دو کارگر افغانستانی که در عمق ۲۸ متری چاه مشغول حفاری بودند در اثر ریزش دیواره و سرایت فاضلاب چاه قدری به نفع کارگران و مردم کم درآمد خواهد بود. ما هم اکنون در فنلاند از امکانات رفاهی و بیمه های

* هشت نفر کارگر هنگام خاک برداری ساختمان پانک ملی در تهران در اثر فروکش کردن دیوار احتیاط در زیر آوار مدفن شدند.

* بر اثر انفجار یکی از کوره های ذوب فلز در کارخانه پارس متال دو کارگر در دم جان سپردهند.

* کارگر فرش کسری در استان یزد در اثر سانحه کار جان سپرد.

* در تهران دو کارگر افغانستانی که در عمق ۲۸ متری چاه مشغول حفاری بودند در اثر ریزش دیواره و سرایت فاضلاب چاه قدری به نفع کارگران و مردم کم درآمد خواهد بود. ما هم اکنون در فنلاند از امکانات رفاهی و بیمه های

* در تیر ماه، یک کارگر در جین نصب پایه آهن خط تلفن در کارگاه تانکر سازی شادابی واقع در سه کیلومتری جاده سنتند دچار برق گرفتگی شد و جان سپرد.

* در یک کارگاه صنعتی در ایلام در کمتر از یکسال ۷ نفر از ۱۴ کارگر دچار نقص عضو شدند. این موضوع باعث تعطیل

درست همینظور است. ما در پاتیز گذشته با نیروی قریب به ۱۵ هزار نفر بیکار در جلو پارلمان فنلاند علیه بیکاری و وضع موجود اعتراض حسروانه ای کردیم و از آن به بعد در گوشش و کنار به مناسبتی مختلف همیشه نسبت به این وضع در حال اعتراض بوده ایم و در روز جمعه ۹۶/۴/۱۵ در مرکز شهر تورکو قریب به ۱۵۰۰ نفر بیکار جمع شدیم و با اعدام نمایشی نخست وزیر، وزیر کار و وزیر دارایی نفرت و بیزاری خودمان را نسبت به وضع بیکاری موجود و کاهش سطح زندگی بیکاران ابراز داشتیم. خبرنگار تلویزیون از من سوال کرد که آیا شما می‌خواهید وارد خیابانها بشوید و به شیوه خشن وارد عمل اخراج اینجا باشد اینکار را می‌کنیم و گروههایی هم برای اینکار داریم. اما تمام بیکارانی که اینجا جمع شده اند و به دولت و سیاستهای او در رابطه با بیکاران اعتراض کردن، مسلم مشکل تاثیراتی در بین کارگران بیکار و اتحادیه ها و افکار عمومی گذاشته است؟

آیا همین با اعتراض شما در شهر توکو، در شهرهای دیگر نیز اخراج اینجا باشد اینکار را می‌کنیم و گروههایی هم برای اینکار داریم. اما تمام بیکارانی که اینجا جمع شده اند و به دولت و سیاستهای او در رابطه با بیکاران اعتراض کردن، مسلم مشکل تاثیراتی در بین کارگران بیکار و اتحادیه ها و افکار عمومی گذاشته است؟

درست در این روز نه. چونکه این اعتراض مربوط به شهر توکو و حومه بود. اما روز بعد (شنبه ۹۶/۴/۱۶) کارگران ساختمانی در هلسینکی تظاهرات کردند، آنها ضمن خواستهای مشخص خودشان، از ما بیکاران هم دفاع کردند. اما همینسان نیا اعتراض می‌کردند. اما کارگران بیکار در "لاتیلا اولو" در منطقه "لابلاند" در شمال فنلاند سینهارهایی داشتند و مسئله بیکاری و

جایگاه، فعالیت می‌کنم. من و دیگر همکارانم مرتب در طول عمر شاغل بوده ام. با نیروی جسمی و فکری کار کرده ام. مدت طولانی معمار بوده ام و مدتی در آیستگاه راه آهن کار کرده ام. اکنون با پول بیکاری زندگی می‌کنم. برای فعالیتهای اتحادیه ای پولی دریافت نمی‌کنم، زیرا اتحادیه بیکاران پول ندارد و من داوطلبانه در این

جایگاه، فعالیت می‌کنم. من و دیگر همکارانم مرتب در تلاشیم که مسئله بیکاری را به شیوه درست و کارساز حل نماییم و این اعتراضات را که مورد تاثیراتش بر دولت و کارفرمها و حومه در همیستگی با اعتراض دسته جمعی ما فعالیتهایی داشتند. در

خود شاهد آن بودی را کرده ایم و به شیوه های دیگر و با نیروی بینشی ادامه خواهیم داد. بله ما مبارزه ای رادیکال را در شکل و محتوا پیش دست به تبلیغات و اقداماتی هم علیه می‌زنند. مثلاً شاغلین و مقامات عالی رتبه که در زندگی مشکلاتی ندارند به ما کنایه

سوانح ناشی از کارهای روزه از کارگران قربانی می‌گیرد

بیمه شدگان تامین اجتماعی موظف به پرداخت فرانشیز در مراکز درمانی دولتی شدند

طبق دستور العمل سازمان تامین اجتماعی بیمه شدگان این سازمان موظف به پرداخت فرانشیز (سهم بیام در هزینه درمان) شدند. این مبلغ برای خدمات سرتاسری ۲۰ درصد و بسترهای ۱۰ درصد و پاراکلینیکی ۲۵ درصد اعلام شد. این اقدام حدود ۳۰ میلیارد ریال از هزینه سازمان تامین اجتماعی می‌گذرد. بیمه شدگان تامین اجتماعی می‌گذرد. این اقدام از پرداخت فرانشیز (سهم بیام در هزینه درمان) شدند. بودند.

کارگاه شد و کارگران اخراج شدند.

* در تهران دو کارگر افغانستانی که در عمق ۲۸ متری چاه مشغول حفاری بودند در اثر ریزش دیواره و سرایت فاضلاب چاه قدری به نفع کارگران و مردم کم درآمد خواهد بود. ما هم اکنون در فنلاند از امکانات رفاهی و بیمه های

اصلاح اتحادیه ها

خلاص نمای چپ غیر کارگری

اتحادیه ها نیست؟ بالاخره چگونه می‌توان هم آلترناتیو شورانی را طرح کرد. (که فقط باید انجام داد) و هم فراخوانی علیه اتحادیه ها نداد (که قطعاً باید داد) و هم به شکل گیری واقعی شوراهای رسید؟

نتیجه گیری

"اصلاح اتحادیه" به لحاظ درک از اتحادیه، سیاستی که در برابر فعالیت کمونیستها در اتحادیه ها عرضه می‌کند، رابطه رفم و اقلاب، رابطه حزب و مبارزات کارگری، روش تحلیل و پلیسیک، مخالفت با تلاش سوسیالیستی طرح مجمع عمومی و افق ضد سرمایه داری در اتحادیه ها، خصلت نمای چپ غیر کارگری است.

توضیحات:

(۱)، (۲)، (۳)، "قطعنامه درباره تشکلهای توده ای طبقه کارگر - بند د": در باره اتحادیه ها" مندرج در انترناشیونال ۱ و مصوب کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران، در انترناشیونال ۲.

(۴)، (۵)، (۶)، "مبانی و چشم اندازهای حزب کمونیست کارگری مندرج در انترناشیونال ۲.

نیست؟ اگر پاسخ دو سوال فوق منفی است، پس معنای آن "حقایقی" و "تمایلات و تکاپوی" چیست؟

۵ - کمونیسم کارگری باید آلترناتیو شورانی خود را با جدیت طرح کند" (۵)

و "مادام که آلترناتیو شما (عنی جنبش شورانی) یک تشکیلات واقعی و موجود نیست، مادام که سازمانیابی واقعی و در دسترس باری کارگران تانکر سازی تاکید شده است".

۶ - از تلاش کارگران برای ایجاد سندیکا حمایت می‌کنیم و به آن پاری می‌رسانیم" (۲). چرا از تلاش کارگران برای ایجاد سندیکا و بقول فاتح بهزاسی آلترناتیو جناح چپ بورژوازی" حمایت می‌کند و به آنها جان سپرد و دیگری از ناحیه نخاع و کمر آسیب دید.

۷ - در یک کارگاه صنعتی در ایلام در کمتر از یکسال ۷ نفر از ۱۴ کارگر دچار نقص عضو شدند. این موضوع باعث تعطیل

قرار می‌دهد؟

۳ - از تلاش کارگران برای ایجاد سندیکا حمایت می‌کنیم و به آن پاری می‌رسانیم" (۲). چرا از تلاش کارگران برای ایجاد سندیکا و بقول فاتح بهزاسی آلترناتیو جناح چپ بورژوازی" حمایت می‌کند و به آنها جان سپرد و دیگری از ناحیه نخاع و کمر آسیب دید.

۸ - در یک کارگاه صنعتی در ایلام در کمتر از یکسال ۷ نفر از ۱۴ کارگر دچار نقص عضو شدند. این موضوع باعث تعطیل

درست در این روز نه. چونکه این اعتراض مربوط به شهر توکو و حومه بود. اما روز بعد (شنبه ۹۶/۴/۱۶) کارگران ساختمانی در هلسینکی تظاهرات کردند، آنها ضمن خواستهای مشخص خودشان، از ما بیکاران هم دفاع کردند. اما همینسان نیا اعتراض می‌کردند. اما کارگران بیکار در "لاتیلا اولو" در منطقه "لابلاند" در شمال فنلاند سینهارهایی داشتند و مسئله بیکاری و

جایگاه،

اعظم کم گویان

قراردادهای جمعی و اروپای واحد

ده هشتاد سالهای تضعیف اتحادیه های کارگری در اروپا بود. بیکاری مزمن ۱۰ درصد نیروی کار را در سراسر ده هشتاد تقریباً در تمام کشورهای عضو جامعه اروپا در بر گرفته بود.

قراردادهای جمعی جوهر و محتواهی اروپا را از جهات مختلف تضعیف کرد. اتحادیه های کارگری نه تنها در زمینه عمل مستقیم در دفاع از منافع کارگران، و نه تنها در زمینه افزایش کارگری با کاربرد شرایط کار بلکه دستمزدها و سایر شرایط و حقوق کاری همچنین در زمینه قوانین ناظر بر کار به عقب نشینی های جدی کشانده شدند. در نتیجه سهم مزد از درآمد ناخالص ملی طی دهه ۸۰ در سراسر جامعه اروپا شدیداً کاهش یافت و در بسیاری از کشورها به پایین ترین حد خود بعد از جنگ جهانی دوم رسید. اعتمادهای کارگری در تمام کشورهای جامعه اروپا در سطح پایین باقی ماند. بیکاری بالا همراه با درهم شکستن ساختن اجتماعی سنتی طبقه کارگر، تمرکز زیادی اقتصادی، شیفت سرمایه از بخش تولید، منجز به کاهش عضویت در اتحادیه های در تمام کشورهای جامعه اروپا بجز دانمارک گشت. در بسیاری از کشورهای عضو جامعه اروپا کمتر از نصف جمعیت کارگری در اتحادیه های منتظر اند و در درجه سازماندهی در این کشورها کاهش یافته است. در مجموع میزان بیکاری اکنون در کشورهای عضو جامعه اروپا، ۱۸ میلیون نفر است و ۵۰ میلیون نفر زیر خط فقر قرار دارند.

پیمان ماستریخت

و قراردادهای جمعی

علاوه بر این تصویر مقامات اتحادیه ای در اغلب کشورهای جامعه اروپا در نتیجه رسایلها، محدودنگری در تشخیص منافع کارگران، فقدان ابتکار و بورکاری می‌نماید که همه چرخش به راست فضای ایدئولوژیک و سیاسی جامعه شدیداً خذش دار گشت. این تحولات به نوبه خود باعث تضعیف شدید اهرمehای سنتی سیاسی کارگران شد.

بطور خلاصه این عوامل موقعیت سیاسی و اقتصادی کارگران اروپا را طی ده هشتاد درست در شرایطی که جامعه اروپا دستخوش سازمانیابی مجدد بود تضعیف کرد. این وضع بیویه تاثیرات خود را در تلاش اتحادیه های اروپایی برای کسب یک بیانیه محکم حقوق اجتماعی که حافظ و تحکیم کننده منافع آنان در جامعه اروپا باشد، نمایان ساخت.

بیانیه حقوق اجتماعی و جایگاه قراردادهای جمعی

با تکمیل فاز اولیه یکپارچه شدن جامعه اروپا در اوخر دهه شصت و با تمايل بخشی از رهبران جامعه اروپا برای دادن "جهه‌ای انسانی" به بازار واحد اروپا، فشارهایی در جهت معمول داشتن یک خط مشی اجتماعی در زمینه حقوق کارگری به جامعه اروپا وارد شد. اینکه بیانیه حقوق اینکه بیانیه تصویب بیانیه حقوق حاصل این تلاشها تصویب بیانیه حقوق

اعتراضی واحدی را در سطح اروپا سازمان داد. در بسیاری از کشورهای اروپایی بطور مثال حق اعتصاب یک حق فردی است و نه بخشی از قراردادهای اجتماعی.

حق اعتصاب، حق تشکل و دستمزدها مهمترین مسائل درگیر منازعات بین کارگران و کارفرمایها به توانی قوای کارگران و سرمایه داران در سطح محلی سپرده شده است.

طبق پروتکل اجتماعی مصوب پیمان ماستریخت قراردادهای جمعی یک احتمال در سطح اروپا خواهد بود. قراردادهای جمعی بعنوان شکلی از اشکال تنظیم روابط بین کارگران و سرمایه داران اعمال خواهد شد و تنها در برگیرنده اصول کلی و توصیه هایی به سرمایه داران خواهد بود و شامل مذکرات غیررسمی نمایندگان کارفرمایها و اتحادیه ها خواهد بود.

اهمیت مساله قراردادهای جمعی در اروپای واحد و چگونگی بزرگ دلتهای عضو جامعه اروپا و کمیسیون اروپا به قراردادهای جمعی، بیویه در پیمان ماستریخت سوالات زیادی را در این مورد بر می انگزید:

آیا جنیش کارگری و اتحادیه ای قادر است که در سطح اروپایی قراردادهای جمعی را به مهمترین و تعیین کننده ترین ابزار کارگران در مقابل سرمایه داران تبدیل کند؟ چه مسائلی مورد مذکره و تصمیم گیری قرار میگیرند؟ آیا تعیین دستمزدها، حق اعتصاب و تشكل تابع قراردادهای جمعی خواهد بود یا بصورت حقوق فردی در منازعات بین ماین کارگران و دولت حل و فصل خواهد شد؟ نتیجه مذکرات بین طرفین بازار کار در هر کشور اروپایی چگونه کاربرد پیدا خواهد کرد؟ قراردادهای جمعی چه مدت زمانی خواهند داشت؟ جایگاه دولت و قوانین دولتی در مسائلی فی ماین کارگران و کارفرمایها چگونه خواهد بود؟ *

طرفین پیشنهاد کردند که کنفرانس دولتهای عضو بازار مشترک آن را در طبق این پروتکل ۱۱ دولت عضو بازار پیمان جدیدی (پیمان ماستریخت) مشترک به فرادر رفتن و پیش رفتن از تصویب کنند.

مصطفیات قرارداد رم در زمینه حقوق بندی توافقنامه این اجلاس عبارت بودند از:

۱- حق مشورت در زمینه پیشنهادات و مسائل اجتماعی مصوب پیمان ماستریخت "ادن بیشترین امکان به تصویب و درج گردد. (یعنی تشکلهای کارفرمایها و اتحادیه های کارگری در این اظهار امیدواری کردند. هدف بند چهار بیانیه حقوق اجتماعی مصوب پیمان ماستریخت و نه هیچ متن و مصوبه دیگری قراردادهای جمعی بین کارگران و سرمایه داران را بعنوان چهارچوب ایجاد مختار باشد که در مقابل مقررات و قوانین بازار کارگران و سرمایه داران صریحاً تصویب و تعیین نکرده است.

اما واضح است که نه پیمان امور مربوطه از جانب کمیسیون اروپا مورد مشورت و نه هیچ متن و مصوبه دیگری قراردادهای جمعی بین کارگران و سرمایه داران را بعنوان چهارچوب ایجاد مختار باشد که در مقابل مقررات و قوانین بازار کارگران و سرمایه داران صریحاً تصویب و تعیین دولت تبیعت کنند.

۲- طرفین بازار کار در سطح محلی اینده مخفی باشند که در مقابل مقررات و قوانین ایجاد مختار باشد و در دولت تبیعت کنند.

۳- طرفین بازار کار حق بررسی و فعالیت در مجموعه مصوبات جامعه اروپا، موروی به سابقه تصویب بیانیه حقوق اجتماعی لازم است.

برای درک بهتر جایگاه قراردادهای جمعی در مجموعه مصوبات جامعه اروپا، موروی به بروای پاسخگویی به مسائل مربوط به جنبش اتحادیه ای، زاک دلو، رئیس وقت کمیسیون اروپا "سویسال دیالوگ" که مبتنی بر دیالوگ بین دولتها و طرفین بازار کار اکارگران و کارفرمایها بود را مقرر کرد. البته این بروای پاسخگویی به مسائل مربوط به این اتحادیه ای را معرفی کرد. البته این میکردن اینده این بخش از فعالیت کمیسیون بر طبق پروتکل اجتماعی بیانیه حقوق ایجاد مختار باشد و در دولت این اینده ای مخفی باشند و در دولت تبیعت کنند.

طبق پیمان ماستریخت تصمیمات مربوط به موارد ذیل باید با اکثریت نسبی در کمیسیون اروپا مورد تصویب قرار گیرند:

- همکاری و مشورت با اتحادیه ها در سطح شرکهای چند ملیتی

- مسائل مربوط به شرکهای فرای مرزها، استانداردهای بالای زندگی، حق داشتن محیط کار

- برای زنان و مردان در مقابل کار یکسان

- اقدامات لازم برای جذب دویاره مزدگیرانی که بدلیل بیکاری طولانی مدت از بازار کار دفع شده اند.

در موارد ذیل تصمیمات به اتفاق آرا اخذ میگردد:

- بیمه های اجتماعی و تامین اجتماعی

- مشورت بین کارفرمایها و کارگران (اتحادیه های کارگری) در تصمیم گیری

- اجازه کار برای اتباع غیر کشورهای عضو جامعه اروپا

- حمایت اقتصادی از اقدامات ایجاد کننده اشتغال

در پیمان ماستریخت بصراحت تاکید شد که تصمیم در موارد زیر به دولتها و طرفین بازار کار در سطح محلی و کشوری و اکنار میگردد:

- دستمزد

- حق اعتصاب

- حق تشکل

- دلیل سپردن این موارد به تصمیم در

سطح محلی چنین عنوان شده است:

گوناگونی روشهای تولید، کارآیی تولید و سایر فاکتورهای اقتصادی که به نام "تولید در کشوری را برگزینه اند که به نام "تولید در کشوری که ارزانتر تمام می شود و نفع بیشتر برای ما دارد" شهود یافته است.

در هر صورت، کارخانه فرانسوی "دیشون" سازنده چارویرقی در هیین روند "منتفع بیشتر" تعطیل می گردد و در عرض به کارخانه اسکانلندی کامپوسلانگ در اطراف شهر گلاسکو انتقال می یابد. حتی بدتر از آن کارگران در مقابل سرمایه شرایط شرکت مادر مجبور به قبول شرایط جدید می شوند که شامل کاهش حقوق اتحادیه ای و امنیت شغلی، بدتر شدن کار شیفتی، مزایای بازنیشگی و مزایای دوران پیماری، وغیره است. □

دولت عبوری از استثمار کارگران

شرکت آمریکائی "هورور" کارگران دو کارخانه خود در فرانسه و اسکانلند را رودروی هم قرار داده است. آنان که مزد کمتری دریافت کنند، اولویت اشتغال به کار با آنهاست.

کشورهای جامعه اروپا تصمیم گرفته اند که از این پس گردش سرمایه بدون مرز یا به بیانیه گردش پول بر محور بی بند و باری برای شرکتهای بزرگ آزاد خواهد بود، به طوری که شرکتها در برنامه های خود روند جدیدی را برگزینند که به نام "تولید در کشوری که ارزانتر تمام می شود و نفع بیشتر برای ما دارد" شهود یافته است.

در هر صورت، کارخانه فرانسوی "دیشون" سازنده چارویرقی در هیین روند "منتفع بیشتر" تعطیل می گردد و در عرض به کارخانه اسکانلندی کامپوسلانگ در اطراف شهر گلاسکو انتقال می یابد. حتی بدتر از آن کارگران در مقابل سرمایه شرایط شرکت مادر مجبور به قبول شرایط جدید می شوند که شامل کاهش حقوق اتحادیه ای و امنیت شغلی، بدتر شدن کار شیفتی، مزایای بازنیشگی و مزایای دوران پیماری، وغیره است. □

طبق این تصمیم واضح است که کارگران این انتقال یک ابزار سرمایه در اکنون ماستریخت، در اکنون ۱۹۹۱ در "سویسال دیالوگ" بین طرفین بازار کار (نمایندگان تشکلهای اجتماعی کارگران ادامه دهنده بدون اینکه بیانیه تصویب بیانیه حقوق این تلاشها تصویب بیانیه حقوق

